

مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس  
(ایران - افغانستان)

به رفیق  
ظاهره شمس،  
زن مبارزی که برای  
آزادی و رهایی زنان  
در افغانستان و ایران  
و سراسر جهان در  
تمام دوران زندگیش  
مبارزه کرده است.



سازمان زنان هشت مارس بیست و پنج ساله شد!

(۱۹۹۸-۲۰۲۳)

WOMEN LIFE FREEDOM!

زن زندگی آزادی!

WOMAN REVOLUTION LIBERATION!

زن انقلاب رهایی!

**همکاری شما؛ نشریه را پر بارتر خواهد کرد.**

**برای هشت مارس**

**خبر، مقاله، شعر، عکس، طرح، داستان و ترجمه بفرستید!**

**لطفاً نوشته‌های خود را در صورت امکان با برنامه  
Word فارسی تایپ کنید و مطالب را برای مان بفرستید!**

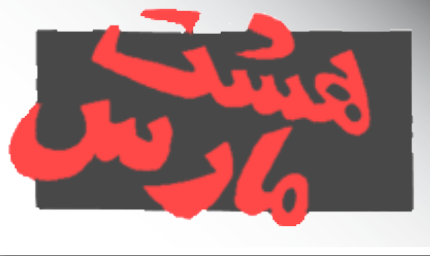
**نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را در مورد نشریه هشت مارس  
برای ما ارسال نمایید.**

**بی شک همکاری شما  
در این زمینه‌ها به ارتقای سطح نشریه کمک خواهد کرد.**

**ایمیل ما:**

**zanane8mars@yahoo.com**

**مسئولیت هر یک از مقالات در نشریه هشت مارس به عهده‌ی نویسنده‌گان آن است.**



# فهرست مطالب

شماره ۶۰ - آذر ۱۴۰۲ / دسامبر ۲۰۲۳

## سر سخن

هشت مارس	قطننامه سیاسی - افغانستان	۴
هشت مارس	قطننامه سیاسی - ایران	۷
هشت مارس	افتتاحیه یازدهمین مجمع عمومی	۹
هشت مارس	گزارش فشرده‌ای از یازدهمین مجمع عمومی در بیست و پنج سالگی	۱۰
هشت مارس	گزیده‌ای از بولتن یازدهمین مجمع عمومی	۱۳
هشت مارس	آخرین نسخه منشور	۲۰
هشت مارس	آیین‌نامه‌ی تشکیلاتی	۳۴
سانمه سلطانی	نامه سرگشاده: کاش از بی‌رحمی و تبعیض دست بکشید!	۳۸
رضا شهابی	در پاسخ به نامه سرگشاده سائمه سلطانی	۴۲
تمنا	روایتی از زلزله هرات / ارسالی از افغانستان	۴۴
	گزارش فعالیت‌ها	۴۵
	بیانیه‌ها	۴۷
		۵۸

سر دبیر نشریه

لیلا پرنیان

طراحی و صفحه بندی

فریدا فراز

طراح جلد

نکیسا و فریدا

# مبارزات

## در شرایط بیست و پنجمین سالگرد و یازدهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس را برگزار کردیم؛ که مبارزات زنان در ایران و نقش پیشتازی آنان در خیزش عظیم «زن زندگی آزادی» تأثیرات مهم و جهت دهنده‌ای نه تنها در ایران و افغانستان بلکه در سراسر جهان گذاشته است.

اما آن چه که از دوران به قدرت رساندن طالبان تا کنون روشن شده است این است که طالبان با تمام خشونت‌های وحشیانه و صدور احکام ضد زن مبتنی بر شریعت اسلامی، نتوانسته زنان مبارز و پیشرو را خاموش سازد. این زنان به اشکال مختلف ضدیت خود را با بنیادگرایان اسلامی در قدرت و خارج از قدرت نشان داده اند. اینها همان زنانی هستند که با وجود تمام خطرات به خیابان می‌آیند، زنانی که فضای مجازی را به تریبونی برای افشای امارت اسلامی طالبان و ضدیت عمیق‌شان با زنان بدل ساخته اند، زنانی که در خانه‌ها جمع شده و فراخوان‌های مبارزاتی خود را صادر می‌کنند.

زنان با مبارزات خود به اشکال گوناگون نشان داده‌اند که طالبان به راحتی نمی‌تواند با زور و اجبار و خشونت‌های وحشیانه، آنان را به خانه براند و در پستوی خانه‌ها محبوس کند. مبارزات زنان در برابر جنگی که طالبان به آنان تحمیل کرده، ادامه یافته و این نیروی زن ستیز را با چالشی جدی روبرو کرده است، چالشی که نه تنها تا سرنگونی با آن درگیر خواهد بود بلکه به طور روزافزونی بر شدت و حدت آن افزوده خواهد شد.

در شرایطی یازدهمین مجمع عمومی را برگزار کردیم که دستاوردهای مبارزات مردم، بویژه زنان پیشرو، در خیزش ژینا، مصالح مهمی را برای جمع‌بندی و پیشروی جنبش انقلابی زنان در ایران و افغانستان، مهیا ساخته است. دستاوردهایی که حاصل بیش از چهار دهه مقاومت و مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و سایر عرصه‌های ستم بر زن را در خود فشرده کرده و در قیام ژینا به اوج رسانید.

در شرایطی بیست و پنجمین سالگرد و یازدهمین مجمع عمومی برگزار کردیم که مبارزات زنان در افغانستان علیه طالبان، یکی از ضد زن‌ترین حکومت‌های جهان، از مشخصه‌های اصلی آن شده است. زنانی که با عزم و اراده مبارزاتی در برابر طالبان، این ارمغان امپریالیست‌های آمریکایی و مرتجعین منطقه‌ای، به پا خاسته اند. زنانی که در صحنه مبارزه با طرح شعارهایی هم چون: «طالب جنایت می‌کند، آمریکا حمایت می‌کند»، «مرگ بر ستمگر، چه طالب باشد، چه لابی گر»، «نان، کار، آزادی»، «طالبان، طالبان، سرنگون، سرنگون» به زندگی زیر یوغ متحجرین طالبان تن نداده و نمی‌دهند. مرزبندی که زنان پیشرو در شعارهای‌شان پیش گذاشته‌اند نشان می‌دهد که نه تنها ماهیت فاشیستی و زنستیزانه طالبان را به خوبی می‌شناسند، بلکه از نقش و جایگاه امپریالیست‌های آمریکایی که حامیان اصلی طالبان هستند نیز با خبرند؛ در عین این که با تمام کسانی که برای منافع حقیر خود به گدایی از درگاه قدرت‌های امپریالیستی و لابی‌گری برای مشروعیت بخشیدن به طالبان توسل جسته اند، مرزبندی درست و اصولی پیش گذاشته اند.

طالبان، اسلامی بودن‌اش را هم چون رژیم جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها اسلامی، با ستم جنسیتی و به قهقرا بردن موقعیت زنان، رقم می‌زند. برای امارت اسلامی طالبان درجه بالای اسلامی بودن‌اش، با افزایش هر چه گسترده‌تر محدودیت‌ها و خشونت‌های سازمان یافته بر زنان، با هدف وادار کردن آنان به خانه نشینی، معنی و مفهوم می‌یابد.

آتش زدن حجاب اسلامی توسط زنان و نوجوانان جسور، تنها ابراز خشم و نفرت عمیق از حجاب اسلامی نبود، فقط خشم و نفرت از رژیم ضد زن جمهوری اسلامی و سوزاندن پرچم ایدئولوژیک‌شان نبود، بلکه پیش گذاشتن پایه‌های مانیفستی بود برای آینده، آینده‌ای که با رهایی بدن زن از اسارت سیستم سرمایه داری معنا و مفهوم می‌یابد.

نقش پیشتازی زنان در قیام ژینا تحول مهمی را در افکار مردم، بویژه آن دسته از مردان، مردان جوان و نوجوانی که مبارزه زنان علیه حجاب اجباری را مبارزه خود می‌دانند و به همین دلیل به حجاب سوزان پیوستند، ایجاد کرد؛ تحولی که به موجب آن دریافتند که موضوع ستم بر زن که فشرده آن در حجاب اجباری متمرکز شده است، موضوعی مربوط به همه است و رهایی جامعه از قید و بند مظالم گوناگون، بدون رهایی زن، ممکن نمی‌شود. به همین دلیل هم جوانان و نوجوانان پیشرو زن و مرد را می‌بینیم که در فراخوان خود برای برگزاری اولین سالگرد کشته شدن ژینا امینی، در شمال و تهران، شعار «زن انقلاب رهایی» که سازمان ما از همان هفته‌های اول قیام ژینا پیش گذاشت را پخش می‌کنند. هم چنین بر دیوارها این شعار نقش می‌بندد.

یکی از تأثیرات خیزش ژینا در بین مردم بویژه جوانان دختر و پسر، پیوستن به پرچم دادخواهی است. اگر مادران و خانواده‌های جان باختگان دهه شصت در افشای جنایات رژیم و قتل عام یک نسل از بهترین و فداکارترین مبارزین و انقلابیون از پشتیبانی توده‌ای چندانی برخوردار نبودند، در طی سال‌های بعد بخصوص پس از خیزش دی ۹۶ و ۹۸ دامنه پشتیبانی و حمایت از آنان در بین مردم گسترش یافت و پس از خیزش اخیر جهش کیفی کرده است. با قاطعیت تمام می‌توان گفت که تنها مادران، خواهران، برادران و خانواده‌های جانبختگان نیستند که دادخواهند، بلکه دادخواهی به امری توده‌ای‌تر بدل شده است. البته باید به این موضوع مهم هم اشاره شود که خانواده‌های دادخواه بویژه مادران دادخواه، مادران خاوران از همان دهه شصت با کوتاه نیامدن‌شان از دادخواهی، نقش مهمی را در شکل‌گیری اوضاع عینی کنونی و دمیدن به امر ادامه مبارزه برای دادخواهی که به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده، داشته و کماکان دارند.

یکی دیگر از تأثیرات قیام «زن زندگی آزادی» را می‌توان در روحیه مبارزه جویی زندانیان سیاسی در کل و زنان زندانی سیاسی به طور خاص دید. شعارهایی که زنان زندانی سیاسی، پس از آزادی یا آزادی موقت، علیه رژیم و در دفاع از مردم، بلافاصله پس از رد شدن از دروازه‌های زندان فریاد می‌زنند، بیان نهراسیدن از دشمن است. پیام‌های همبستگی زندانیان سیاسی و در کنار مردم قرار گرفتن آنان، از یک طرف تأثیرات خیزش اخیر بویژه نقش پیشتازی زنان در آن را منعکس می‌کند و از طرف دیگر نقش تعیین‌کننده آن دسته از نیروهای آگاه و مبارز در سمت و سوی درست دادن به مبارزات مردم

را حتی از درون زندان، بیان می‌کند. قدر مسلم زندانیان سیاسی که در نتیجه مبارزات آگاهانه و انقلابی در هر دوره از حاکمیت چهل و چهارساله جمهوری اسلامی به زندان افتادند و مبارزه خود را در زندان به اشکال دیگری پیش بردند، در شکل دهی به اوضاع کنونی جامعه و پیشبرد امر مبارزه توسط مردم، نقش مهمی را ایفا کرده‌اند.

از دیگر تأثیرات قیام ژینا، سیاسی‌تر شدن مردم است. اغراق‌آمیز نخواهد بود اگر بگوئیم که ترفندهای گوناگون رژیم برای جلب توجه مردم بکلی بی‌تاثیر شده و مردم نه تنها تراهی برای تهدیدها و عریده کشی‌های رژیم خرد نمی‌کنند، بلکه به وعده و وعیده‌های توخالی‌شان هم وقعی نمی‌گذارند. اما مهم‌ترین تحولی که در فکر مردم با درک‌های متفاوت ایجاد شده است، موضوع طرح شدن انقلاب است. در واقع مبارزات سراسری مردم در قیام ژینا باعث شد که راه سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق انقلاب، در سطوح گسترده در جامعه مطرح شود.

اما این هم واقعیتی است که هنوز درک از انقلاب و رهبری نیروی انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در بین مردم عمق نیافته است؛ درک از انقلابی که بتواند تمامی روابط تولیدی که بر اساس سود و کشیدن شیره‌ی جان میلیون‌ها تهیدست شهر و روستا و سایر اقشار و طبقات بنا شده است، زیر و رو کند؛ انقلابی که بتواند کلیه روابط اجتماعی ستم‌گرانه که بر پایه‌ی روابط تولیدی استثمار می‌رود را تغییر دهد؛ انقلابی که بتواند کلیه‌ی افکار کهنه‌ای که توسط طبقات ارتجاعی بر پایه‌ی مناسبات ستم‌گرانه اجتماعی در جامعه تولید و باز تولید می‌شود را از طریق پیش برد مبارزه آگاهانه و هدفمند برای ریشه کن کردن جهل و خرافه، سنت‌های ارتجاعی، فرهنگ پدر/مردسالاری و افکار پوسیده‌ای که دست و پای مردم را بسته است، نابود سازد و... اما این هم حقیقتی است که تغییر اوضاع عینی جامعه، تغییری که در نتیجه مبارزه، بویژه در خیزش اخیر در روحیه مردم و خواست سرنگونی ایجاد کرده است، شرایط را برای فراگیر کردن درک درست از انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از طریق آن را بیش از پیش مهیا کرده است.

بر بستر همین تحول در فکر مردم و فراگیر شدن خواست مردم در سرنگونی رژیم و طرح موضوع انقلاب است که قدرت‌های امپریالیستی با حساسیت به مراتب بیشتری اوضاع ایران و موقعیت رژیم جمهوری اسلامی را زیر ذره بین قرار داده و نیروهای خود را هم چون سلطنت طلب‌ها به سرکردگی رضا پهلوی و خود خوانده‌های جنبش زنان هم چون مسیح‌علینژاد را به تحرک بیشتری برای به انحراف کشاندن مبارزات مردم در دوری جستن از انقلاب و نیروهای انقلابی، وا داشته‌اند.

این شرایط نوین که بر خاسته از مبارزات مردم علیه رژیم، بویژه نقش پرقدرت و پیشتاز زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری و جمهوری اسلامی است، بستر مناسبی را برای ما بعنوان بخشی از جنبش انقلابی زنان ایجاد کرده تا بتوانیم با اتکا به دستاوردهای مبارزاتی، نگرش انقلابی‌مان را عمق بیشتری ببخشیم و آن را در مبارزات گوناگون بکار گیریم و این گونه نگرش‌مان را در میان مردم به طور کل و در بین زنان بویژه زنان جسور و پیشرو به طور خاص تر، فراگیر کنیم و شرایط فعالیت انقلابی سازمان یافته را ایجاد کنیم.

ما زنان افغانستان و ایران که در بیست و پنج سال گذشته دست در دست هم داشتیم توانستیم به درجات بالایی در برابر فراز و نشیب‌ها، سختی‌ها، افت و خیزهای مبارزاتی و مهم‌تر از همه، در برابر گرایش‌های انحرافی و ارتجاعی که به دنبال تعدیل نظام‌های ضد زن افغانستان و ایران بودند، بر پایه نگرش انقلابی‌مان ایستادگی کنیم و از منافع مردم به طور کل و زنان بطور خاص کوتاه نیاییم.

در شرایط کنونی زنان افغانستان در برابر امارت اسلامی طالبان، خاموش نمانده و به طرق گوناگون مبارزات خود را تداوم می‌بخشند؛ اما حتی اگر این شرایط هم نبود، ذره‌ای از وظایف ما برای اشاعه نظرات انقلابی در میان زنان کاسته نمی‌شد.

در ایران، مبارزات مردم و نقش تعیین کننده زنان در آن، جمهوری اسلامی را به معنای واقعی به ضعف و استیصال کشانده است.

شرایط اسفناک اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در هر دو کشور از یک طرف و مبارزات بی‌وقفه زنان و سایر اقشار، با وجود تمامی مشکلات سر راه از طرف دیگر؛ وظایف سنگینی را برای رسیدن به اهداف مبارزاتی در هر دو کشور، پیش روی ما قرار داده است. مهم‌ترین وظیفه این دوره کمک به شکل گرفتن تشکیلات انقلابی‌مان در هر دو کشور است. باید بیشترین هم و غم خود را به این امر مهم معطوف داریم و به گام‌های‌مان برای عملی کردن آن، سرعت ببخشیم. ■

یکی دیگر از تاثیرات عمیق مبارزه زنان بویژه در قیام ژینا این است که مبارزه علیه حجاب اجباری، در ابعادی بسیار گسترده‌تر و با جسارتی بالاتر از گذشته، به پیش برده شده و می‌شود. خیل وسیعی از زنان پس از افت مبارزات خیابانی، هم چنان تردد متهورانه بدون حجاب اسلامی در اماکن عمومی را به امر روزانه مبارزه با رژیم، بدل کرده‌اند. شاخ و شانه کشیدن مزدوران رژیم با لباس‌های مختلف، تهدیدهای سران رژیم، تصویب قوانین عفاف و حجاب؛ هیچ یک نتوانسته خللی در مبارزه گستره زنان در شهرهای گوناگون علیه حجاب اجباری ایجاد کند. بازگرداندن گشت ارشاد خود بیان این حقیقت است که جمهوری اسلامی در برابر عزم راسخ زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری و ادامه‌یابی آن، یک بار دیگر شکست خورده است. در حال حاضر زنان شجاع با تردد در اماکن عمومی بدون حجاب اسلامی، رژیم ضد زن جمهوری اسلامی را آماج مبارزه خود قرار داده‌اند. بر همین پایه و در شرایط کنونی، سیاسی‌ترین مبارزه علیه رژیم، توسط زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری پیش می‌رود. تاثیرات مبارزه زنان علیه حجاب اجباری نه تنها زمینه مساعدی برای پیوستن توده‌ای‌تر زنان، بویژه زنان جوان و نوجوان به مبارزات را بطور گسترده ایجاد کرده، بلکه بر روند تعمیق تضاد مردم با رژیم تاثیر مهمی را گذاشته است.

همان گونه که در نشریه شماره ۵۷ آبان ۱۴۰۱ «رزم شکوهمند زنان و نسیم انقلاب» نیز قید کردیم، تضاد عمیق زنان و مردم با رژیم جمهوری اسلامی به موضوع حجاب اجباری محدود نمی‌شود. بیش از چهار دهه استعمار طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، ستم جنسیتی ستم بر اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، ستم بر روستائیان، خفقان و دیکتاتوری، چپاول و دردی و اختلاس، به بند کشیدن هر صدای آزادیخواهی، نبود هیچ منفذی برای نفس کشیدن، تخریب محیط زیست و... منبع تضاد اکثریت توده‌های ستمدیده با جمهوری اسلامی است که در خیزش ژینا نیز بازتاب یافت. اما جرقه خیزش بعد از قتل دولتی ژینا امینی زن جوان کرد، بر سر حجاب اجباری زده شد. مبارزه زنان در قیام ژینا از چنان قدرتی برخوردار بود که توانست تمامی تضادهای بین مردم و جمهوری اسلامی را رو آورد و توسط مردم به صحنه مبارزه بکشانند.

در شرایط کنونی، مجموعه تضادهای یاد شده به مراتب از زمان شروع قیام ژینا، عمیق‌تر گشته و به همین دلیل جامعه بشدت در التهاب بسر می‌برد. التهابی که بیش از دوره قبل از خیزش «زن زندگی آزادی» جامعه را فرا گرفته است. این التهاب و نفرت و خشم مردم نسبت به رژیم به قدری قابل دید است که از یک طرف جمهوری اسلامی را به هراس بیشتر انداخته و از طرف دیگر نوید مبارزه سراسری سهمگین‌تری را می‌دهد.

# قطعه نامه سیاسی

## یازدهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس – افغانستان

### هر جا ستم هست مبارزه نیز هست!

جنگجویان به زور از خانه‌ها و خانواده‌ها ربوده می‌شدند، این جنگ آغاز شده بود.

حال طالبانی که به قدرت رسانده شده بود از یک طرف تلاش می‌کرد با توجه به نصایح مشاوران پاکستانی، قطری و آمریکایی ظاهر آراسته و تغییر یافته‌ای از خود نشان دهد، از طرف دیگر با واکنش سریع و قدرت یابنده و غیر منتظره زنان روبرو شد و طاقت حفظ ظاهرشان خیلی سریع به سر آمد. فرمان‌های وزارت امر به معروف و نهی از منکر و یا به عبارت دیگر وزارت «سرکوب و ستم بر زنان» آغاز شد و فرمان‌های ضد زن یکی پس از دیگری از جانب این نهاد صادر شد و رسمیت یافت: زنان از رفتن به سر کار منع شدند؛ دروازه مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران دانش آموز بسته شدند؛ زنان از رفتن به مراکز ورزشی و شرکت در مسابقات منع شدند، حق فعالیت‌های هنری و موسیقی از آن‌ها سلب شد. سپس از بیرون رفتن از خانه بدون محرم منع شدند. حجاب حکم الهی اعلام شد و... این چهره واقعی طالبانی است که قرار بوده به قول خودشان و حامیان بین‌المللی‌شان در غرب و در منطقه، تغییر یافته و قابل تعامل باشند.

همین سران قدرت‌های امپریالیستی که طالبان را به قدرت رساندند، کسانی هستند که در قدرت بخشیدن به جهادی‌ها و بنیادگرایان در افغانستان نقش اساسی داشتند. آن‌ها و گماشتگان‌شان با اشغال افغانستان قرار بود زنان را «رها» کنند. در بخش‌هایی مثل اجازه‌ی تحصیل و کار و اشتغال که بیش از اندازه به آن می‌بالیدند، حتی قادر نشدند بخشی از امکانات و آزادی‌هایی را که زنان افغانستان قبل از قدرت‌گیری جهادی‌ها و طالبان داشتند احیاء کنند. کاری که امپریالیست‌های آمریکایی برای منافع خود کردند به قدرت رساندن بنیادگرایان اسلامی بود. آن «دستاوردهای» ناچیزی که بارها به رخ زنان افغانستان و دنیا کشیدند را وجه‌المصالحه‌ای برای سازش با بنیادگرایان افراطی طالبان قرار دادند. این حرکت امپریالیست‌ها بار دیگر این حقیقت را به میان کشید که امتیازهایی که از بالا و با اهداف ارتجاعی داده شود، می‌تواند در عرض بیست و چهار ساعت دود هوا شود و از بین برود.

زنان اولین گروه اجتماعی بودند که در میان بهت، سکوت و ناباوری که بخش بزرگی از جامعه با به قدرت رساندن طالبان، به آن دچار شده بودند، جو سکوت را شکستند و پرچم مبارزه علیه طالبان را برافراشتند. اهمیت حرکت محدود زنانی که در منطقه ارگ کابل در همان روز اول تصرف کابل توسط طالبان، دست به اعتراض زدند، تنها در این نبود که در مقابل یک نیروی متحجر ضد زن ایستادند، بلکه اهمیت اساسی و اصلی در این بود که در مقابل حیرت و یاس و ناامیدی که جامعه و بخش بزرگی از زنان را در بر گرفته بود، خاموش ننشستند و فریاد مبارزه علیه واپسگرایی را در آن سکوت بلند کردند. این فریاد، فراخوان مبارزه علیه امارت اسلامی بود که قصد داشت بدون دردسر زنان را از جامعه جدا و در خانه‌ها حبس کند.

زنان با فریادهای ما «دیگر برده نخواهیم شد»، «اسارت نمی‌پذیریم»، «زیر بار امارت اسلامی نخواهیم رفت»، «به پوشش اجباری تن نخواهیم داد» و با «کسب آگاهی و دانش برای خواسته خود مبارزه خواهیم کرد»، «نان کار آزادی»، فریادهای بر حق خود را رساتر و رساتر ساختند. آنان به اشکال مشکوکی، به قتل رسیده و پیکر بی‌جان آنان در کوی و برزن، رها شد، لت و کوب شدند، مورد اهانت قرار گرفتند، دستگیر و زندانی شدند، مورد آزار جنسی و تجاوز قرار گرفتند، تهدید شدند، اما هر بار با جرات و شهامت بیشتری علیه طالبان به میدان مبارزه آمده و با قدرت اعلام کردند: «آمده‌ایم بجنگیم؛ بجنگ تا بجنگیم». این اختطاری قدرتمند بود نه تنها به طالبان بلکه به همه حامیان بین‌المللی‌شان که تئوری تغییر طالبان را موعظه می‌کردند و امیدوار بودند تا طالبان را بدون دردسر به زنان و مردم تحمیل کنند. در این میان لابی گران زن بر سر «تغییر» طالبان و برای به رسمت شناختن آن از جانب دولت‌های غربی سخت در تلاشند.

باید به این موضوع تاکید شود که طالبان نه از زمانی که کنترل کابل را در دست گرفت بلکه از قبل و از زمانی که بر ولسوالی‌ها و ولایات شمالی کنترل یافت؛ جنگ علیه زنان را با پیشبرد سیاست‌ها و اعمال زن ستیزانه خود آغاز کرده بود. زمانی که زنان بدون «محرم» و یا بدون چادری و یا زنانی که کفش پاشنه بلند پوشیده بودند، در کوچه و بازارها لت و کوب می‌شدند، زمانی که دختران جوان و خردسال برای

از دیگر خطراتی که جنبش زنان افغانستان را تهدید می‌کند، دامن زدن به اختلافات مابین ملیت‌های تحت ستم است. باید با تفکر و ترفندهایی که دشمنان بویژه دشمن اصلی یعنی طالبان با نسل کشی از ملت تحت ستم هزاره‌ها که بیشترین قربانیان آن زنان هستند و هم چنین سرکوب سبانه از مردم غیر نظامی پنجشیر و... بطور برنامه ریزی شده انجام می‌دهد، مبارزه آگاهانه و بی‌وقفه نمود. این سرکوب‌های وحشیانه و خونین بستری را برای دامن زدن به اختلاف در بین ستمدیدگان ایجاد می‌کند. یکی از وظایف مهم جنبش رادیکال زنان این است که به افشای طرح‌های دشمن مبنی بر «تفرقه بینادر و حکومت کن»، بپردازد و برای اتحاد همه ستمدیدگان بویژه زنان ملیت‌های تحت ستم بکوشد.

بدون شک، اگر مبارزه زنان با تئوری علمی و رهایی بخش همراه شود قادر خواهد شد زنان بیشتر و بیشتری را به مبارزه ترغیب و آنان را سازماندهی نمایند. با این روش آگاهانه مبارزه انقلابی زنان، حتی بخش وسیعی از مردانی که از امتیازات علیه زنان بهره‌مند هستند، در نهایت آگاه خواهند شد که این رشوه‌ای بیش به مردان برای حفظ یک نظام پدر/مردسالار و برای حفظ یک نظام قرون وسطایی و وابسته نیست. آن‌ها پی خواهند برد که چگونه ستم بیشتر بر زنان به معنی عقب ماندگی بیشتر جامعه و در بند بودن کل جامعه است. پی خواهند برد که یکی از مهم‌ترین کانال‌های مبارزه برای رهایی جامعه از قید بنیادگرایی و عقب ماندگی و برای رهایی از قید امپریالیسم و مرتجعین رنگارنگ، همانا مبارزه علیه زن ستیزی است.

آن چه که نه تنها در گذشته بلکه در شرایط کنونی بیش از پیش، از زنان بویژه زنان مبارز و آگاه طلب می‌شود این است که با اتکا به نیروی خود، تشکلات مستقل و انقلابی خود را برای پیشبرد مبارزه هدفمند ایجاد کنند و با کار توده‌ای گسترده، آن را هر چه بیشتر وسعت بخشند. باید در نظر داشت که کلیه‌ی مناسبات سنتی، زیربنایی و مناسبات اجتماعی و همه‌ی حافظان آن، از مردان خانواده گرفته تا دم و دستگاه و احکام ضد زن امارت اسلامی، از دین و مذهب و نهادهای مذهبی گرفته تا سنت و روابط اجتماعی، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا زنجیرهای اسارت زنان را محکم‌تر کنند. ایجاد تشکلات انقلابی زنان، زنانی که به نیرو و نقش تاریخ ساز خود آگاه باشند و بطور آگاهانه و نقشه‌مند مبارزه علیه ستم بر زن را سازماندهی کنند، قادر خواهند بود گام‌های موثر خود را در جهت پاره کردن زنجیرهای اسارت بر زنان طی کنند. پیمودن این مسیر همراه با دیگر تشکلات مردمی، خود بخشی از طی کردن مسیر انقلاب واقعی و سرنگونی امارت اسلامی و کوتاه کردن دست همه امپریالیست و مرتجعین منطوقی است. ■

باید در نظر داشت که مبارزه زنان اگر چه از بنیهای قوی و روحیه‌ای بالا و پتانسیلی فوق العاده برخوردار است و جنگ و مقاومت در سطوحی بالاتر هم در راه است، اما خطراتی نیز موجودند که مبارزه و مقاومت آنان را بی‌گزند نخواهند گذارد. به همین دلیل راه مبارزه پیچیده و پر پیچ و خم خواهد بود.

بدون شک برخورد فریبکارانه امپریالیسم آمریکا برای رهایی زنان افغانستان در جلو چشم همه ما قرار دارد و درسی است که برای تاریخ باقی خواهد ماند. اول این که امپریالیست‌ها نه به خاطر رهایی زنان بلکه برای منافع جهانی خود در آن دوره به افغانستان حمله و آن را اشغال کردند و دوم این که باز هم برای منافع جهانی این دوره خود، به راحتی و بدون کوچک‌ترین اهمالی موقعیت زنان افغانستان را به فروش گذارده و با طالبان معامله کردند.

این تجربه نشان می‌دهد که رهایی زنان نه با دل بستن به امپریالیست‌ها و از طریق گدایی از مرتجعین رنگارنگ بلکه با مبارزه خود زنان و مبارزه‌ای که در امتداد و مسیر رهایی کل جامعه قرار می‌گیرد، ممکن خواهد بود. یعنی مسیری در خدمت به انقلاب. چرا که تنها از طریق سرنگونی انقلابی امارت اسلامی است که زنان می‌توانند به مطالبات اولیه خود دست یابند و در مسیر رفع ستم جنسیتی گام بردارند.

چنین مسیری را زنان نمی‌توانند از «جامعه جهانی» یا به عبارت دیگر از امپریالیست‌هایی که پنج دهه افغانستان را بدنبال منافع اشان به محل تاخت و تاز خود مبدل کردند، تقاضا کنند. زنانی که برای رهایی از دست طالب خواهان آن هستند که امپریالیست‌ها، طالب را به رسمیت نشناسند و یا کمک مالی خود را به طالب نرسانند، در واقع آگاهانه و یا ناآگاهانه نمی‌خواهند قبول کنند که امپریالیست‌ها برای رهایی زنان اهمیتی قابل نیستند. آن‌ها در حقیقت هنگامی که کلید آغشته به خون قدرت در افغانستان را بدست طالبان سپردند، به طالبان مشروعیت داده و آن‌ها را به رسمیت شناختند و موقعیت زنان افغانستان را با آنان معامله کردند. فشارهای ظاهری امپریالیست‌های آمریکایی و اروپایی بر طالب، به منظور کنترل طالب است تا در چارچوب منافع آنان در منطقه عمل کند و در همان چارچوب باقی بماند و نه این که حقوق زنان و یا حقوق مردم را رعایت کند.

در ماه‌های اخیر از جانب جریان‌های ارتجاعی و وابسته به قدرت‌های امپریالیستی و مرتجعین منطقه‌ای برای شریک شدن در قدرت، «حکومت همه شمول» بیش از پیش باب شده است. این حکومت همه شمول هم قرار است در یک «انتخابات آزاد» انواع و اقسام نیروهای اسلامی جهادی بعلاوه طالبان را شامل شود. آن چه که مسلم است این جریان‌های «حکومت همه شمول» پسند، هیچ تفاوتی با طالبان در زن ستیزی، در سرکوب ملیت تحت ستم، در کشیدن شیره جان کارگران و زحمتکشان و... ندارند.



# قطعه نامه سیاسی

## یازدهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس - ایران

وارد کرده و گلوگاه سیاسی - ایدئولوژیکش را به مرز خفگی کشانده و از طرف دیگر، به تحول فکری و اجتماعی در مورد موضوع ستم بر زن در میان مردم دامن زده است.

رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات زنان بویژه در قیام ژینا علیه حجاب اجباری و متحد کردن مردم به حول این مبارزه زخمی عمیق بر پیکر نحیف و رو به مرگاش وارد شده، با تمام قوا و بکارگیری انواع و اقسام طرح و برنامه‌های زن ستیزانه و سرکوبگرانه، برای باز پس گیری دستاوردهای خیزش و محو تأثیرات مهم مبارزات زنان، بی‌وقفه تلاش می‌کند.

بدون هیچ تردیدی تا کنون به درجاتی پنهان شدن دارودسته‌های طرفدار آمریکا و سایر قدرت‌های امپریالیستی، هم چون سلطنت طلب‌ها به سرکردگی رضا پهلوی، سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت‌شان و خود خوانده‌های جنبش زنان هم چون مسیح‌علینژاد و... پشت شعار «زن زندگی آزادی»، نشان داده است که این «دفاع» برای ضربه زدن به مبارزات مردم، منحرف کردن مبارزات‌شان و مخدوش کردن صف دوست و دشمن است.

هدف امپریالیست‌های غربی در «دفاع» نمایشی از مبارزات مردم، این است که از آن بعنوان اهرم تهدید و فشار برای کشاندن رژیم جمهوری اسلامی به طرف خود استفاده کنند. امپریالیست‌های غربی علیرغم تضادهای معینی که با جمهوری اسلامی دارند، در سرکوب مردم و انقلاب با آن متحدند و با بر پایه منافع و استراتژی این دوره خود ترجیح می‌دهند که رژیم جمهوری اسلامی در قدرت بماند و در این راستا کمک‌های علنی و مخفی بی‌دریغ خود را بکار بسته‌اند. در شرایط کنونی که خشم و نفرت عمیق و غیر قابل تصور اقبال و طبقات مختلف، تقابل و رویارویی‌های گوناگون با رژیم جمهوری اسلامی را شدت بخشیده و تبلور آن در خیزش ژینا نمایان شد، جامعه بیش از هر زمان دیگر آماده تحولات انقلابی است. تحولی که با سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست همه قدرت‌های امپریالیستی شرق و غرب و پایه‌ریزی یک دولت انقلابی، می‌تواند گام بلندی در راه تحولات پایه‌ای و اساسی در مناسبات و روابط تولیدی در خدمت به منافع توده‌های ستمدیده، در مناسبات اجتماعی و فرهنگ انقلابی، باشد.

برای تحقق این تغییرات، زنان و سطح بالای رزم‌شان علیه ستم بر زن که در حجاب اجباری فشرده شده است، می‌توانند نقش مهمی را بر عهده گیرند. مبارزات خونین زنان علیه حجاب اجباری و کل نظام زن ستیز حاکم، نشان داد که هر قدر زنان با سازمان‌یابی و پیش گذاشتن شعارهای رادیکال هم چون «زن انقلاب رهایی»، در عرصه‌های مختلف مبارزاتی شرکت کنند، قادر خواهند شد پتانسیل عظیم نهفته در زنان را شکوفا کنند، شرایط پیوستن توده‌ای‌تر زنان به مبارزه را میسر سازند، زمینه‌های گسست‌های عمیق‌تر مردم، بویژه مردان از پدر/مردسالاری را ایجاد کنند و به جداسازی هر چه بیشتر صف انقلاب از ضد انقلاب یاری رسانند. پیشبرد چنین مبارزه آگاهانه و هدفمند، خود بخش مهمی از کمک به سرانجام رساندن تحولات پایه‌ای در جامعه است. ■

پس از کشته شدن ژینا امینی زن جوان کُرد، انبار باروت خشم و نفرت مردم بویژه زنان چنان منفجر شد که ارتعاش آن کل جامعه، منطقه و جهان را به تکان در آورد. جرقه آتش به این انبار باروت نفرت و خشم راه مبارزه علیه حجاب اجباری زد و خیزش سراسری را آفرید.

در قیام ژینا زنان به درجاتی توانستند با مبارزه شکوهمند خود علیه حجاب اجباری، آن را از موضوعی مربوط به زنان خارج کرده و به موضوع عمومی در مبارزه بدل کنند. استواری، صلابت و پیشقراولی زنان در این مبارزه توانست به دیوار قطور پدرسالاری ریشه دار در فکر و عمل مردم بویژه مردان ترک‌های اولیه مهمی وارد کند. نقش متهورانه زنان در خیزش سراسری، مبارزه‌ی میلیون‌ها زن نسل به نسل، علیه حجاب اجباری را چنان قابل رؤیت کرده که هیچ فرد و نیرویی نمی‌تواند این مبارزه سهمگین و الهام بخش را کتمان کند و یا نسبت به آن عکس العمل نشان ندهد.

این قیام تبلور اولیه خشم زنانی بود که به مدت چهل و چهار سال زندگی تحت حاکمیت یک رژیم سر تا پا زن ستیز را تجربه کرده‌اند. اما قدرت عظیم مبارزه زنان در خیزش ژینا یک شبه و ناگهانی بوجود نیامد. دو عامل مهم در این روند تاثیر داشت: اولین عامل، سیاست‌های همه جانبه و خشونت سیستماتیک زن ستیزانه رژیم بود و دومین عامل، بر آیند مبارزاتی است که زنان از ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی به صورت پیوسته و خستگی ناپذیر پیش بردند. زنان جنگی را که رژیم جمهوری اسلامی از همان اولین روزهای حیاتش علیه آنان برای مالکیت بر بدن‌شان از یک طرف و از طرف دیگر برافراشتن پرچم هویتی و نشانه اسلامی بودن حکومتش، آغاز کرد؛ با مبارزه تاریخی، به یاد ماندنی و شجاعانه خود علیه حجاب اجباری در ۸ مارس ۱۳۵۷، پاسخ دادند. این پاسخ، تبلور تضاد آشتی ناپذیر و غیر قابل حل، بین منافع اکثریت زنان با کل رژیم جمهوری اسلامی است، تضادی که هم‌چنان به قوت خود باقی است و تنها و تنها با سرنگونی انقلابی این رژیم و برقراری دولت انقلابی در خدمت به دستیابی مطالبات پایه‌ای در جهت رهایی زنان، حل می‌گردد.

بدون شک تضاد عمیق زنان و مردم با رژیم جمهوری اسلامی به حجاب اجباری محدود نمی‌شود. چهل و چهار سال استثمار طبقاتی، کشیدن شیره جان روستائیان، ستم ملی و مذهبی، خفقان و دیکتاتوری، چپاول و دزدی و اختلاس، سرکوب وحشیانه، شکنجه و اعدام، به اسارت در آوردن هر صدای آزادیخواهی، نبود هیچ گونه آزادی بیان، ستم شونیستی و فاشیستی بر مهاجرین بویژه مهاجرین افغانستانی، ستم جنسی و جنسیتی و تخریب محیط زیست؛ منبع تضاد اکثریت توده‌های ستمدیده با رژیم جمهوری اسلامی است که در خیزش سراسری بازتاب یافت. اما مبارزه زنان علیه حجاب اجباری در قیام ژینا از چنان قدرتی برخوردار بود که توانست تمامی تضادهای بین مردم و جمهوری اسلامی را رو آورد. در حقیقت در این قیام نقش قدرتمند و پیشتاز زنان علیه حجاب اجباری و ادامه‌یابی آن از یک طرف، ضربات مهلکی را بر رژیم

# افغانستانیہ

## یازدهمین مجمع عمومی

**هیئت مسئولین پیامی مسرت بخش تر، امید دهنده تر و ارزشمندتر از این ندارد که سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) بیست و پنج ساله شد.**

**بیست و پنج سال مبارزه انقلابی بدون تزلزل و سازش با دشمنان رنگارنگ در افغانستان و ایران و حامیان بین المللی شان در خدمت به رهایی زنان از ستم جنسیتی.**

حملات وحشیانه طالبان به زنان در همه ابعاد، شرایط مبارزه را سخت کرده است، اما هم زمان با وجود خیل عظیم زنان بویژه زنان جوان و نوجوان، نوجوانانی که از تحصیل و فرا گرفتن علم و دانش محروم شده اند و مخالف سر سخت طالبان و خواهان پیشبرد مبارزه علیه آن هستند، شرایط مناسبی را برای مبارزه آفریده است. در عین این که این اوضاع، بستر مناسبی را هم، برای اشاعه نظرات انقلابی ما در افغانستان بیش از هر زمان دیگر مهیا کرده است.

بیست و پنجمین سال از فعالیت های انقلابی مان را در شرایطی برگزار می کنیم که در ایران، زنان قادر شدند پس از چهار دهه مبارزه و مقاومت علیه حجاب اجباری پیشتازی قیام سراسری و شکوهمند «زن زندگی آزادی» را در دست گیرند و چنان خروشان و مصمم پیش روند که بستر مناسبی برای پیشبرد مبارزه و سهم گرفتن تعداد بیشتر و بیشتری از زنان را مهیا کنند.

بیست و پنجمین سالگرد سازمان مان را در شرایطی برگزار می کنیم که جنبش جهانی زنان به مبارزه به اشکال گوناگون علیه ستم بر زن ادامه داده و دستاوردهای ماندنی برای پیشروی جنبش مان بوجود آورده است. در این میان نقش پیشقراولی زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری و آتش کشیدن آن به طور وسیع در ایران، انگیزه مبارزه در بین زنان در سراسر جهان علیه ستم جنسیتی را بالاتر برد و این واقعیت را نشان داد که قدرت و نقش مبارزه زنان برای تغییر جامعه طبقاتی کهنه و پوسیده مردسالار سرمایه داری تعیین کننده است.

اما پا به پای مبارزات زنان در افغانستان، ایران و سراسر جهان ما در دوره های یازدهمین مجمع عمومی مان را برگزار می کنیم که مرتجعین رنگارنگ و قدرت های امپریالیستی، شرایط دهشتناکی را برای توده ها بویژه مردم در منطقه خاورمیانه ایجاد کرده اند.

امروز گردهم آمده ایم تا استوار و ثابت قدم تر از هر زمان دیگر، نه فقط بیست و پنجمین سالگرد تولد سازمان مان را جشن بگیریم، بلکه با تکیه بر دستاوردهایی که در طول بیست و پنج ساله گذشته به دست آورده ایم یک بار دیگر اعلام کنیم که نه تنها بر عهد خود در برداشتن نقاب از چهره دشمنان آزادی و رهایی زنان، استواریم، بلکه آگاه تر از گذشته این واقعیت را می دانیم که نوع برخورد و برنامه های نیروهای سیاسی و طبقاتی مختلف به موضوع ستم بر زن و رفع آن - خارج از ادعاهای شان- دماسنجی برای تشخیص میزان پیشرو یا عقب مانده بودن آنان است.

بیست و پنج سالگی سازمان مان را بر بستر مبارزات زنان به اشکال مختلف در افغانستان علیه طالبان و مبارزات توده ای مردم بویژه در قیام ژینا در ایران علیه جمهوری اسلامی و مبارزه پیشتاز زنان علیه حجاب اجباری در این قیام، برگزار می کنیم.

بیست و پنج سالگی یک تشکیلات مستقل و انقلابی را که با هدف مبارزه برای ریشه کن کردن ستم بر زن در مسیر خلق جهانی بدون ستم و استثمار تلاش های بی وقفه کرده را جشن می گیریم. این دستاورد نه تنها برای تک تک فعالین و دوستداران این تشکیلات بلکه برای جنبش رادیکال زنان افغانستان و ایران و جنبش جهانی زنان، غرور آفرین است.

امروز در شرایطی بیست و پنج سالگی سازمان مان را برگزار می کنیم که زنان در افغانستان به ابتکارات و خلاقیت های گوناگون دست به مبارزه علیه طالبان زن ستیز زده اند. آن چه که در نتیجه مبارزه زنان در افغانستان روشن شده این است که طالبان با تمام خشونت های وحشیانه و احکام ضد زن مبتنی بر شریعت اسلامی نتوانسته جلوی مبارزات زنان مبارز و پیشرو را بگیرد.

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های شونیستی علیه افغانستانی‌های ساکن در ایران، یک بار دیگر و در شرایط بحران بود و نبودش، کمپین نژاد پرستانه خود را علیه افغان‌ها برای نجات خود براه انداخته است و تلاش دارد با اشاعه تفکرات فاشیستی مهاجر ستیزی و افغان ستیزی در بین مردم به ایجاد تفرقه در میان آنان دامن بزند. به همین دلیل می‌بینیم که علاوه بر مزدوران رژیم و لپ‌های سازمان داده شده‌اش، تعدادی از عقب مانده‌ترین بخش مردم نیز در راستای این سیاست شونیستی رژیم قرار گرفته‌اند.

در عین حال رژیم در راه اندازی کمپین فاشیستی افغان ستیزی متحدین پرو پا قرص خود را در میان نیروی ارتجاعی بویژه سلطنت طلب‌ها به همراه دارد. جمهوری اسلامی و متحدین‌اش تلاش دارند مصائب و مشکلات جامعه از جمله بیکاری، وضعیت اسفناک اقتصادی، کمبود مسکن، بالا رفتن جرم و جنایت و... را به گردن افغانستانی‌ها بیندازند و بستری برای تحقیر و توهین، تبعیض و اذیت و آزار آنان ایجاد کنند و این گونه و در شرایط کنونی، ذهن مردم را از مبارزه اصلی علیه رژیم جمهوری اسلامی دور کنند.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی و همه مرتجعین چه آن‌هایی که در ایران بسر می‌برند و چه آن‌هایی که در خارج هستند این واقعیت را به طور کاملاً آگاهانه و نقشه‌مند پنهان می‌کنند که شهروندان افغان نقش بسیار حیاتی در ساختار اقتصادی جامعه بر عهده دارند. میلیون‌ها کارگر و زحمتکش افغان در کارهایی اشتغال دارند که به خاطر سختی و مشقت بیش از حد آن و پُر مخاطره بودن‌شان داوطلبان کمی دارد و خلاء آن با دستمزدهای بسیار پائین و توسط کارگران مهاجر افغانستانی پر می‌شود. بخش عمده مهاجرین افغانستانی که جز تحتانی‌ترین و ستم‌دیده‌ترین اقشار جامعه هستند، بخش جدا نشدنی از طبقه کارگر ایران می‌باشند.

در این میان زنان در موقعیت به مراتب وحشتناک‌تری بسر می‌برند. زنان افغان اگر به هر کاری با هزار مشقت دست یابند، هم به خاطر زن بودن‌شان مورد انواع و اقسام اذیت و آزار جنسی قرار دارند و هم به خاطر ملیت‌شان علاوه بر توهین و تحقیر تحت شدیدتر استثمار قرار می‌گیرند.

این کمپین نژاد پرستانه و فاشیستی جمهوری اسلامی و سلطنت طلب‌ها و همه کسانی که در این راستا قرار دارند را باید با مبارزه آگاهانه و هدفمند برای متحد کردن همه ستم‌دیدگان در هم شکست. این بخشی جدا ناپذیر از وظایف همه نیروهای مبارز در پیشبرد مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و همه مرتجعین رنگارنگ و در مسیر انجام انقلاب است.

در شرایطی یازدهمین مجمع عمومی را برگزار می‌کنیم که نسل کشی مردم ستم‌دیده فلسطین در زندانی به نام غزه در حال وقوع است. در این نسل کشی همه مرتجعین از جمله صهیونیست‌های اشغالگر، حماس، جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های آمریکایی و اروپایی، متحدند. همه این مرتجعین در قتل عام مردم در غزه در کشتن بیش از چهار هزار کودک، در مخروبه کردن خانه‌های‌شان، در گرسنگی و تشنگی دادن به آنان، شریک هستند و دستان‌شان خونین.

در دمیدن به این نسل کشی رسانه‌های اصلی فارسی زبان هم چون بی‌بی سی، صدای آمریکا، «من و تو» که در حقیقت به صدای وزرات جنگ اسرائیل بدل شده، اسرائیل اینترنشنال و... که با یکدیگر در رقابت اند، تلاش دارند تا با اتکا به خشم و نفرت مردم از جمهوری اسلامی و حمایت‌اش از بنیادگرایان اسلامی هم چون حماس استفاده کرده و به آن در محق دانستن صهیونیست‌ها در قتل عام مردم فلسطین سمت و سو دهند. همه سلطنت طلب‌ها و سایبری‌های‌شان کمپین نژادپرستانه خود را در فضای مجازی و عرب ستیزی به راه انداخته‌اند.

درست پس از حملات فاشیستی دولت نژاد پرست اسرائیل، دولت فاشیست ترکیه به سرکردگی اردوغان به بمباران‌گردها در روژاوا، شمال شرق سوریه و شمال عراق مبادرت کرد و صدها نفر را کشت و خانه‌ها را بر سر مردم خراب کرد. ارتش ناتوی ترکیه اعلام کرد که در بمباران‌های اخیر خود تعداد وسیعی پیشمرگه را در سوریه و عراق کشته است. این دور از جنایات فاشیست‌های ترکیه به بهانه «عملیات انتحاری‌گردها» در آنکارا و زمانی که جهان شاهد قتل عام مردم فلسطین بود، صورت پذیرفت.

قبل از این حملات فاشیستی به‌گردها که برای حق تعیین سرنوشت خود هم چون مردم ملت ستم‌دیده فلسطین مبارزه می‌کنند، اردوغان و نتانیاهو در ۱۹ سپتامبر گذشته در نیویورک تحت رهبری امپریالیست‌های آمریکایی ملاقات و بحث محوری آنان مساله فلسطین، بهبود روابط دو کشور و ملت‌گرد بوده است. در حقیقت سرکوب خونین ملت فلسطین و‌گردها در منطقه و کمک به یکدیگر در پیشبرد این سیاست‌های فاشیستی از نقاط اشتراک این نشست برهبری دولت آمریکا بوده است.

قبل از این جنگ‌های ارتجاعی در فلسطین و روژاوا، جنگ ارتجاعی دیگری در جریان بود: جنگ اوکراین. امپریالیست‌های روسی با کشتار مردم اوکراین تلاش دارند امپراطوری خود را گسترش دهند. در حقیقت تضادهای امپریالیست‌های شرق و غرب در جنگ اوکراین متمرکز شده و حاصل آن قربانی شدن توده‌های مردم و آوارگی آنان است.

فاشیسم و راست افراطی در اکثر کشورهای جهان و در کمپ قدرت‌های سرمایه داری امپریالیستی از یک طرف و بنیادگرایان مذهبی و مرتجعین رنگارنگ از طرف دیگر، جهان را هر چه بیشتر در چرخه‌ی هولناک، جنگ و کشتار قرار داده است.

به یاد هزاران زن مبارز و انقلابی که آگاهانه و داوطلبانه زندگی پر بار خود را وقف آگاه‌گری و سازمان‌دهی زنان کردند و تا پای جان ایستادند،

به یاد زنانی که به نیروی رهایی بخش زنان در زیر و رو کردن جامعه کهنه باور داشتند و این باور را زندگی کردند و امروز ما بر شانه‌های آنان ایستاده ایم،

به یاد هزاران هزار زن که این همه دهشت و فرودستی را بر نمی‌تابند و مردسالاری را در همه جا به چالش می‌کشند، از پستوهای زندانی که خانه خوانده می‌شود تا زندان‌هایی که قانوناً آزادی‌شان را به بند می‌کشد،

به یاد هزاران جان باخته‌ی دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ که در دفاع از منافع مردم در ایران، مرگ سرخ را پذیرا شدند،

به یاد هزاران جان باخته خیزش ۸۸، ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ که علیه جمهوری اسلامی مبارزه کردند و جان عزیز خود را از دست دادند،

به یاد همه مادران خاوران که تا واپسین لحظه زندگی در افشای جنایات فراموش‌نشده و نبخشیدنی جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ و تابستان خونین ۶۷ ایستادگی کردند،

به یاد همه مادران دادخواه که در افشای جنایات جمهوری اسلامی و دمیدن به امر مبارزه نقش مهمی را ایفا کردند،

به یاد میلیون‌ها زنی که در بیش از چهار دهه لحظه‌ای حجاب اجباری را بر نتافتند و شجاعانه هر روز بیشتر از دیروز این نماد فرودستی و حقارت و این پرچم اسلام سیاسی که بر بدن زنان به اهتزاز در آمده را به سُخره گرفته و بی‌اعتبار کردند و در قیام ژینا به طور گسترده با آتش زدن آن، مرگ زمستان و فرا رسیدن بهار را نوید دادند،

به یاد نیکاها، ساریناها، حدیث‌ها، مریم‌ها، آیلارها، ناهیدها، نگین‌ها، مینو‌ها، اسرام‌ها، بهارها، رکساناها، نرگس‌ها، آیداها، ستاره‌ها، حانها که در مبارزه علیه حجاب اجباری در میدان نبرد با جمهوری اسلامی کشته شدند،

یازدهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس را آغاز می‌کنیم تا قدم عملی دیگری در راه متحقق کردن رویای جهانی بدون ستم جنسیتی، بدون هیچ شکل از ستم و استثمار برداریم.

با یک دقیقه دست زدن یاد و راه همه مبارزین در افغانستان و ایران و سراسر جهان که جان عزیزشان را در مبارزه علیه ظلم و ستم از دست دادند را گرامی می‌داریم. ■

اما این هم یک واقعیت است که هر جا ستم است مبارزه نیز هست. مبارزات مردم در اقصی نقاط جهان در دفاع از مردم فلسطین و در کنار آنان قرار گرفتن نشان داد که مردم جهان هم سرنوشت هستند و در مقابل یک سیستم سرمایه داری جهانی که بر اساس جنگ و خونریزی و تداوم نظام طبقاتی مبتنی بر ستم و استثمار خود را پیش می‌برند، قرار دارند.

بله، ما در چنین شرایطی گردهم آمده‌ایم که بار دیگر ثابت قدم‌تر از گذشته، عهد ببندیم که با ادامه دادن مبارزات انقلابی‌مان در راه تغییر این شرایط نکبت بار و در خدمت به رهایی زنان و کل بشریت گام‌های استوار برمی‌داریم.

یازدهمین مجمع عمومی را به یاد آذر درخشان و مینا حق‌شناس که زندگی‌شان در تولد و حیات سازمان زنان هشت مارس تنیده شده و عزم راسخ و رویاهای بلند پروازانه‌ی آن‌ها برای رهایی زنان در لحظه لحظه‌ی حیات این سازمان و مبارزات زنان در سراسر جهان امتداد یافته است، برگزار می‌کنیم،



به یاد همه زنان مبارز در افغانستان و ایران و در سراسر جهان که علیه ستم بر زن مبارزه کردند و مسیر پیمودن جاده مبارزاتی به سمت رهایی از ستم جنسیتی را گشودند،

به یاد میلیاردها زنی که هر روز زیر چرخه‌ی هولناک و بی‌رحم سیستم مبتنی بر ستم و استثمار مردسالار خرد و نابود می‌شوند،

# گزارش فشرده‌ای

از یازدهمین مجمع عمومی در بیست و پنج سالگی

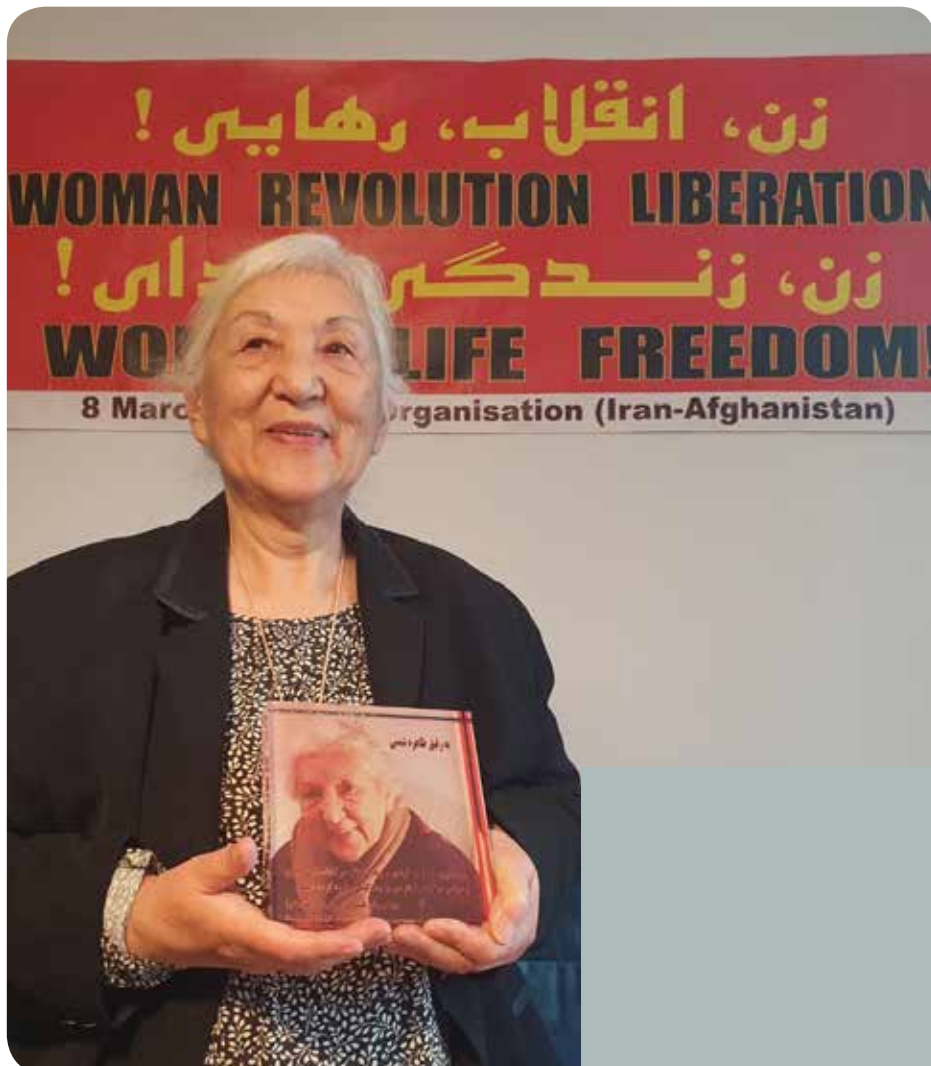
سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - اکتبر ۲۰۲۳

یازدهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس، در روزهای ۲۷ تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳ با حضور اکثریت اعضا و تعدادی از دوستداران سازمان زنان هشت مارس برگزار شد. نشست امسال از اهمیت بالایی برخوردار بود، چرا که هم زمان با بیست و پنجمین سالگرد تاسیس این سازمان نیز بود.

این مجمع یک تفاوت با مجمع عمومی‌های سابق داشت و آن این که ضمن رعایت اصول امنیتی تعدادی از دوستان و رفقای که در دور دست‌ها بودند و امکان شرکت حضوری در مجمع را نداشتند، آنلاین وصل شدند.

یازدهمین مجمع عمومی را با تقدیم گل سرخ و لوحی به رفیق طاهره شمس آغاز کردیم و از او تقدیر نمودیم؛ لوحی که به روی آن حک شده بود: «به رفیق طاهره شمس، زن مبارزی که برای آزادی و رهایی زنان در افغانستان، ایران و سراسر جهان در تمام دوران زندگیش مبارزه کرده است» همه شرکت کنندگان در مجمع رفیق طاهره را در آغوش کشیدند، از مبارزات خستگی ناپذیرش تقدیر نمودند و اشک شوق ریختند.

نشست مجمع با خواندن پیام هیئت مسئولین ادامه یافت. پیام با این مقدمه آغاز شد که: «هیئت مسئولین پیامی مسرت بخش تر، امید دهنده تر و ارزشمندتر از این ندارد که سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) بیست و پنج ساله شد!»



در این پیام به این پرداخته شده که «بیست و پنج سالگی یک تشکیلات مستقل و انقلابی که با هدف مبارزه برای ریشه کن کردن ستم بر زن در مسیر خلق جهانی بدون ستم و استثمار، تلاش‌های بی‌وقفه کرده است را جشن می‌گیریم. این دستاورد نه تنها برای تک تک فعالین و دوستداران این تشکیلات بلکه برای جنبش رادیکال زنان افغانستان و ایران و جنبش جهانی زنان، غرور آفرین است.»

در این پیام آمده بود که زنان در افغانستان علی‌رغم خشونت‌های گسترده طالبان، هم‌چنان با ابتکارات و خلاقیت‌های گوناگون به مبارزه علیه این دارودسته متحجر ضد زن ادامه داده‌اند. مسلماً حملات وحشیانه طالبان شرایط مبارزه را برای زنان پیشرو سخت کرده است، اما هم‌زمان وجود خیل وسیع زنان معترض، بویژه زنان جوان و نوجوان، نوجوانانی که از تحصیل و فرا گرفتن علم و دانش محروم شده‌اند و مخالف سرسخت طالبان هستند، شرایط مناسبی را برای مبارزه و سازماندهی آفریده است. شرایطی که بستر مناسبی برای اشاعه نظرات انقلابی ما در افغانستان را بیش از گذشته مهیا کرده است.

در ادامه پیام بر این مساله تاکید شده بود که در ایران، زنان قادر شدند پس از چهار دهه مبارزه و مقاومت علیه حجاب اجباری، پیشتازی قیام سراسری و شکوهمند «زن زندگی آزادی» را در دست گیرند و چنان خروشان و مصمم پیش روند که بستر مناسبی برای پیشبرد مبارزه و سهم گرفتن تعداد بیشتر و بیشتری از زنان را در مبارزه مهیا کنند.

پیام بدرستی بر این واقعیت انگشت گذاشت که جنبش جهانی زنان به مبارزه به اشکال گوناگون علیه ستم بر زن ادامه داده و دستاوردهای ماندنی برای پیشروی جنبش‌مان بوجود آورده است. در این میان نقش پیشقراولی زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری و به آتش کشیدن آن به طور وسیع در ایران، انگیزه مبارزه در بین زنان در سراسر جهان علیه ستم جنسیتی را بالاتر برد و این واقعیت را نشان داد که قدرت و نقش مبارزه زنان برای تغییر جامعه طبقاتی کهنه و پوسیده مردسالار تعیین کننده است.

**در این پیام تاکید شده بود که ما در دوره‌ای یازدهمین مجمع عمومی‌مان را برگزار می‌کنیم که مرتجعین رنگارنگ و قدرت‌های امپریالیستی، شرایط دهشتناکی را برای توده‌ها بویژه مردم در خاورمیانه ایجاد کرده‌اند:**



## در غزه،

نسل کشی مردم ستمدیده فلسطین در زندانی به نام غزه در حال وقوع است. در این نسل کشی، صهیونیست‌ها مورد حمایت نظامی و مالی امپریالیست‌های آمریکایی و اروپایی قرار داشته و با هم همدست هستند. حماس و دیگر نیروهای اسلامی و حامی‌شان رژیم جمهوری اسلامی نیز در پی اهداف ارتجاعی خود هستند و در این نسل کشی شریک.

در دمیدن به این نسل کشی، رسانه‌های اصلی فارسی زبان در خارج از کشور، تماماً پشت اسرائیل و نسل کشی از فلسطینی‌ها ایستاده‌اند. رسانه‌هایی هم چون بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، من و تو (که در حقیقت به صدای وزارت جنگ اسرائیل بدل شده)، اسرائیل اینترنشنال و...؛ که با یکدیگر در رقابت‌اند، تلاش دارند تا با اتکا به خشم و نفرت مردم از جمهوری اسلامی و حمایت جمهوری اسلامی از حماس، استفاده کرده و به آن در مُحق دانستن صهیونیست‌ها در قتل عام مردم فلسطینی مهر تأیید بزنند. همه سلطنت طلب‌ها و سایبری‌های‌شان هم، کمپین نژاد پرستانه و عرب ستیزانه خود را در فضای مجازی، به راه انداخته‌اند.

## در روژاوا،

درست در حول و حوش حملات فاشیستی دولت نژاد پرست اسرائیل، دولت فاشیست ترکیه به سرکردگی اردوغان به بمباران کوردها در روژاوا، شمال شرق سوریه و شمال عراق مبادرت کرد و صدها نفر را کشت و خانه‌ها را بر سر مردم خراب کرد. ارتش ناتوی ترکیه اعلام کرد که در بمباران‌های اخیر خود بیش از صدها پیشمرگه را در سوریه و عراق کشته است. این دور از جنایات فاشیست‌های ترکیه به بهانه «عملیات انتحاری کوردها» در آنکارا و زمانی که جهان شاهد قتل عام مردم فلسطین بود، صورت پذیرفت و ادامه دارد.

قبل از این حملات فاشیستی به کوردها که برای حق تعیین سرنوشت خود هم چون ملت ستمدیده فلسطین مبارزه می‌کنند، اردوغان و نتانیاهو در ۱۹ سپتامبر سال گذشته در نیویورک تحت رهبری امپریالیست‌های آمریکایی ملاقات کرده و بحث محوری آنان مساله فلسطین، بهبود روابط دو کشور و ملت کورد بوده است. در حقیقت سرکوب خونین فلسطین و کوردها در منطقه و کمک به یکدیگر در پیشبرد این سیاست‌های فاشیستی از نقاط اشتراک این نشست به رهبری دولت آمریکا بوده است.

## در ایران،

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های شونیستی علیه افغانستانی‌های ساکن در ایران، یک بار دیگر و در شرایط بحران بود و نبودش، کمپین نژاد پرستانه خود را براه انداخته و تلاش دارد با اشاعه تفکرات فاشیستی مهاجر ستیزی و افغان ستیزی در بین مردم، به ایجاد تفرقه در میان آنان دامن بزند. به همین دلیل می‌بینیم که علاوه بر مزدوران رژیم و لمپن‌های سازمان داده شده شان، بخشی از مردم نا آگاه و عقب مانده نیز از این سیاست شونیستی رژیم دنباله روی کردند.

در عین حال رژیم در راه اندازی کمپین فاشیستی افغان ستیزی، متحدین پُرو پا قرص خود را در میان نیروی ارتجاعی بویژه سلطنت طلبها به همراه دارد. جمهوری اسلامی و متحدینش تلاش دارند مصائب و مشکلات جامعه از جمله بیکاری، وضعیت اسفناک اقتصادی، کمبود مسکن، بالا رفتن جرم و جنایت و... را به گردن افغانستانی‌ها بیندازند و بستری برای تحقیر، توهین، تبعیض و اذیت و آزار آنان ایجاد کنند و این گونه و در شرایط کنونی بتوانند تفکرات بغایت فاشیستی و نژاد پرستانه را در بین مردم اشاعه دهند و ذهن آنان را از مبارزه اصلی علیه رژیم جمهوری اسلامی دور کنند.

در این پیام تاکید شد که این کمپین نژاد پرستانه و فاشیستی جمهوری اسلامی و سلطنت طلبها و همه کسانی که در این راستا قرار دارند را باید با مبارزه آگاهانه و هدفمند برای متحد کردن همه ستمدیدگان در هم شکست. این بخشی جداناپذیر از وظایف همه نیروهای مبارز در پیشبرد مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و همه مرتجعین رنگارنگ و در مسیر انجام انقلاب است.

## در اوکراین،

قبل از این جنگ‌های ارتجاعی در فلسطین و روژوا، جنگ ارتجاعی دیگری در جریان بود: جنگ اوکراین. امپریالیست‌های روسی با کشتار مردم اوکراین تلاش دارند امپراطوری خود را گسترش دهند. آن چه در جنگ اوکراین بارز است، تمرکز تضادهای امپریالیست‌های شرق و غرب است. اما حاصل این جنگ ارتجاعی قربانی شدن توده‌های مردم و آواره‌گی آنان است.

پیام به این حقیقت پرداخته بود که هر جا ستم است مقاومت نیز هست. مبارزات مردم در اقصی نقاط جهان در دفاع از مردم فلسطین و در کنار آنان قرار گرفتن، بار دیگر نشان داد که مردم جهان هم سرنوشت هستند و در مقابل یک سیستم سرمایه داری جهانی قرار دارند.

**بله، ما در چنین شرایطی گرد هم آمده‌ایم که بار دیگر ثابت قدم‌تر از گذشته، عهد ببندیم که با ادامه دادن مبارزات انقلابی‌مان در راه تغییر این شرایط نکبت بار و در خدمت به رهایی زنان و کل بشریت گام‌های استوار بر می داریم.**

پس از قرائت پیام هیئت مسئولین، با یک دقیقه سکوت یاد آرمیتا گراوند نوجوان جسوری که به دست مزدوران جمهوری اسلامی به خاطر نداشتن حجاب اسارت بار اسلامی به قتل رسید، گرامی داشته شد. در این بخش پس از استعفای هیئت مسئولین سابق، با پیشنهاد و توافق جمع هیئت رئیسه‌ای برای پیش برد مجمع عمومی انتخاب شد؛ و مجمع عمومی کار خود را آغاز کرد.

ابتدا بولتن داخلی که از قبل در اختیار همه‌ی شرکت کنندگان قرار گرفته بود تا بتوانند با مطالعه‌ی دقیق آن، آماده‌تر در مجمع شرکت کنند، مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. در بولتن جمع‌بندی فشرده‌ای از ۲۵ سال فعالیت نظری و عملی، کارزار مبارزه علیه خشونت بر زنان، نشریه هشت مارس، بالا رفتن درک از تشکیلات زنان در افغانستان و ایران، فعالیت در شبکه‌های مجازی، جلسات مطالعاتی و نمونه‌هایی از تحلیل‌های درست و انقلابی ما در مقالات و بیانیه‌ها که در نشریه هشت مارس انتشار یافته، پیش گذاشته شد.

آن چه که در بخش مقدمه بولتن تاکید شده این بود که فعالیت‌های ما در بیست و پنج سال گذشته در عرصه نظری و عملی بسیار گسترده بوده و این تشکیلات می‌توانست حجمی به مراتب بیش از آن چه که در این بولتن آمده را به جمع‌بندی اختصاص دهد؛ اما در این بولتن تلاش شده تا جمع‌بندی فشرده‌ای از نگرش ما در برخورد به دشمنان و عاملان اصلی فرودستی زنان در سطح ملی و بین‌المللی



را بیرون کشیده و نشان دهد که از لحاظ سیاسی و عملی چگونه امر رهایی زنان با تحقق رهایی کل اقشار و طبقات محروم و ستم دیده در افغانستان و ایران و قدر مسلم در سراسر جهان گره خورده است.

در این بخش جمع‌بندی فشرده از بیست و پنج سال فعالیت نظری و عملی مورد بحث جمعی قرار گرفت. از این بحث شد که یکی از افتخارات پایدار برای سازمان زنان هشت مارس این است که بیست و پنج سال پیش، تنها سازمان زنانی را پایه‌گذاری کرد که در برگیرنده زنان از افغانستان و ایران بود. این سازمان در برابر فشارها و انتقادات ایستادگی کرد و این استدلال را پیش گذاشت که اولاً زنان ایران و افغانستان هم سرنوشت هستند و دوماً زنان مهاجر و پناهنده‌ی افغان در ایران علاوه بر فرودستی مطلق‌شان به عنوان زن، به خاطر ملیت‌شان مورد ستم قرار می‌گیرند. تشکلات مبارز و رادیکال در ایران و خارج از ایران، بدون افشای سیاست‌های نژاد پرستانه و فاشیستی و زن ستیزانه رژیم جمهوری اسلامی علیه زنان و مردم افغان ساکن در ایران، بدون اتحاد و همبستگی مبارزاتی با آنان و بدون سازمان دهی و متشکل کردن‌شان نمی‌توانند در رفع ستم جنسیتی قدم‌های مثبت و ماندگاری بردارند.

موضوع دیگری که در این بخش طرح شد تفاوت فرهنگ مردم در افغانستان و ایران بود و طرح این نکته که اگر در ایران دختری مورد تجاوز قرار می‌گیرد، حداقل مادر از او پشتیبانی می‌کند، در صورتی که در افغانستان چنین نیست. در نتیجه تغییر فرهنگ نقش مهمی در پیشبرد مبارزه دارد. در رابطه با موضوع تغییر فرهنگ مردم، به این مساله پرداخته شد که فرهنگ غالب در جامعه، فرهنگ طبقات حاکم است. همین فرهنگ شونیستی مهاجر ستیزی و افغان ستیزی که در جامعه پیش گذاشته می‌شود و افکار مردم را مسموم می‌کند، از طریق طبقه حاکم یعنی رژیم جمهوری اسلامی سازماندهی می‌شود. در ایران هم فرهنگ مردسالارانه ریشه عمیقی در جامعه و در بین آحاد مردم بویژه مردان دارد. در نظر داشته باشیم که در همین زمانی که زنان پیشتاز قیام ژینا بوده و هستند و علیه حجاب اجباری و برای کنترل بر بدن‌شان مبارزه می‌کنند، قتل ناموسی کماکان ادامه دارد.



مسلمانان تشکلات رادیکال زنان و دیگر نیروهای انقلابی با پیشبرد مبارزه تأثیرات مثبت و مهمی را در تغییر فرهنگ پدرسالاری در فکر و عمل مردم ایجاد کرده و می‌کنند، اما تا زمانی که قدرت سیاسی به نفع زنان و آحاد جامعه تغییر نکند، فرهنگ مردم نیز تغییر کیفی نخواهد کرد.

یکی دیگر از موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفت موضوع تضاد و اختلاف بر سر ملیت‌های تحت ستم در افغانستان بود و این که تعداد کمی از زنان توانسته‌اند در مبارزه نشان دهند که زنان با هر ملیتی هم سرنوشت هستند. در رابطه با موضوع ملیت‌ها بر این مساله تأکید شد که یکی از خطراتی که جنبش زنان افغانستان را تهدید می‌کند، دامن زدن به اختلافات ملی است. طبقه حاکم در افغانستان بطور تاریخی و در شرایط کنونی امارت اسلامی طالبان، همواره ملیت‌های تحت ستم را سرکوب کرده‌اند. نسل کشی از ملت تحت ستم «هزاره» که بیشترین قربانیان آن زنان هستند و هم چنین سرکوب سبانه از مردم غیر نظامی پنجشیر و... در دستور کار طالبان قرار داشته و دارد. این سرکوب‌های وحشیانه و خونین بستری را برای دامن زدن به اختلاف در بین ستم‌دیدگان ایجاد می‌کند. یکی از وظایف مهم تشکلات رادیکال زنان در افغانستان این است که به افشای طرح‌های دشمن مبنی بر «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، بپردازند و برای اتحاد همه ستم‌دیدگان بویژه زنان ملیت‌های تحت ستم بکوشند.

موضوع دیگری که طرح شد این بود که بسیاری از زنان بویژه در افغانستان از ما می‌پرسند که چرا سازمان زنان هشت مارس تلاش نمی‌کند با زنانی که بطور مثال در افغانستان هستند و به درجاتی هم متشکل هستند اما مواضع‌شان با ما تفاوت دارد، متحد شود تا بتواند از یک طرف جنبش زنان افغانستان را زنده نگاه دارد و از طرف دیگر کمیت خود را بالا برد. در پاسخ به این پرسش، گفته شد که سازمان زنان هشت مارس در تمام بیست و پنج سال گذشته تلاش کرد مرزبندی دقیقی را با دشمنان اصلی ستم بر زن چه در افغانستان و چه در ایران ترسیم کند و مبارزات خود را به حول آن سازماندهی نماید. این مرزبندی اصولی دوری و نزدیکی ما را با هر نیرو و جریانی تعیین کرده است. ما بر این اصل پافشاری کرده و می‌کنیم که بدون مرزبندی دقیق و روشن با رژیم‌های ضد زن حاکم بر افغانستان و ایران و قدرت‌های امپریالیستی که نقش اساسی در تولید و باز تولید ستم بر زن در سطح جهان دارند، نمی‌توان مبارزه علیه ستم بر زن را در مسیر درست و اصولی پیش برد. اگر هدف، مبارزه علیه ستم بر زن است، آن گاه مسبب اصلی تولید و باز تولید ستم بر زن در سطح ملی و بین‌المللی را باید نشانه رفت، در غیر این صورت این ستم تداوم می‌یابد.

در نظر داشته باشید که پس از آن که جمهوری اسلامی افغانستان را امپریالیست‌های آمریکایی و شرکا پس از اشغال نظامی شکل دادند، تغییر موقعیت زنان یکی از تبلیغات اصلی اشان بود. این تبلیغات از جانب زنان لیبرال و رفرمیست و هم چنین زنانی که به نحوی در قدرت سیاسی سهیم شده بودند نیز پیش گذاشته شد و بر این موضوع پافشاری می‌شد که افغانستان تغییر کرده و گشایش‌هایی برای زنان ایجاد شده است. ما در تمامی این سال‌ها و در مقابل تبلیغات مسموم به حال جنبش زنان افغانستان، تلاش کردیم نشان دهیم که امپریالیست‌های آمریکایی و شرکا نه به خاطر رهایی زنان بلکه برای منافع جهانی خود به افغانستان حمله و آن را اشغال کردند و دولت دست‌نشانده‌شان را بر سر کار گماردند. ما بر این حقیقت پافشاری کردیم که هر شکل از رفرم در موقعیت زنان، زمانی که از بالا ترتیب داده شود به راحتی قابل باز پس‌گیری است و با رفرمی که در نتیجه مبارزه انقلابی از پائین به طبقات حاکم تحمیل می‌شود، تفاوت کیفی دارد و باز پس‌گیری آن را سخت‌تر می‌کند. تاریخ نشان داد که این موضع‌گیری درست بود. چرا که همه گشایش‌های ادعا شده در موقعیت زنان در بیست سال اشغال افغانستان در عرض هفته‌های اولیه قدرت‌گیری طالبان دود هوا شد و از بین رفت. با توجه به این خط‌کشی روشن، قطعاً ما نخواهیم توانست با تشکلات زنانی که مبلغ حمایت امپریالیست‌ها از حقوق زنان هستند، هیچ‌گونه اتحادی داشته باشیم.

یا در رابطه با ایران زمانی که در جنبش زنان بخش رفرمیست و اصلاح طلب آن به دنبال تعدیل جمهوری اسلامی بودند و اصلاً حتی به موضوع حجاب اجباری نزدیک هم نشدند، ما بر سر حجاب اجباری به عنوان فشرده ستم بر زن و مرکز خشونت‌های دولتی علیه زنان، پافشاری کردیم و در برابر حملات از هر طرف، از این واقعیت کوتاه نیامدیم. باید در نظر بگیریم که ما در تمامی این سال‌هایی که بخش رفرمیست و اصلاح طلب زنان که از برو و بیایی هم برخوردار بودند و بسیاری از فعالین زن در خارج نیز به آنان پیوستند، خلاف جریان حرکت کردیم و حاضر نشدیم منافع زنان را قربانی بزرگ شدن و طرح شدن بکنیم.

امروزه بویژه پس از قیام ژینا موضوع سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و موضوع انقلاب در بین مردم فراگیر شده است. اما در آن سال‌ها و در گذشته چنین نبود. در آن سال‌هایی که «اصلاح طلبان» حکومتی در قدرت بودند، در جنبش زنان، همین زنان لیبرال در همگرایی با زنان «اصلاح طلب» حکومتی به مقابله با ما که تغییر پایه‌ای در موقعیت زنان را وابسته به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی می‌دیدیم، پرداخته و آن را رد می‌کردند و تلاش بی‌وقفه‌ای می‌کردند تا با پیش گذاشتن فلسفه طبقاتی پراگماتیستی خودشان، به زنان بقبولانند که باید برای کسب مطالبات‌شان صبر کنند و آن را ذره ذره کسب کنند.

در بخش‌های بعدی بر سر نقش و جایگاه ۵۹ شماره نشریه هشت مارس، تنها صدای زنان انقلابی افغانستان و ایران بحث و گفتگو شد و بر لزوم ادامه‌یابی آن در بالا بردن آگاهی زنان تاکید شد. بار دیگر این واقعیت پیش گذاشته شد که زنان خود به خود به آگاهی انقلابی دست پیدا نمی‌کنند. درست است که میلیون‌ها زن هر روزه با گوشت و پوست خود این ستم را تجربه می‌کنند و بسیاری علیه آن دست به شورش می‌زنند؛ اما آگاهی داشتن از علل و ریشه‌های این ستم و چگونگی خلاصی از آن می‌تواند از طریق نشریات انقلابی زنان هم چون نشریه هشت مارس و فعالینی که به گرد آن فعالیت می‌کنند، به میان توده‌های زن بویژه پیشروان آن برده و سطح آگاهی آنان را برای پیشبرد امر مبارزه ارتقا دهند. ارتقای آگاهی و متشکل شدن در تشکلات مستقل و انقلابی زنان شرایط را برای طی کردن راه پُرپیچ و خم اما رهایی بخش انقلاب، برای رفع ستم جنسیتی هموار می‌کند.

بر این واقعیت انگشت گذاشته شد که نشریه هشت مارس آن رسالتی را که از شماره اول مبنی بر پیش گذاشتن ریشه ستم بر زن و خشونت‌های گسترده بر خواسته از آن و راه رفع این ستم را برعهده گرفت، توانست به درجات بالا و قابل ملاحظه‌ای پیش برد و پا به پای پیشرفت مبارزات نظری و عملی سازمان زنان هشت مارس و گردان زنان در سراسر جهان، هم از نظر محتوا و هم از نظر فرم نیز تکامل یابد. به این مساله نیز اشاره شد که بار تئوریک نشریه چه در مقالات و چه با انتشار ترجمه‌هایی از کتب زنان فمینیست بالاتر رفته است.

گرایش‌های انحرافی هم اکنون نیز هم چنان در ایران، با تمام تحولاتی که در نتیجه مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و ادامه‌یابی آن ایجاد شده و هم چنین در افغانستان با وجود مبارزات زنان پیشرو و مبارز علیه طالبان زن ستیز، موجود می‌باشند. دسته‌ای از زنان با تمام قوا در تلاشند که مبارزه زنان را محدود کرده، آن را در چارچوب سیستم حاکم و در جهت حفظ آن، محصور کنند. در نشریه هشت مارس تلاش شد این دیدگاه‌ها و گرایش‌های غلط و زیان‌آور به حال زنان و جنبش زنان، نقد و افشا شوند.

بخش بعدی، بررسی جایگاه و نقش جلسات مطالعاتی بود. جلسات مطالعاتی که بطور هفتگی و منظم در ۱۳ سال گذشته پیش رفته و طی آن صدها کتاب و مقاله مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. آن چه که تاکید شد این موضوع بود که این جلسات در بالا بردن آگاهی انقلابی در میان فعالین و دوستداران سازمان زنان هشت مارس نقش موثری داشته است. بر این موضوع نیز تاکید شد که هدف این جلسات طرح مباحث آکادمیک در خود و برای بالا بردن دانش فردی و کسب مدارج نبوده، بلکه هدف بالا بردن درک علمی‌تر از ریشه‌های ستم بر زن و راه برون رفت از آن و هم چنین ارتباط این ستم با سایر اشکال ستم و استثمار در جامعه بوده و هست.

ما تمامی این نظریه‌های غلط، مخرب و مضر به حال زنان و جنبش زنان را نقد کردیم و به چالش کشیدیم. در آن سال‌ها یعنی در زمان قدرت داشتن «اصلاح طلبان» حکومتی، نظریه ما در رابطه با گره خوردگی کسب حتی خواسته‌های اولیه زنان هم چون آزادی در انتخاب پوشش، حضانت، طلاق، سقط جنین، اشتغال، انتخاب شریک زندگی و حق داشتن هر گرایش جنسی، به انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی؛ در اقلیت محض بود و با این روزها که بویژه پس از قیام ژینا موضوع انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی فراگیر شده تفاوت داشت.

ما بدرستی نظراتمان که در نشریه هشت مارس منعکس است را به کرات و در مقالات و بیانیه‌های گوناگون بیان کرده و توضیح می‌دادیم که زنان نیمی از جامعه اند، اکثریتی از زنان تحت ستم و استثمار بیشتری قرار دارند و انقلاب واقعی بدون حضور فعال و وسیع این نیمه، غیر قابل تصور است. با شرکت این نیمه در انقلاب است که می‌توانیم از پیروزی آن یاد کنیم. وقتی هم از پیروزی صحبت می‌کنیم تنها موضوع سرنگونی رژیم‌های حاکم بر افغانستان و ایران نیست، بلکه موضوع این است که خواسته‌های انقلاب در مجموع به سرانجام برسند و یا این که در مسیر واقعی تحقق آن قرار بگیرند. اما این حقیقتی است که زنان، زمانی به معنی واقعی بخشی از گردان انقلاب خواهند شد که خواسته‌ها و منافع آنان طرح شود و به حول آن سازماندهی و متشکل شوند.

از دیگر موضوعات مورد بحث در مجمع عمومی این بود که آیا سازمان زنان هشت مارس تلاش داشته و یا دارد که با دیگر تشکلات زنان که در مجموع دارای دیدگاه درستی هستند، متحد شود؟ در پاسخ به این سؤال توضیح داده شد که سازمان زنان هشت مارس اساساً با هدف متحد شدن با فعالین و تشکلات رادیکال برای به راه انداختن مبارزه‌ی متحد و سازمان یافته‌ی زنان، اعلام موجودیت کرد. درعین این که ما با تشکلات زیادی که دارای دیدگاه درستی در مورد موضوع ستم بر زن و مهم‌تر راه برون از آن، روبرو نبودیم؛ اما تلاش‌های خوبی را در اتحاد عمل با دیگر فعالین رادیکال انجام دادیم. در سال‌هایی که مقاومت و مبارزه زنان در ایران بویژه علیه حجاب اجباری گسترش بیشتری یافت و برای رساتر کردن صدای‌شان نیاز به فعالیت مشترک وسیع‌تر در خارج نیز حس می‌شد؛ دو کارزار مبارزاتی به ابتکار سازمان زنان هشت مارس و در مشورت و با همکاری با تعداد دیگری از فعالین زن، در ماه مه ۲۰۰۵ و نوامبر ۲۰۱۶ سازماندهی شد و توانستیم بزرگترین تظاهرات‌های زنان در خارج از کشور را به حول «لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان» و «حجاب اجباری مرکز خشونت دولتی علیه زنان»، سازماندهی کنیم.

در ادامه مجمع به نقش و جایگاه فعالیت ما در شبکه‌های مجازی پرداخت. بر این موضوع تاکید شد که برای سازمان زنان هشت مارس همواره حضور مستقیم و فیزیکی در گردهم آیی‌ها، تظاهرات و آکسیون‌های اعتراضی در خیابان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اما هم زمان از فعالیت در شبکه‌های مجازی نیز غافل نبوده ایم. بویژه پس از همه‌گیری کرونا که عرصه کار خیابانی محدودتر شد، فعالیت‌های ما نیز در فضای مجازی گسترش بیشتری یافت. ما از همان ابتدای فعالیت در فضای مجازی بر این امر تاکید داشتیم که وظیفه ما خبررسانی نیست، بلکه با طرح برخی از اخبار، که انتخاب آن هم موضوعی مربوط به نگرش است، خط فکری خود را پیش می‌گذاریم.

در طول حیات سازمان زنان هشت مارس، تلاش کردیم از شبکه‌های اجتماعی برای پیشبرد بحث و گفتگو بر سر موضوعات مهم سیاسی و اجتماعی با تمرکز بر سر معضلات زنان و مبارزات آنان و دعوت از همگان استفاده نمائیم. در دو سال گذشته به دلیل حساسیت بیشتر مبارزاتی در داخل و خارج از کشور، این فعالیت شکل متداوم‌تری به خود گرفته است و از طریق کلاب‌هاوس این امر پیش برده شده است. در عین حال برخی از زنان مبارز و انقلابی که با موضع‌گیری‌های سازمان ما سمت‌گیری دارند نیز به حول مقالات و بیانیه‌های متعدد سازمان زنان هشت مارس در کلاب‌هاوس خود هم چون «آزادی و حق زن از دید زن» جلساتی را برگزار کردند.

از دیگر مباحث یازدهمین مجمع عمومی، پرداختن به این موضوع مهم بود که هم در افغانستان و هم در ایران درک از نیاز به تشکیلات زنان بالا رفته است. سازمان ما در طی بیست و پنج سال گذشته چه در نشریه هشت مارس و چه در سخنرانی‌های حضوری و مجازی همواره بر این اصل درست پافشاری کرد که زنان نیز همانند هر گروه اجتماعی به ظرف مبارزاتی خود نیاز دارند. هدف از ایجاد این ظرف مبارزاتی این است که بتواند بر پایه مبارزه علیه ستم جنسیتی، راه را برای پیوستن بیشتر زنانی که از ستم و خشونت به ستوه آمده‌اند به مبارزه برای تغییر این شرایط، هموار سازد. در عین این که با وجود تشکلات انقلابی زنان و پیشبرد نقشه‌مند مبارزه، بستری برای ضربه زدن به تفکرات مردسالاری در جامعه ایجاد می‌کند.

به این موضوع مهم اشاره شد که یکی از دستاوردهای قیام ژینا در ایران و مبارزات زنان علیه طالبان، این بود که نیاز به داشتن تشکیلات زنان را بیش از گذشته به میان آورد. زنان پیشرو در هر دو کشور به درجات قابل ملاحظه‌ای به این واقعیت دست یافته‌اند که با ایجاد تشکلات مستقل زنان است که می‌توان با طرح خواست‌های زنان از یک طرف، زمینه را برای جلب و متشکل کردن توده‌های زنان برای پیشبرد امر مبارزه فراهم کرد و از طرف دیگر، رفع ستم بر زن را به

موضوعی حیاتی در بین مردم برای پیشروی مبارزه در جهت رفع هر شکل از ستم و استثمار بدل کرد.

همواره یکی از وظایف مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس، تدقیق منشور و اساسنامه بوده است. در مجمع عمومی امسال نیز در منشور برخی تغییرات و تدقیقات با در نظر گرفتن شرایط کنونی در افغانستان و ایران مورد بحث قرار گرفت و نهایتاً با رای جمعی به تصویب رسید. در آئین نامه پیشین سازمان تغییری ایجاد نشد.

بخش دیگر از برنامه یازدهمین مجمع عمومی، پرداختن به قطع نامه‌های سیاسی افغانستان و ایران بود. بر سر این موضوع بحث شد که قطع نامه‌ها متکی بر منشور سازمان زنان هشت مارس است و تاکید شد که این قطع نامه‌ها، فعالیت‌های آتی ما را در یک چارچوب فعال و زنده و منطبق بر اوضاع عینی، تعیین می‌کند. قطع نامه سیاسی افغانستان و ایران با پیشنهادات سازنده و مسئولانه جمع برای اضافه کردن و یا دقیق کردن متن پیشنهادی به مجمع، مورد تصویب قرار گرفت.

در بخشی از برنامه مجمع، تقاضای عضویت برخی از دوستان که در فاصله‌ای بین دو مجمع با درخواست کتبی مطرح کرده بودند، با استقبال جمع، پذیرفته شد. آن چه که نوید بخش بود حضور وسیع‌تر زنان جوان افغانستانی و حضور پر شور آنان در مجمع و دخالت فعالانه در پیشبرد مباحث بود.

بخش پایانی مجمع انتخاب هیئت مسئولین جدید بود که با نظر جمعی انتخاب شدند. پس از سه روز بحث و گفتگو و چالش‌های جدی، توانستیم یازدهمین مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس را هم زمان با بیست و پنجمین سالگرد تاسیس این سازمان در فضایی صمیمانه، دوستانه، خواهرانه، رفیقانه و پر امید با خواندن سرود انقلابی به پایان برسانیم.

بیست و پنج سال فعالیت بی‌وقفه برای آزادی و رهایی زنان در افغانستان و ایران و کمک به پیشروی جنبش جهانی زنان را با دوستانی که همواره در کنار ما، برای پیشروی جنبش انقلابی زنان تلاش کردند با رقص و سرود خوانی و کیک‌هایی که بر روی آن پوستر بیست و پنجمین سالگرد هشت مارس نقش بسته بود، جشن گرفتیم. ■



# گزیده‌های از بولتن یازدهمین مجمع عمومی:

## جمع‌بندی فشرده‌ای از بیست و پنج سال فعالیت نظری و عملی:

در ایران قرار دهد که زنان مهاجر افغانستانی با دیگر زنان به وسعت کل جامعه، هم سرنوشت هستند. هم سرنوشت هستند در برابر انقیادی که رژیم جمهوری اسلامی به همه زنان اعمال می‌کند. زنان افغانستانی اما، علاوه بر این ستم، تحت توهین و تحقیر و شدیدترین حملات شوونیستی و ستم‌گرانه در فرهنگ، روابط، قوانین، سیاست‌ها و تفکرات نژاد پرستانه جمهوری اسلامی هم قرار دارند. اعمال ستم جنسیتی، ملی و طبقاتی بر زنان کارگر و زحمتکش افغانستانی شرایط کسب سودهای کلان را برای سرمایه داران مهیا کرده است.

بر پایه این حقایق سازمان زنان هشت مارس به عنوان تنها سازمان مستقل و انقلابی زنان افغانستانی و ایرانی، در تمامی این سال‌ها تلاش کرد که این اصل را پیش‌گازد که در ایران، بدون سازماندهی و متشکل کردن زنان افغانستانی ساکن ایران، بدون ایجاد شرایطی که زنان پیشرو و مبارز افغانستانی در راس مبارزه انقلابی قرار گیرند، پیشروی در جهت رفع ستم جنسیتی برای آن دسته از فعالین و تشکلات زنانی که با این هدف مبارزه می‌کنند، غیر ممکن خواهد بود.

در تمامی این سال‌ها، علیرغم شرکت فعال و نقش ارزنده زنان در همه مبارزات در ایران و علیرغم مبارزه و مقاومت نسل به نسل زنان بویژه زنان جوان علیه حجاب اجباری و سایر اشکال ستم بر زن که به بخشی از فضای روزمره‌ی جامعه بدل شده بود، اما خواست‌های زنان و در مرکز آن مخالفت با حجاب اجباری، در هیچ یک از مبارزات طرح نمی‌شد. ما بی‌وقفه کوشش کردیم نشان دهیم خواست‌های زنان و مخالفت روشن و آشکار با حجاب اجباری، موضوعی کناری نیست و موضوعی مربوط به همه است. تلاش کردیم این واقعیت را پیش‌گذاریم که رژیم جمهوری اسلامی بدون تحمیل اشکال گوناگون اسلامی/قانونی ستم بر زن و به طور ویژه حجاب اجباری، نه امکان تحکیم قدرت‌اش را داشت و نه امکان ادامه‌ی حکومت‌اش را. بر پایه این حقایق به سهم خود تلاش کردیم که جنبش‌های گوناگون مبارزاتی را از زیر یوغ تفکر پدر/مردسالاری و فصل مشترک با رژیم حاکم که باعث کندی پیکان مبارزه علیه رژیم می‌شود، جلوگیری کنیم.

در بیست و پنج سالی که از موجودیت سازمان زنان هشت مارس می‌گذرد ما فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشتیم، ولی هیچ‌گاه از اهداف اولیه‌مان در جهت سرنگونی انقلابی رژیم‌های ضد زن حاکم بر ایران و افغانستان کوتاه نیامدیم و بدون سازش در مقابل دشمنان رنگارنگ در عرصه داخلی در هر دو کشور و دشمنان بین‌المللی، همواره برای کسب خواسته‌های زنان و در جهت رهایی از ستم جنسیتی تلاش کردیم.

این سازمان خود را به عنوان بخشی از پیکره جنبش رادیکال زنانی می‌داند که از زمان قدرت‌گیری رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی بر علیه حجاب اجباری در ۸ مارس ۵۷، مبارزه را آغاز کردند و نسل به نسل این مبارزه را ادامه دادند. این تشکیلات با الهام از مبارزات زنان در ایران و افغانستان و با اتکا بر دستاوردهای نظری و عملی جنبش جهانی زنان تلاش کرد چارچوبی اصولی در خدمت به رفع ستم جنسیتی را ترسیم کند و در مسیر راه، آن را تعمیق بخشد.

این سازمان از فعالین زن از افغانستان و ایران تشکیل شده است. دغدغه‌مان ملی نبود و بر این امر غیر قابل انکار واقف بودیم و هستیم که سرنوشت زنان جهان به هم گره خورده است؛ چرا که در مقابل همه ما زنان، نظام سرمایه‌داری مردسالار قرار دارد که ستم جنسیتی یکی از پایه‌های بقای سیستم ستم و استثمارش را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل به هر زنی در هر گوشه از جهان ستم شود، رنجی‌های ستم جنسیتی را در همه جا محکم‌تر می‌کند و برعکس، هر کجا که مبارزه‌ی زنان پیشرفت کند و دستاوردهایی کسب کند، به فضای مبارزاتی همه ما زنان می‌دمد. به همین دلیل می‌بینیم که چگونه مبارزه زنان علیه حجاب اجباری در خیزش ژینا توانست در بین زنان امید به تغییر را بیافریند و این گونه نقش پیشتازی مبارزه زنان علیه مردسالاری در سطح جهان را عهده دار شود.

این سازمان در طی بیش از بیست و پنج سال گذشته تلاش کرد این واقعیت را در میان فعالین جنبش زنان و سایر جنبش‌های مبارزاتی



یکی از فعالیت‌های مهم و تاثیر گذار و ماندگار سازمان زنان هشت مارس علاوه بر شرکت و سازمان دهی برنامه‌هایی در بزرگداشت زندانیان سیاسی دهه ۶۰؛ بویژه در سال‌های قدرت گیری جریان دوم خرداد و خاتمی که بسیاری از نیروهای مسالمت جو و مصلحت گرا در فکر کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی و چشم پوشی از جنایات و بخشش جنایت کاران بودند، پیش گذاشتن شجاعانه شعار «نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم» که ملهم از مبارزات مادران مبارزان مفقودالایر آرژانتینی است، می باشد. هشت مارس توانست بر پایه این شعار نقش مهمی در اتحاد نیروهای مبارز و انقلابی علیه خط سازش با جنایتکاران ایفا کند. سال‌های متمادی است که این شعار به شعاری فراگیر در جامعه بدل شده است.

از دیگر مبارزاتی که مرز ما را با دار و دسته‌ی اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی به روشنی نشان داد، کنفرانس برلین در آوریل ۲۰۰۰ بود. کنفرانسی که قرار بود بین تبعیدیان مبارز و انقلابی خارج از کشور با اصلاح طلبان حکومتی آشتی ایجاد کند. مبارزه قاطعانه ما علیه مباحثات با جناح‌های مختلف حکومتی در کنفرانس برلین به همراه دیگر نیروها، باعث شد که این کنفرانس متوقف شود.

یکی دیگر از مبارزات ارزنده سازمان زنان هشت مارس در دوران حمله و اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ بدست امپریالیست‌های آمریکایی و متحدین اش، پیشبرد کارزاری وسیع در سطح اروپا و کانادا برای افشای این جنایت علیه زنان و به طور کلی مردم افغانستان بود.

چند ماه بعد در اواخر نوامبر ۲۰۰۱، زمانی که نمایندگان ائتلاف شمال، سران قبایل و نمایندگان ظاهر شاه تحت رهبری نماینده دولت آمریکا جمع شدند تا برای سرنوشت مردم و آلترناتیو سازی‌های ارتجاعی‌شان تصمیم‌گیری کنند، سازمان زنان هشت مارس تنها سازمان زنانی بود که علیه دسیسه‌های امپریالیست‌ها و مرتجعین رنگارنگ، آکسیون اعتراضی مقابل ساختمانی که کنفرانس در آن پیش برده می‌شد، برگزار کرد.





پس از آن که جمهوری اسلامی افغانستان را امپریالیست‌های آمریکایی و شرکا شکل دادند، تغییر موقعیت زنان یکی از تبلیغات اصلی اشان بود. این تبلیغات از جانب زنان لیبرال و رفرمیست و هم چنین زنانی که به نحوی در قدرت سیاسی سهیم شده بودند نیز در مقابل زنان برای منحرف کردن مبارزاتشان پیش گذاشته شد. ما در تمامی این سال‌ها تلاش کردیم نشان دهیم که امپریالیست‌های آمریکایی و شرکا نه به خاطر رهایی زنان بلکه برای منافع جهانی خود به افغانستان حمله و آن را اشغال کردند و دولت دست نشاندگان را بر سر کار گماردند. ما بر این حقیقت پافشاری کردیم که هر شکل از رفرم در موقعیت زنان زمانی که از بالا ترتیب داده شود به راحتی قابل باز پس گیری است و با رفرمی که در نتیجه مبارزه انقلابی از پائین به طبقات حاکم تحمیل می‌شود، تفاوت کیفی دارد و باز پس گیری آن را سخت‌تر می‌کند. تاریخ نشان داد که این موضع گیری درست بود. چرا که همه گشایش‌های ادعا شده در موقعیت زنان در بیست سال اشغال افغانستان در عرض هفته‌های اولیه قدرت گیری طالبان دود هوا شد و از بین رفت.

ما بدرستی چه در بیست سال اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌های آمریکایی و شرکا و چه پس از به قدرت رساندن طالبان توسط آنان، بر این واقعیت پای فشرده‌ای که پیشبرد مبارزه انقلابی زنان در امتداد و مسیر رهایی کل جامعه، تنها راه است. یعنی مسیری برای انقلاب که زنان و به طور کل مردم حاکم بر سرنوشت خود شوند. انقلابی که دین را از دولت جدا کند، انقلابی که در مسیر حذف هر شکلی از ستم علیه زنان، علیه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی و علیه اقلیت‌های ملی گام بردارد و جامعه را به سمت رهایی از ستم و استثمار به پیش راند.

در سالهایی که مقاومت و مبارزه زنان در ایران بویژه علیه حجاب اجباری گسترش بیشتری یافت، برای رساتر کردن صدای‌شان نیاز به فعالیت مشترک وسیع‌تر در خارج نیز حس می‌شد. دو کارزار مبارزاتی به ابتکار ما و در مشورت و با همکاری با تعداد دیگری از فعالین زن را در ماه مه ۲۰۰۵ و نوامبر ۲۰۱۶ سازماندهی شد و توانستیم بزرگترین تظاهرات‌های زنان در خارج از کشور را به حول «لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات‌های اسلامی علیه زنان» و «حجاب اجباری مرکز خشونت دولتی علیه زنان» سازماندهی کنیم.

این تشکیلات در طول بیش از بیست و پنج سال گذشته، چالش‌های موفقیت آمیز بسیاری را با مواضع انحرافی موجود در جامعه، از سر گذرانده است. زمانی که در جنبش زنان بخش رفرمیست و اصلاح طلب آن به دنبال تعدیل جمهوری اسلامی بودند، زمانی که اینان و بسیاری دیگر، حجاب اجباری را، مساله‌ای کناری ارزیابی می‌کردند، این تشکیلات بر سر حجاب اجباری به عنوان فشرده ستم بر زن و مرکز خشونت دولتی علیه زنان پافشاری کرد و در برابر حملات از هر طرف، از این واقعیت کوتاه نیامد.





یکی از اصول اتخاذ شده و به کار بسته شده در طول بیست و پنج سال گذشته عدم وابستگی مالی به نهادها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی بوده است. ما خود را بر این اصل درست متکی کردیم که رفع مشکلات مالی برای پیشبرد مبارزه انقلابی نیز هم چون دیگر عرصه‌های فعالیت بدون اتکا به توده‌ها امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس، این سازمان از نظر مالی برای پیشبرد اهداف انقلابی، اتکای خود را به توده‌ها و هم‌بازی اعضا و دوستدارانش گذاشت.

سازمان زنان هشت مارس از همان بدو تاسیس و در متن منشور خود مبارزه علیه حجاب اجباری و برقع (چاردی) این نماد حکومت‌های اسلامی، مبارزه علیه کلیه قوانین ضد زن مبتنی بر شریعت اسلامی، مبارزه برای جدایی دین از دولت و بسیاری دیگر از مطالبات زنان را به عنوان بخش جدا ناشدنی از مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم‌های حاکم بر ایران و افغانستان پیش گذاشت. در تمامی این سال‌ها بویژه از زاویه نظری تلاش کرد نشان دهد که مبارزه علیه رژیم‌های زن ستیز ایران و افغانستان، جدا از مبارزه علیه قدرت‌های امپریالیستی، یعنی عاملین اصلی تولید و باز تولید کننده ستم بر زن در سراسر جهان، نیست.

این تشکیلات در تمام طول بیست و پنج سال گذشته در صدها بیانیه و ۵۹ شماره نشریه «هشت مارس» تلاش کرد در هر دوره تحلیل‌های خود را با اتکا و جمع‌بندی از مبارزات زنان در ایران، افغانستان و سراسر جهان و با تحلیل مشخص از شرایط مشخص بر پایه چارچوب اصولی اتخاذ شده برای پیشبرد مبارزات نظری و عملی مطرح سازد. در تمامی این سال‌ها پیگیرانه تلاش شد نقش و جایگاه مبارزه جمعی و سازمان یافته با افق‌های، بعنوان یکی از نیازهای تعیین کننده مبارزه هدفمند، در میان زنان مبارز افغانستان و ایران، به عنوان حقیقتی انکار ناپذیر، مطرح شده و تبلیغ و ترویج گردد.

در دوران طولانی که موج «اصلاح طلبی» جناحی از رژیم در میان بسیاری رخنه کرده بود و زنان لیبرال در همگرایی با آنان و با اتکا به زنان اصلاح طلب حکومتی تلاش‌هایشان را به روی تعویض برخی قوانین مربوط به زنان و مطالبات انحرافی مثل «دیه برابر» معطوف کردند و از بیا و برویی هم در داخل و خارج برخوردار بودند، ما در برابر این موج ایستادگی کردیم و هرگز حاضر نشدیم منافع زنان و به طور کلی منافع مردم ستم‌دیده را قربانی بزرگ شدن و مطرح شدن تشکیلات‌مان، زد و بند با مرتجعین و لابی‌گری با آنان؛ نماییم.

در تمامی این سال‌ها به ویژه در دوران قدرت داشتن «اصلاح طلبان» حکومتی، بخش لیبرال و اصلاح طلب جنبش زنان، نه تنها در برابر سازمان زنان هشت مارس که تغییر پایه‌ای در موقعیت ستم‌دیدگی زنان را وابسته به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی می‌دید، قرار می‌گرفتند و آن را رد می‌کردند، بلکه تلاش کردند با پیش گذاشتن فلسفه طبقاتی خود یعنی فلسفه پراگماتیستی، دست‌یابی زنان حتی به مطالبات اولیه‌شان را به آینده‌های دور و نامعلوم و به کسب ذره ذره و قطره چکانی آن حواله دهند.

هشت مارس تمامی این نظریه‌های غلط، مخرب و مضر به حال جنبش زنان و به طور کل، جنبش مردم را نقد کرد و به چالش کشید. این سازمان، ضرورت انقلاب که بر خاسته از عینیت و واقعیت جامعه است را با وجود جو مخالفی که در نتیجه به قدرت رسیدن «اصلاح طلبان» حکومتی ساخته بودند، پیش گذاشت و بر پایه آن این حقیقت را بیان کرد که زنان برای دست‌یابی به اولیه‌ترین و بدیهی‌ترین خواست‌هایشان هم چون آزادی در انتخاب پوشش، حق حضانت و طلاق، اشتغال، سفر، سقط جنین، انتخاب شریک زندگی، حق داشتن هر گرایش جنسی و... با یک رژیم تئوکراتیک سر تا پا زن ستیز و نیروهای سرکوبگرش رو به رو هستند. در نتیجه برای کسب همین مطالبات باید مانع اصلی آن یعنی جمهوری اسلامی را همراه و همگام با سایر ستم‌دیدگان جامعه از طریق انقلاب سرنگون نمایند.

این تشکیلات در تمامی بیست و پنج سال گذشته تلاش کرد، ۸ مارس روز جهانی زن را با پیش گذاشتن تم مبارزاتی در هر سال و هم چنین ۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت بر زن را با دیگر فعالین و تشکلات زنان از ملیت‌ها و کشورهای گوناگون، متحداً و خلاقانه برگزار کند.

سازمان زنان هشت مارس در دوران حیات خود تلاش بی‌وقفه‌ای کرد که نه تنها از جنایات و سرکوب‌های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی ایران علیه زنان، علیه زندانیان سیاسی، علیه ملیت‌های تحت ستم، علیه کارگران، علیه زحمتکشان شهر و روستا، علیه مهاجرین افغانستانی، علیه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، علیه اقلیت‌های مذهبی، علیه حامیان محیط زیست و... پرده بردارد، بلکه توان نظری و مبارزاتی خود را به کار گرفت تا صدای مبارزات زنان و در مرکز آن مبارزه علیه حجاب اجباری و صدای بی‌صدای زنانی که در ایران و افغانستان قربانی خشونت‌های دولتی و اجتماعی و خانگی بودند را به گوش فعالین و تشکلات زنان و افکار مترقی در سراسر جهان برساند. تلاش کرد با سازماندهی هزاران آکسیون اعتراضی در خیابان و شرکت فعال در ده‌ها کنفرانس زنان و هم‌چنین سهم گرفتن در آکسیون‌های مبارزاتی که نیروهای مترقی در دفاع از پناهندگان، محیط زیست، ضدیت با جنگ‌های امپریالیستی و... سازماندهی کردند؛ متحدین خود را از میان زنان و مردم کشورهای گوناگون که به اشکال مختلف علیه سرمایه‌داری مبارزه می‌کنند، بیابد و حمایت و همبستگی متقابل را برای پیشروی مبارزات‌مان ایجاد کند.

ما این حقیقت را می‌دانستیم و می‌دانیم که فعالیت‌های نظری و عملی ما علیه ارتجاع حاکم بر ایران و افغانستان و حامیان بین‌المللی امپریالیستی و سایر دول مرتجع، جایی برای تبلیغ در رسانه‌های اصلی ندارد. زمانی که در سال ۲۰۰۶ بزرگترین تظاهرات زنان در ۵ روز در دو کشور آلمان و هلند برگزار شد و سازمان زنان هشت مارس ستون فقرات آن بود، تمامی رسانه‌های ارتجاعی غربی سکوت کردند. در مقابل آنان، فعالین زن و مرد، اکثر سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست، تشکلات زنان از کشورهای مختلف جهان و... حمایت خود را از راهپیمایی ۵ روزه توسط کارزار زنان اعلام کردند. در عین این که بسیاری از احزاب، سازمان‌ها و تشکلات زنان از ملیت‌های گوناگون، در راهپیمایی شرکت کردند.

اما در طی تمامی این سال‌ها، موضع‌گیری‌ها و فعالیت‌های سازمان ما از جانب بسیاری از فعالین و اکثر سازمان‌ها و احزاب منتسب به چپ در ایران نادیده گرفته شده و با سکوت مواجه بود. ما عدم حمایت و پشتیبانی از تنها سازمان انقلابی زنان ایران و افغانستان را به تفکرات انحرافی و دیرینه جنبش چپ در مورد انکار اهمیت مبارزه بر سر موضوع و نقش حجاب اجباری و ستم بر زن از یک طرف و جایگاه مهم و تعیین‌کننده مبارزات سازمان یافته زنان انقلابی از طرف دیگر می‌دانیم.



این تشکیلات در اولین شماره نشریه هشت مارس که در سال ۷۸ منتشر شد، به روشنی اعلام کرد که ما می‌خواهیم نقاب از چهره‌ی دشمنان آزادی و رهایی زنان برداریم، دوستان دروغین را افشا کنیم، مرز روشن و بدون ابهامی با رژیم جمهوری اسلامی و رژیم حاکم بر افغانستان و کلیه قدرت‌های سرمایه‌داری امپریالیستی مردسالار ترسیم کنیم، نظام پدر/مردسالار را در تمام عرصه‌ها از خانه تا اجتماع، از قلمرو علم تا میدان هنر به مصاف طلبیم؛ این‌ها تعهداتی است که ما در تمام بیست و پنج سال گذشته بر آن پایبند بوده و هم‌چنان خواهیم بود.

امروز که مبارزات مردم وارد مرحله دیگری شده و همان‌گونه که در نشریه هشت مارس شماره ۵۷، آبان ۱۴۰۱ نیز بیان کردیم، خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به خواستی عمومی بدل شده است؛ امروز که مبارزات شجاعانه و پیش‌تازانه زنان علیه حجاب اجباری، نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر مبارزه برای به زیر کشیدن نظام زن‌ستیز و ستم‌گر ایفا می‌کند؛ می‌دانیم که برای ساختن جامعه انقلابی با روابط، نهادها، ارزش‌ها و فرهنگی نوین و در جهت رهایی زنان و فراگیر کردن آن بعنوان یکی از مختصات تعیین‌کننده جامعه آینده در فکر و عمل همه مردم، وظایف‌مان سنگین‌تر از گذشته است. اما این نیز برای‌مان روشن است که رزم شکوهمند زنان در خیزش ژینا که رو به آینده است، فشرده و حاصل‌چهل و چهار سال مبارزه روزمره و فداکارانه‌ای است که سازمان زنان هشت مارس هم به سهم خود در آن نقش داشته است.



## کارزار مبارزه علیه خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی علیه زنان در ایران:

در سال ۲۰۱۶، با ابتکار سازمان زنان هشت مارس، جمعی از زنان فراخوان مبارزه علیه خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان در ایران را برای آغاز یک کارزار مبارزاتی منتشر کردند. کارزاری که حول خشونت‌های گسترده و تشدید یافته علیه زنان در ایران که در مرکز آن حجاب اجباری قرار دارد - مبارزاتی را در خدمت به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی سازمان‌دهی کند. در فراخوان اولیه‌ی کارزار مبارزه با خشونت علیه زنان، به‌درستی روی این حقایق انگشت گذاشته شد که همه‌ی زنان در سطح جهان خشونت را به شکلی تجربه کرده‌اند. خشونت‌هایی که همواره توجیهی فرهنگی، سنتی، بیولوژیک، قانونی و مذهبی داشته و به گونه‌ای در سراسر جهان سازمان‌دهی شده است که طبیعی جلوه کند. حتی زنان نیز به «طبیعی» بودن آن عادت کرده‌اند. خشونت عرصه‌ی بسیار گسترده‌ای است که فقط به اجبار در سر کردن حجاب و برقع، تجاوز، آزار جنسی، کتک خوردن توسط مردان خانواده، معلول شدن کودکان «نو عروس» در حجله یا مثله شدن دختران زیر تیغ «ختنه»، اسیدپاشی و غیره خلاصه نمی‌شود. بی‌اعتنایی، زخم زبان، توهین و تحقیر، به هیچ شمرده شدن و... هم خشونت بی‌رحمانه است. همه‌ی این خشونت‌ها در نتیجه‌ی حاکمیت نظام مردسالار سرمایه‌داری امپریالیستی در جهان است که به بیش از سه میلیارد زن اعمال می‌شود.

عقب افتاده، ایدئولوژی ضد زن در جامعه و مجموعه‌ای از قوانین و سیاست‌های زن‌ستیز شرایط را برای تشدید انواع و اقسام خشونت‌های اجتماعی و خانگی علیه زنان فراهم کرده است.

با انتشار فراخوان، زنان دیگری نیز به کارزار پیوستند. لزوم یک فعالیت متحد انقلابی، احساس می‌شد. فعالیت‌هایی که خلاف جریان باشد، بتواند مبارزات زنان علیه خشونت را برجسته کند، فعالیت‌هایی که بتواند بازتاب چهل سال مبارزه و مقاومت زنان خصوصاً علیه حجاب اجباری باشد.

فعالیتی که هم در عرصه‌ی نظری و هم عملی بتواند در تغییر شرایط به نفع گرایش انقلابی و در خدمت به ایجاد جنبش انقلابی زنان و تقویت جنبش مستقل زنان بیش از پیش مؤثر واقع شود.

شکل‌گیری کارزار مبارزه با خشونت بر زنان در دوره‌ای انجام گرفت که از یک‌طرف یک تغییر سیاسی مهم در آمریکا با قدرت‌گیری رژیم فاشیستی ترامپ به وجود آمد که منجر به مبارزات گوناگون از جانب اقشار و طبقات مختلف مردم و خصوصاً زنان در آن کشور و سایر کشورها شد. از طرف دیگر جامعه‌ی ایران آستان تحولات مهمی بود که خیزش توده‌های محروم در دی‌ماه ۹۶ نقطه‌ی عطف آن بود. این شرایط عینی شکل گرفته بود که فشرده‌ی چهل سال مبارزه و مقاومت زنان علیه حجاب اجباری، زنان خیابان انقلاب را پدید آورد. علاوه بر این، زنان در سایر مبارزات به وسعت کل جامعه نقش پر قدرتی داشتند.

شکل گرفتن کارزار مبارزه با خشونت علیه زنان فرصتی شد که فعالین کارزار در شهرها و کشورهای مختلف علاوه بر پیش‌برد سیستماتیک جلسات مطالعاتی طی سخنرانی، مصاحبه و جلسات اینترنتی درک خود را از علل وقوع خشونت در گستره‌ی جهان و راه برون رفت از آن را پیش گذارند. برای‌مان روشن بود که باید درک‌مان از جای‌گاه حجاب به عنوان محور اصلی خشونت دولتی علیه زنان و رابطه‌ی آن

در ایران هم اگر چه خشونت علیه زنان قدمتی طولانی دارد، اما در چهار دهه‌ی گذشته رژیم بنیادگرای جمهوری اسلامی با شلاق دین و زنجیر سنت و زندان حجاب، با گشت ارشاد و جوخه‌ی اعدام و حکم سنگسار، خشونت‌هایی به مراتب وحشیانه‌تر و گسترده‌تر برای کنترل زنان و بدن‌شان اعمال کرده است. حجاب اجباری در جمهوری اسلامی، اعلام رسمی نابرابری جنسیتی و نماد فرودستی و تبعیت زن از مرد تحت نظام اسلامی است. با حجاب اجباری بود که سرکوب، تبعیض و خشونت بر زنان و پرچم ایدئولوژیک نظام اسلامی، رسمیت یافت.

در فراخوان اولیه‌ی کارزار زنان قید شد که اگر در مدرسه و دانشگاه، کوچه و خیابان، محل کار و... نیروهای سرکوبگر این رژیم زنان را کنترل می‌کنند، در خانه همسر، پدر، برادر و فرزند پسر این کنترل را به عهده می‌گیرند. اگر زنان به خاطر تبعیت نکردن و گردن نگذاشتن به قوانین و گداهای «حجاب اسلامی» در بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند، در خانه مردانی از خانواده نقش حاکم شرع را بر عهده می‌گیرند. اگر این رژیم زنان را به جرم عشق ورزیدن سنگسار می‌کند، در خانه مردانی هستند که برای حفظ «آبرو»، «غیرت» و «ناموس» حکم قتل آنان را صادر می‌کنند. اگر زنان در جامعه از کنترل و آزار مأمورینِ مواجب‌بگیر این نظام می‌گریزند، در اماکن عمومی از آزار جنسیتی روزمره‌ی بسیاری از مردان، در هراس‌اند. اگر اسیدپاشان برای کنترل زنان و بدن‌شان به «زنان بدحجاب» یورش می‌برند و بر صورت و بدن‌شان برای همه‌ی عمر مهر این خشونت وحشیانه را حک می‌کنند، در خانه خشونت تحمل‌ناپذیر مردانی از خانواده، زنان را وادار به خودسوزی می‌کند، اگر و اگر و... در نتیجه، این همبستگی در بکار بردن خشونت بر زنان که بین دستگاه دولتی ضد زن جمهوری اسلامی و مردان پوشیده در عقاید و ارزش‌های زن‌ستیز در خانه و اجتماع برقرار شده است، سه حلقه‌ی اصلی زنجیر به‌هم پیوسته‌ی خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی علیه زنان است. حلقه‌ی اصلی این زنجیر، خشونت دولتی است که با اشاعه‌ی فرهنگ مردسالارانه، آداب و رسوم

تشکلات انقلابی زنان تنها به موضوع حجاب که مرکز خشونت دولتی علیه زنان در ایران است، محدود نمی‌شود؛ اما این مبارزه راه را برای مبارزه علیه سایر عرصه‌های ستم بر زن در خدمت به آزادی و برابری زنان در همه‌ی حیطه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... هموار می‌کند. کارزار زنان تصمیم گرفت چنان مبارزه‌ای را به مناسبت ۴۰ سال مبارزه و مقاومت زنان علیه حجاب اجباری - و سایر عرصه‌های خشونت بر زنان - سازمان‌دهی کند که بتواند به نیروهای مترقی و مبارز خصوصاً فعالین و تشکلات زنان از ملیت‌های گوناگون نشان دهد که در صحنه‌ی پُر آشوب کنونی در ایران، ما نه در پی «آشتی ملی» با رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی هستیم و نه چشم امید به «مراحم» قدرت‌های امپریالیستی داریم. چرا که از نظر کارزار زنان، تضاد این دو نیروی ارتجاعی با هم هیچ ربطی به منافع زنان و اکثریت توده‌های مردم ایران ندارد.

در همان دوره هم یعنی سال‌های ۲۰۱۸، همه‌ی نیروهای طبقاتی ارتجاعی در پی کسب متحدین بین‌المللی خود از میان فاشیست‌های حاکم بر آمریکا و سایر قدرت‌های امپریالیستی بودند، کارزار زنان اما تلاش کرد متحدین خود را از میان فعالین رادیکال، سازمان‌ها و احزاب مترقی، تشکلات زنان، جنبش ضد نژادپرستی و ضد جنگ... در خدمت به پیش‌روی مبارزات زنان ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی، جستجو کند. در طی برآورده کردن این حمایت و همبستگی بود که کارزار زنان با سوالات جدی از جانب فعالین و به‌طور عمده تشکلات زنان روبه‌رو شد. این تضاد در مقابل ما گذاشته شد که طرح شعار ضدیت با حجاب اجباری می‌تواند ما را در صف نیروهای راست و فاشیست که به زنان محجبه در کشورهای غربی حمله می‌کنند، قرار دهد. برای این که بتوانیم هم تفاوت نگرش خود را در مورد حجاب اجباری با نیروهای راست و فاشیست پیش بگذاریم و هم با نسبیت فرهنگی - که خصوصاً در سه دهه‌ی اخیر از طریق ایدئولوگ‌های امپریالیستی پیش گذاشته شد و بسیاری از فعالین و تشکلات زنان نیز به درجات گوناگون آغشته به این تفکر غلط شده‌اند - مرزبندی کنیم، می‌بایست با بحث و گفتگوی اقناعی نشان می‌دادیم که چرا حجاب اجباری (سکسیسم اسلامی) و سکسیسم دو روی یک سکه‌اند. ما باید روشن می‌کردیم چرا در ایران، تحت سلطه‌ی یک رژیم تئوکراتیک که یکی از ارکان پایه‌ای آن انقیاد زنان است، حجاب اجباری نقشی کلیدی بازی می‌کند؟! و چرا حجاب اجباری به‌عنوان نماد و پرچم ایدئولوژیک - سیاسی این رژیم بر بدن زنان به اهتزاز در آمده است؟! ما توضیح دادیم که این رژیم برای این که بتواند حجاب اجباری را در جامعه نهادینه کند تلاش بی‌وقفه و سیستماتیک انجام داده است؛ تلاش کرده تا نه تنها زنان را وادار به پوشیدن حجاب کند، بلکه مردان را نیز در این کنترل همراه

با سایر عرصه‌های خشونت را بیش از پیش ارتقا دهیم. به همین دلیل بود که نزدیک به دو سال بخشی از فعالین کارزار زنان که در سازمان زنان هشت مارس نیز متشکل‌اند، در مورد علل خشونت‌های گسترده علیه زنان و هم‌چنین نقش و جای‌گاه حجاب، به‌طور سیستماتیک به مطالعه و بحث و گفتگوی هدفمند پرداختند. هدف این بود که نه تنها بر سر نظریات درستی که تاکنون از جانب ما و دیگر فعالین جنبش زنان پیش گذاشته شده است، خود را متکی کنیم، بلکه بتوانیم با تعمیق مباحث خصوصاً در مورد کارکرد حجاب درک‌های صحیح‌تر کنونی را ارتقا دهیم. ارتقا درک در مورد حجاب اجباری و کارکرد آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که بدون آن نمی‌توان در صحنه‌ی عمل در مسیر متحول کردن بی‌شمار زنانی که از حجاب اجباری به ستوه آمده‌اند، مؤثر بود. آنچه به‌طور فشرده و با درکی به مراتب دقیق‌تر در خلال این جلسات فرموله شد، این بود که نه تنها در ایران از طریق حجاب اجباری بدن زنان را تبدیل به ابژه‌ی جنسی کرده‌اند، بلکه بدن زنان در سراسر جهان هر چه بیشتر از گذشته به خاطر غلبه‌ی حاکمیت سرمایه‌داری امپریالیستی به ابژه‌ی جنسی بدل شده است. موضوع دیگری که در این دوره خود را بار دیگر نمایان ساخت این بود که اگر مطالعه و بحث و گفتگوی جمعی در خدمت به پیش‌برد فراخوان مبارزاتی قرار گیرد، می‌تواند نقش مؤثری هم در ارتقای نظریه بازی کند و هم در صحنه‌ی عمل شرایطی را به وجود آورد که بتوان در ابعاد قابل‌اتکایی صحت ایده‌ها را به محک آزمایش بگذارد.

شکل‌گیری کارزار مبارزه با خشونت بر زنان در دوره‌ی انجام گرفت که از یک طرف یک تغییر سیاسی مهم در آمریکا با قدرت‌گیری رژیم فاشیستی ترامپ به وجود آمد که منجر به مبارزات گوناگون از جانب اقشار و طبقات مختلف مردم و خصوصاً زنان در آن کشور و سایر کشورها شد. از طرف دیگر جامعه‌ی ایران آبستن تحولات مهمی بود که خیزش توده‌های محروم در دی‌ماه ۹۶ نقطه‌ی عطف آن بود. این شرایط عینی شکل گرفته بود که فشرده‌ی چهار سال مبارزه و مقاومت زنان علیه حجاب اجباری، زنان خیابان انقلاب را پدید آورد. علاوه بر این، زنان در سایر مبارزات به وسعت کل جامعه نقش پر قدرتی داشتند.

حاصل جلسات متعدد بحث و گفتگو در آغاز شکل‌گیری کارزار مبارزه با خشونت علیه زنان، تصمیم به برگزاری چهلمین سالگرد خیزش زنان علیه حجاب اجباری شد. رفتیم تا توان جمعی‌مان را برای برگزاری یک برنامه‌ی مرکزی بکار گیریم تا بتوانیم پیوند گسست‌ناپذیر مبارزات زنان در ۸ مارس ۵۷ علیه حجاب اجباری را با زنان خیابان انقلاب به جنبش جهانی زنان و همه‌ی نیروها، فعالین و تشکلات مبارز و مترقی نشان دهیم. نشان دهیم که درک ما و مبارزه‌ی ما علیه ستم جنسیتی و وظایف

در جامعه نهادینه می‌شود که هر مردی می‌تواند از هر زنی لذت جنسی ببرد و بدن زن سوراخی است که مردان حق تصرف آن را دارند؛ حتا به زور. این تأثیر فرهنگی علاوه بر سود کلانی است که سرمایه‌داران با سازمان‌دهی تجارت سکس از آن بهره‌ی زیادی می‌برند. از طرف دیگر، سرمایه‌داری امپریالیستی از طریق کنترل بر بدن زن و تقویت رابطه‌ی مالکیت مرد بر زن است که قادر می‌شود زمینه‌های استثمار و فوق استثمار زنان در سطح جهان خصوصاً در کشورهای موسوم به جهان سوم را مهیا سازد. هر چقدر کنترل بر بدن زنان و در انقیاد قرار گرفتن زنان توسط مردان در جامعه، در فکر و عمل انسان‌ها نهادینه شود، روابط مردسالارانه تقویت و سرمایه‌داری در خدمت به بقا و پیشرفت خود از آن سود خواهد برد.

همچنین تلاش کردیم توضیح دهیم چرا درخواست همبستگی از جنبش جهانی زنان برای ما نه مبتنی بر ناسیونالیسم است نه مبتنی بر ارجحیت خواسته‌های زنان در ایران بر خواسته‌های سایر زنان دنیا و نه مبتنی بر عدم توانایی زنان ایران در رویارویی با رژیم جمهوری اسلامی. هر چند زنان ایران امروزه در موقعیتی نسبتاً مشابه زنان افغانستان و عراق پیش از جنگ‌های امپریالیستی در خاورمیانه قرار دارند که خواسته‌های بر حق‌شان تبدیل به دست‌آویزی برای پروپگاندای سیاسی و مشروعیت بخشی به دخالت‌های امپریالیستی شده و در این موقعیت عمیقاً نیاز دارند تا خواهران‌شان در سراسر جهان صدای واقعی آن‌ها را با شعار «نه به نام ما!» تقویت کنند؛ اما این درخواست همبستگی مبتنی بر اهمیت ویژه‌ی مبارزات زنان ایران در این مقطع تاریخی نیز هست، چون تقویت مبارزه‌ی انقلابی زنان ایران بر علیه یک رژیم تئوکراتیک و در مرزبندی با هرگونه دخالت امپریالیستی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی می‌تواند موجب پیشروی عظیم جنبش زنان در خاورمیانه و حتا در کشورهای غربی در مقابله با بنیادگرایی مذهبی و خلع سلاح نیروهای امپریالیستی و فاشیستی برای استفاده از این قطب‌بندی سیاسی شود.

و همگام خود کرده است؛ تلاش کرده تا در تمام این سالها با اعزام نیروهای سرکوبگر به جامعه، با استفاده از نیروی نظامی و بودجه‌ی دولتی، نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک، نیروهای شبه نظامی و نهادهای فرهنگی و... فرهنگ و روابط مردسالارانه‌ی مبتنی بر شرع را در تمام درزهای جامعه نهادینه کند تا از طریق کنترل بر بدن زنان، آنان را به موجوداتی مطیع و فرمان‌بردار بدل نماید. حاکمیت اسلامی قصد داشت از زنان «انسان‌هایی» بسازد که نه تنها از بدن خود شرم دارند بلکه به خود به عنوان دستگاه تولید مثل و ابزار رفع تمایلات جنسی مردان نگاه کنند؛ موجوداتی که در خانه و جامعه به عنوان یک زن حضور مستقلی ندارند بلکه صرفاً به عنوان مادر، همسر، خواهر و... در ارتباط با مردان تعریف می‌شوند. در واقع از طریق اجباری کردن حجاب بود که این رژیم تلاش کرد بدن زنان را هرچه بیشتر تبدیل به کالای جنسی مورد کنترل دولت (تئوکراتیک) و مردان جامعه کند.

ما در این پروسه توضیح دادیم تحلیل ما صرفاً مبتنی به وضعیت زنان در ایران نیست و وضعیت زنان در ایران را بخشی از موقعیت زنان در جهان می‌بینیم. ما با یک پدیده‌ی جهانی روبه‌رو هستیم که تأثیرات خاصی در هر منطقه داشته است. قطعاً با رشد گلوبالیزاسیون در سطح جهان، فرودستی زنان نیز ابعاد هولناک‌تری به خود گرفته است. هر چقدر زنان و بدن‌شان از طریق قانون، سنت، فرهنگ، عرف و... مورد کنترل قرار گیرد، شرایط برای کسب سود در خدمت به امپریالیست‌ها مهیاتر خواهد بود. امروزه در سطح جهان از کشورهای پیشرفته‌ی غربی گرفته تا کشورهای عقب نگاه داشته شده، بدن زنان فارغ از طبقه، ملیت، مذهب، «نژاد»، گرایش جنسی و... به کالای جنسی بدل شده است. شکل بارز کنترل بر این ابژه (کالای) جنسی در کشوری مانند ایران در حجاب اجباری و در کشورهای غربی در پورنوگرافی، تجارت سکس و مشخصاً در جلوگیری از سقط جنین نمایان می‌گردد. زمانی که در پورنوگرافی این‌طور تبلیغ (و تشویق) می‌شود که بدن زن به مثابه‌ی کالایی است که باید مورد مصرف مردان قرار گیرد، این فرهنگ



کارزار زنان با جلب این همبستگی بین‌المللی از جانب فعالین و تشکلات مبارز و مترقی زنان از ملیت‌های گوناگون در حمایت فعال از مبارزات زنان ایران و مبارزه و مقاومت چهل‌ساله آنان، نشان داد که در نقطه‌ی مقابل کسانی قرار دارد که امروزه با تمام قوا در پی کسب حمایت از قدرت‌های امپریالیستی خصوصاً آمریکا برای «نجات» زنان و مردم ایران هستند. اینان تلاش دارند از مبارزات زنان و به‌طور مشخص زنان خیابان انقلاب به نفع طبقه‌ی ارتجاعی خود در محافل امپریالیستی و رسانه‌های‌شان استفاده کنند.

برخلاف این دسته از زنان و کلیه‌ی نیروهای ارتجاعی متکی به آمریکا و سایر قدرت‌های امپریالیستی، کارزار زنان در روز ۸ مارس در مقابل سفارت آمریکا در بروکسل تلاش کرد صدای مردم ایران و میلیون‌ها زنی باشد که مخالف تحریم، جنگ و تجاوز نظامی آمریکا و شرکا به کشورهای جهان از جمله ایران هستند و جنگ‌طلبی ترامپ و دار و دسته‌ی فاشیست‌اش تحت عنوان «حمایت» از مردم و زنان ایران را دروغ بزرگی می‌دانند. چراکه ترامپ و رژیم‌اش، از سردمداران فاشیست حفظ سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی مبتنی بر سود، زن‌ستیز و ضد توده‌های مردم نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان هستند.

کارزار زنان در طول دو سال فعالیت سیاسی و عملی خود توانست به شکل آگاهانه‌ای تدارک ببیند تا بتواند زنانی که در خیزش ۵۷ حضور فعال داشتند را در کنار زنان جوانی که در این سال‌ها در برابر حجاب اجباری مبارزه و مقاومت کرده‌اند را با خود همراه کند تا به راستی صدای مبارزه و مقاومت ۴۰ ساله‌ی زنان علیه رژیم جمهوری اسلامی را تقویت نماید. این همراهی هم در پیام‌های ارسالی به کارزار زنان منعکس شد؛ و هم در نقش‌آفرینی بسیاری از این زنان در گسترش نظرات و فراخوان راه‌پیمایی سه روزه‌ی کارزار زنان به مناسبت چهلمین سالگرد خیزش زنان علیه حجاب اجباری.

**در عین حال کارزار زنان با پیش گذاشتن موضوع ستم بر زن و نقش جنسیت در سیستم سرکوب، شکنجه و اعدام در ساختار رژیم جمهوری اسلامی، نقش زنان زندانی سیاسی را برجسته کرده و تلاش کرد تا درک درستی از پیوند گسست‌ناپذیر بین جنبش دادخواهی و جنبش زنان پیش بگذارد.** بر اساس چنین درکی تلاش کردیم زنانی از جنبش دادخواهی را با خود همراه کنیم تا با افشای هر چه بیشتر رژیم زن‌ستیز و سرکوبگر جمهوری اسلامی در افکار عمومی بتوانیم جنبش زنان و جنبش دادخواهی را تقویت نماییم. شرکت فعال شعله پاکروان در دومین روز راه‌پیمایی کارزار زنان در دن‌هاگ (هلند) و سخنرانی او در محکومیت رژیم اعدام و شکنجه در این راستا قرار داشت.

با علم به دستاوردهای تاریخی که ۴۰ سال مبارزه و مقاومت زنان ایران در مقابل ما قرار داده بود و خصوصاً درس‌های خیزش زنان سال ۵۷ تلاش کردیم این کمبودها و درس‌ها را به‌درستی تحلیل، جذب و در اختیار جنبش قرار دهیم. ما با تکیه بر همین درک تأکید داشتیم که مبارزه علیه حجاب اجباری و تقویت مقاومت و مبارزه‌ی ۴۰ ساله‌ی زنان ایران توسط نیروها، فعالین و تشکلات مترقی ایرانی و غیر ایرانی، جای‌گاه مهمی در پیشروی جنبش جهانی زنان بازی خواهد کرد. همان‌طور که خیزش زنان علیه حجاب اجباری هم‌زمان با ۸ مارس ۵۷ نقش بی‌بدیلی نه تنها در سطح ایران و خاورمیانه بلکه در سطح جهان بازی کرده است. بی‌دلیل نبود که به درخواست سیمون دوبووار، کیت میل و شماری از زنان فمینیست مبارز در آن دوره راهی ایران شدند تا در مبارزات زنان علیه حجاب اجباری شرکت کنند و نقش بزرگی در ثبت و طرح این مبارزه بازی کردند؛ اما ما معتقدیم هنوز درس‌های این مبارزه‌ی تاریخی در جنبش زنان ایران و جهان درک و جذب نشده است و چالش‌هایی که آن روز در مقابل جنبش زنان در ایران قرار داشت هنوز پاسخی درخور دریافت نکرده است... نتیجه‌ی تمام بحث و گفتگوهای این دوره در درون و بیرون صفوف کارزار این شد که بسیاری از فعالین و تشکلات زنان (و دیگر نیروهای مبارز) برای پیش‌برد مبارزه با کارزار زنان متحد یا همراه شدند؛ اما برخی از فعالین و تشکلات زنان تحت عناوین مختلف از حمایت خودداری کردند. در واقع کارزار زنان با پیش‌برد مباحث جدی و تأثیرگذار قادر شد همه‌ی کسانی را که می‌توانست با خود متحد نماید. تبلور چشم‌گیر این اتحاد خود را در هامبورگ (آلمان)، در دن‌هاگ (هلند) و بروکسل (بلژیک) نمایان ساخت. ما در بروکسل که به‌عنوان نقطه‌ی پایان راه‌پیمایی سه روزه‌ی کارزار در روز جهانی زن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، موفق شدیم که موضوع زنان ایران و چهل سال مبارزه و مقاومت آنان علیه حجاب اجباری و سایر عرصه‌های ستم را در دستور برنامه‌ی سیاسی امسال سازمان‌دهندگان تظاهرات روز جهانی زن (۸ مارس ۲۰۱۹) - که ائتلافی از تشکلات مختلف زنان بود - قرار دهیم. این همبستگی و حمایت فعالین و تشکلات زنان خصوصاً یکی از دستاوردهای مهمی است که کارزار زنان از طریق پیش‌برد مبارزه‌ی نظری و عملی بدان دست پیدا کرد و مسلم است که باید در پروسه‌ی مبارزاتی آینده این پیوند نظری و عملی را عمیق‌تر و گسترده‌تر نمود.

همبستگی و حمایت فعال زنان مبارزی از افغانستان - زنانی که تجربه‌ی خشونت افسارگسیخته‌ی بنیادگرایان اسلامی از جهادی، طالب و... جمهوری اسلامی ایران گرفته تا رژیم وابسته به امپریالیسم را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند - در دومین روز راه‌پیمایی در دن‌هاگ (هلند) به روشنی نشان می‌دهد که زنان در سراسر جهان هم سرنوشت‌اند و پیش‌روی مبارزه‌ی زنان در هر نقطه از این جهان را پیش‌روی کل جنبش جهانی علیه روابط و مناسبات مردسالار سرمایه‌داری می‌دانند.

همه و همه این فعالیت‌های نظری و عملی باعث شد که تعداد قابل ملاحظه‌ای از فعالین و تشکلات مترقی زنان از ملیت‌های گوناگون و هم‌چنین زنان و مردان مبارز از ایران و افغانستان در سه روز راه‌پیمایی به مناسب چهل‌مین سالگرد خیزش زنان علیه حجاب اجباری با شعار «حجاب اجباری مرکز خشونت دولتی علیه زنان در ایران است!» در هامبورگ، دن‌هاگ، بروکسل و اسکیشهر (ترکیه)، مونترال (کانادا) به خیابان آمدند و هم‌چنین تعدادی از انجمن‌ها و تشکلات زنان نیز در همبستگی با کارزار زنان در برنامه‌های روز جهانی زن در واشنگتن، لس‌آنجلس، ونکوور و... از کارزار اعلام حمایت کردند تا در این مبارزه سهم بگیرند و این‌چنین باعث شوند که صدای زنان ایران، صدای میلیون‌ها زن منجر از حجاب اجباری به‌طور رساتر منعکس شود. سازمان زنان هشت مارس، نشریه هشت مارس شماره ۴۷ را به سه روز راه‌پیمایی کارزار مبارزه با خشونت بر زنان اختصاص داد. اختصاص یک شماره نشریه به کارزار زنان و بویژه سه روز راه‌پیمایی به مناسبت چهل‌مین سالگرد خیزش زنان در ۸ مارس ۵۷، در خدمت به این امر مهم بود که نه تنها بتوانیم از مبارزات‌مان و موفقیتی که حاصل شده است، تجلیل کنیم، بلکه این تجربه‌ی تاریخی را مستند کرده و بتوانیم با درس‌گیری از نقاط قوت و ضعفش مبارزات آینده را در خدمت به پیش‌روی مبارزات انقلابی زنان و به‌طور کل مبارزات انقلابی در جامعه سازمان‌دهی کنیم. خصوصاً در جهانی که با حاکمیت ستم‌گران و استثمارکننده‌گان مردسالار سرمایه‌داری امپریالیستی و همه‌ی مرتجعین رنگارنگ و نیروهای بنیادگرای مذهبی ضد زن، مبارزات نیروهای انقلابی و به‌طور مشخص زنان انقلابی نادیده گرفته شده و تحقیر می‌شود تا مبادا این مبارزات رشد کرده و زمینه‌های سرنگونی‌شان را بیش از پیش مهیا گرداند.

مجموع فعالیت‌های نظری و عملی جمع فعالین، همراهان و دوست‌داران کارزار زنان، چه ایرانی و چه از ملیت‌های گوناگون، دخالت آگاهانه و نقش گرفتن برخی مردان در پیش‌روی نظرات و فراخوان سه روز راه‌پیمایی کارزار زنان، باعث شد فضا به درجات زیادی به نفع نظریه و عمل زنان انقلابی در جنبش زنان تغییر کند. فضایی که علی‌رغم تغییر روحیه‌ی مبارزاتی - که عموماً در نتیجه‌ی مبارزه‌ی توده‌های ستم‌دیده - در میان بسیاری از نیروها، احزاب و سازمان‌های مترقی ضد رژیم به وجود آمده است، اما متأسفانه و کماکان از همان درک غلط دیرینه - در مورد موضوع مبارزه علیه ستم بر زن به‌طور کلی و جای‌گاه مبارزه علیه حجاب اجباری به شکل خاص - برخوردار است، این معضل ریشه‌دار بار دیگر در همین دوره‌ی اخیر با طرح انواع و اقسام توجیهات، به شکل عملی و نظری خود را نشان داد؛ اما کارزار زنان با پیش گذاشتن ایده‌های انقلابی و پیش‌برد مبارزه‌ی عملی در کشورهای مختلف توانست به درجات زیادی روحیه‌ی مبارزاتی را حتا در بین این دسته از نیروها بالا ببرد.

در نتیجه‌ی تغییر همین فضا و شرایط بود که پیام‌های انرژی‌بخش فراوانی به وسعت تبعید و پیام‌های امیدبخشی از ایران، در همبستگی با کارزار زنان ارسال شد. بی‌دلیل نبود که وقتی سایت گزارشگران در حمایت از کارزار زنان، فراخوان پیوستن به کارزار را مدتی طولانی در سایت خود درج و حول آن تبلیغ کرد، بسیاری از زنان و مردان مبارز، مترقی، انقلابی و کمونیست همبستگی خود را با امضا کردن این فراخوان اعلام کردند. بی‌جهت نبود که بسیاری از تلویزیون‌ها و رادیوهای ضد رژیم جمهوری اسلامی، تلاش کردند تا با مصاحبه با برخی از فعالین کارزار بر سر اهداف کارزار زنان به‌طور کل و سازمان‌دهی سه روز راه‌پیمایی، حمایت خود را نشان دهند. بی‌جهت نبود که بسیاری از هنرمندان مرد و زن در این دوره حمایت خود را با ارسال شعر، نقاشی و پیام اعلام کردند.



## نشریه هشت مارس :



سازمان ما تا کنون قادر شده است ۵۹ شماره نشریه هشت مارس را منتشر کند. در تمام بیست و پنج سال گذشته تلاش کردیم نشریه هشت مارس که تنها نشریه زنان افغانستان و ایران است، منعکس کننده صدای انقلابی زنان در هر دو کشور و در پیوند با زنان مبارزاتشان در سراسر جهان باشد.

تلاش کردیم به موضوع ریشه ستم بر زن که ربط مستقیم به نظام طبقاتی سرمایه داری مردسالار حاکم بر جهان دارد بپردازیم و در همان حال راه برون رفت از آن که سرنگونی انقلابی نظام‌های حاکم بر ایران و افغانستان است را پیش گذاریم.

این یک واقعیت است که زنان خود به خود به آگاهی انقلابی دست پیدا نمی‌کنند. درست است که میلیون‌ها زن هر روزه با گوشت و پوست خود این ستم را تجربه می‌کنند و بسیاری از آنان علیه آن دست به شورش می‌زنند؛ اما آگاهی داشتن از علل و ریشه‌های ستم و چگونگی رفع آن می‌تواند از طریق نشریات انقلابی زنان هم چون نشریه هشت مارس و فعالینی که به گرد آن فعالیت می‌کنند به میان توده‌های زن بویژه شورشگران آن برده و سطح آگاهی آنان را برای پیشبرد امر مبارزه هدفمند ارتقا دهد.

وقتی زنان به این امر واقف شوند که آن چه بر سر آنان می‌آید نتیجه‌ی کارکرد یک نظام است؛ و مهم‌تر وقتی به این امر آگاه شوند که می‌توانند با سرنگون کردن این سیستم که آنان را این چنین اسیر کرده است، وضع را به‌طور ریشه‌ای عوض کنند، آن‌گاه انرژی آنان هزاران بار بیشتر آزاد شده و میل به یادگیری و اشاعه‌ی آن در جامعه و میل به تغییر این اوضاع، به شکل قدرتمندتری در خواهد آمد.

رژیم‌های زن ستیز بنیادگرای مذهبی حاکم بر ایران و افغانستان و کل نظام سرمایه‌داری امپریالیستی حاکم بر جهان، به طرق گوناگون تلاش داشته و دارند که در بین مردم ذهنیتی را شکل بدهند که نشان دهند نظام‌شان پر قدرت است، خصوصاً این که در صحنه‌ی مبارزه، بدیل انقلابی و قابل اتکایی هم موجود نیست. اما مبارزه مردم ستمدیده در ایران و به‌طور مشخص مبارزه متهمواره زنان در خیزش ژینا و هم‌چنین مبارزه زنان در افغانستان علیه طالبان، علیرغم همه سرکوب‌ها و خشونت‌های بی‌رحمانه، نشان داد که می‌توان به مقابله با تمام دم و دستگاه عریض و طویل سرکوب پرداخت. زمانی که این میل مبارزه با آگاهی انقلابی عجین شود، آنگاه مبارزه علیه دشمن کاری تر و هدفمندتر پیش می‌رود.

در بیست و پنج سال گذشته با بپای ارتقا نظراتمان در اثر مبارزه نظری و عملی در سطح افغانستان و ایران و سراسر جهان توسط زنان، توانستیم آن را در عمق‌یابی نظری نشریه هشت مارس منعکس کنیم و

در اختیار جنبش زنان در هر دو کشور قرار دهیم. تلاش کردیم ماهیت رژیم‌های ضد زن و ضد مردمی را افشا کرده و این حقیقت را پیش گذاریم که با آگاهی انقلابی و متشکل شدن و در اتحاد با توده‌های وسیع زنان و مردم به طور کل و سازمان‌های مبارز و انقلابی، می‌توان در راه پرپیچ و خم اما رهایی بخش انقلاب، برای خلاصی از هر شکل از ستم جنسیتی و به طور کل ستم و استثمار گام برداریم.

یکی از وظایف نشریه هشت مارس در بیست و پنج سال گذشته افشا و مبارزه با دیدگاه‌ها و گرایش‌های غلط و انحرافی که تلاش داشته و دارند از مبارزات زنان استفاده کرده و آن را در چارچوب نظام‌های حاکم در افغانستان و ایران محصور کنند، بوده است. گرایش‌هایی که هم اکنون نیز هم‌چنان هم در ایران با تمام تحولاتی که در نتیجه مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و ادامه‌یابی آن ایجاد شده و هم در افغانستان با وجود مبارزاتی که زنان علیه طالبان پیش می‌برند؛ تلاش دارند دامنه مبارزه زنان را محدود کرده مسیر مبارزه را منحرف گردانده، از عمق‌یابی آن جلوگیری کنند و آن را در چارچوب حفظ سیستم پدر/مردسالار محبوس نمایند.

باید به این مسئله هم بپردازیم که بار تئوریک نشریه عمیق و عمیق‌تر شده است و انعکاس آن را می‌توان در اکثر مقالاتی که در نشریه منعکس شده، دید. علاوه بر این تکامل نظری، تلاش کردیم برای خاص کردن ستم وارده بر زنان مثل حجاب اجباری، ضرب و شتم، پورنوگرافی، تجاوز، تن‌فروشی، کودک همسری، حضانت، طلاق، تخریب محیط زیست و تاثیرات آن بر زندگی زنان و... علاوه بر نظرات فعالین و یا دوستداران این نشریه از زنان فمینیست مبارزی که در بسیاری از این زمینه‌ها در دهه‌ی ۷۰ فعالیت نظری می‌کردند، نیز بهره گیریم. اگرچه ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که انتشار نظریه‌ی این بخش از زنان فمینیست به معنای این نیست که هیئت تحریریه‌ی هشت مارس و کلاً تشکل ما با نقطه نظرات این زنان فمینیست در همه‌ی زمینه‌ها توافق نظری داشته است. هر زمان که نیاز به ذکر تفاوت نگرش ما بوده است، نظراتمان را پیش گذاشته‌ایم.

## بالا رفتن درک از نیاز به تشکیلات زنان:

طی سال‌ها ما بر این امر مهم پافشاری کردیم که زنان همانند هر گروه اجتماعی تحت ستم دیگری، نیاز به ظرف مبارزاتی خود دارند. تلاش کردیم روشن کنیم که هدف از متشکل شدن در تشکلات انقلابی زنان هم‌چون سازمان زنان هشت مارس، این است که بر پایه‌ی مبارزه علیه ستم جنسیتی بتوان شرایط پیوستن بیشمار زنانی که از ستم و خشونت بر خود به ستوه آمده‌اند را به مبارزه برای تغییر این شرایط، هموار ساخت. در عین حال بتوانند هم‌راه با سایر ستم‌دیدگان و سازمان‌ها و احزاب مبارز، بخشی از کار تغییر این جهان را در دست گیرند. وقتی عده‌ای به گرد هدف مشترکی متشکل می‌شوند، کیفیت نوینی را بوجود می‌آورند و با فعالیت‌های فردی انقلابی، تفاوت کیفی دارد. آغاز گران تشکیلات انقلابی زنان نیز همانند بسیاری دیگر از تشکلات اقشار و طبقات تحت ستم، در ابتدا از اقلیت کوچکی تشکیل می‌شوند. اقلیتی که برای گسترش خود نیاز دارند از استحکام نظری و عملی بالایی برخوردار باشند تا بتوانند علیه اشکال ریشه دار و نهادینه شده پدر/مردسالاری مبارزه کنند. در حقیقت زنان متشکل انقلابی باید خلاف جریان حرکت کنند تا بتوانند در روند تحولات موثر واقع شوند و بتوانند موضوع ستم بر زن و راه‌هایی از آن را به موضوعی همگانی بدل کنند.

یکی از دستاوردهای مهم خیزش ژینا در ایران و مبارزات زنان علیه طالبان در افغانستان این است که خواست تشکلیابی زنان را بیش از پیش، به میان آورده است. زنان پیشرو و مبارز در هر دو کشور به این امر حیاتی به درجات مهمی دست یافته‌اند که با ایجاد تشکلات مستقل و انقلابی زنان است که می‌توان با طرح خواست‌های زنان، از یک طرف زمینه را برای جلب و متشکل کردن توده‌ای زنان برای پیشبرد امر مبارزه فراهم کرد و از طرف دیگر با مبارزات گوناگون، برنامه ریزی‌های هدفمند و طرح شعارها و خواست‌های زنان در جامعه و مبارزات گوناگون، رفع ستم بر زن را به موضوعی حیاتی برای پیشروی مبارزه در جهت رفع هر شکل از ستم و استثمار بدل کرد.

## فعالیت در شبکه‌های مجازی:

ایدئولوژی‌هایی که به انقیاد هر چه بیشتر زنان در اشکالی «نوبین» دامن می‌زند را تبلیغ می‌نمایند، رسوا نموده و راه‌حل‌های انحرافی آنان را واکاوی و ابعاد خائنانه آن را آشکار نمایند.

طبیعتاً با قتل حکومتی ژینا و آغاز خیزش انقلابی زنان و سایر اقشار زحمتکش و ستم دیده در ایران، که هم‌زمان با تشدید سرکوب زنان توسط طالبان در افغانستان به پیش می‌رفت؛ فعالیت‌های حضوری و مجازی سازمان زنان هشت مارس هم وارد مرحله نوینی شد و هم‌گام با زنان و مردان، جوان و پیر، پیشرو و مبارز، در مدارس، خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و خلاصه در همه عرصه‌های مختلف اجتماعی؛ فعالین هشت مارس هم جهش بزرگی به فعالیت‌های خود دادند.

در این فعالیت‌های حضوری و مجازی، سازمان زنان هشت مارس، با تمام قوا در کشورهای مختلف جهان، با انعکاس گسترده مبارزات داخل، ارتباط گیری با زنان مترقی در ایران و افغانستان، ترتیب دادن گردهم آبی‌ها و تظاهرات‌ها در حمایت از مبارزات زنان و سایر اقشار انقلابی در ایران و افغانستان با هدف بلند کردن صدای زنان داخل و جلب حمایت زنان پیشرو و سایر نیروهای رادیکال در خارج از کشور، حمایت از: حجاب سوزان، مبارزه با حجاب اجباری، شعارنویسی با مضامین سرنگونی طلبانه، ضد مردسالاری، مبارزه با فقر و فساد و گرانی، مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی؛ با انتشار بیانیه‌های مختلف و اعلام موضع بر سر شرایط مبارزاتی در داخل و خارج از کشور؛ تمام قد در کنار زنان مبارز ایران و افغانستان و سایر نیروهای مبارز، ایستاد و تلاش کرد در حد توان خود، روی سمت و سوی انقلابی دادن به این مبارزات، نقش بگیرد.

برای سازمان زنان هشت مارس همواره حضور مستقیم و فیزیکی در گردهم آبی‌ها و تظاهرات در خیابان‌ها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده؛ اما از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی هم غافل نبوده است. با شروع همه‌گیری کرونا و محدود شدن امکانات گردهم آبی و آکسیون‌های خیابانی، برای سازمان زنان هشت مارس هم مانند سایر فعالین جنبش‌های مختلف در سراسر دنیا، فعالیت‌های آنلاین گسترش بیشتری یافت و علاوه بر سایت «هشت مارس» که در تمامی ۲۵ سال گذشته، ستون اصلی ارتباطات اینترنتی ما بوده است، کار در شبکه‌هایی مثل تلگرام، توئیتر (X)، اینستاگرام و فیس‌بوک تمرکز بیشتری پیدا کرده و فعالانه‌تر از گذشته ادامه یافت.

سازمان ما تلاش کرد از طریق این کانال‌ها ارتباط خود را با زنان در سراسر جهان گسترده‌تر و توده‌ای‌تر ساخته و خط انقلابی و رادیکال خود را به عنوان جهت‌گیری‌هایی بخش در مقابل جنبش زنان قرار دهد.

کانال تلگرام «هشت مارس» به عنوان یکی از فعالیت‌های مجازی محوری این سازمان، روزانه گزیده‌ای از اخبار مبارزاتی، به ویژه اخباری که به وضعیت زنان مربوط می‌شوند را انتخاب کرده و با پیش گذاشتن تحلیل‌های مربوطه خود در چند جمله، تلاش می‌کند که نه تنها ابعاد و اشکال مختلف ستم و سرکوب حکومتی را افشا و مبارزه انقلابی و رادیکال با آن را به عنوان یگانه راه رسیدن به برابری و رهایی، پیش روی زنان و سایر ستم‌دیدگان قرار دهد؛ بلکه انواع و اقسام نیروهای مرتجع‌ی که با ادعای حمایت از زنان و مبارزات آنان، عقب افتاده‌ترین

مخاطبین واقعی ما را زنان و اقشار زحمتکش و تحت ستم تشکیل می‌دهند و باز خورد این دسته از مراجعین به کانال‌های مجازی ما است که برای ما اهمیت دارد و باعث دلگرمی ما می‌شود.

فیس‌بوک هشت مارس نیز به نسبت گذشته فعال‌تر بوده است و تقریباً هر روز پست‌های منتشر شده در کانال تلگرام را منعکس کرده است. در عین این که برخی از موضع‌گیری‌های لازم بر سر موضوعاتی که عکس‌العمل فوری طلب می‌کرده است از طریق فیس‌بوک پیش برده شده است. بعنوان مثال: اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون «مقام زن» سازمان ملل، اتوبوسی که قراه با رادار قدرت‌های امپریالیستی براه بیفتد....

اینستاگرام سازمان زنان هشت مارس با فعالیتی که از قبل شد و در چند ماه اخیر و توسط فعالیت متمرکزتر رفا برای بالا بردن تعداد بیننده‌ها و دنبال‌کنندگان، بهتر شده و تعداد کسانی که از پست‌های ما استقبال می‌کنند و یا نظر می‌دهند بالا رفته است؛ اما کماکان دنبال‌کنندگان پائین است و به همین نسبت نیز پست‌ها کمتر دیده و خوانده می‌شوند. این معضلی است که باید بتوانیم با اتکا جمعی آن را برطرف کنیم.

توییتر (X) سازمان زنان هشت مارس هم عمدتاً پست‌های کانال تلگرام هشت مارس و کارزار را منتشر می‌کند. تلاش شده است که تعداد دنبال‌کنندگان بالا برده شود. برخی از پست‌ها بسیار خوب مورد استقبال و پخش قرار گرفته است. این عرصه از فعالیت ما نیز، نیاز به فعالیت متمرکزتر دارد تا بتواند افراد بیشتر و بیشتری را با نگرش ما آشنا سازد.

در طول حیات سازمان، جلسات پالتاکی با دعوت عمومی بر سر موضوعات سیاسی و اجتماعی روز و اغلب با تمرکز بر سر معضلات و مبارزات زنان، همواره یکی از فعالیت‌های سازمان زنان هشت مارس بوده است. در دو سال گذشته، به ویژه در یک سال اخیر، به دلیل حساسیت بیشتر مبارزاتی در داخل و خارج کشور، این فعالیت به شکل متداوم‌تر و مکررتر از گذشته و از طریق کلاب‌هاوس «نشریه هشت مارس» و «سازمان زنان هشت مارس» صورت گرفته که با استقبال خوبی از طرف مخاطبین در داخل کشورهای ایران و افغانستان و در بین مخاطبین فارسی زبان در خارج از این کشورها، روبرو شده و به مباحثات و گفتگوهای پُر بار و پر محتوایی بر سر موضوعات مهم روز دامن زده است. گفتگوهایی که در آن تلاش کردیم، آنچه را که می‌دانیم با مخاطبین‌مان در میان بگذاریم و توانستیم از آنان بسیار بیاموزیم. در عین حال برخی از زنان مبارز و انقلابی که با موضع‌گیری‌های سازمان ما سمت‌گیری دارند نیز به حول مقالات و بیانیه‌های متعدد سازمان زنان هشت مارس در کلاب‌هاوس خود هم‌چون: «آزادی و حق زن از دید زن» جلساتی را برگزار کردند.

فیس‌بوک، توییتر (X) و اینستاگرام هشت مارس هم زمینه‌های دیگری از فعالیت‌های مجازی سازمان هشت مارس هستند که به ویژه در یک سال گذشته بسیار فعال بوده و هر یک از این کانال‌ها توانسته‌اند ارتباطات خوبی را با مخاطبین خود برقرار سازند. البته طبیعی است وقتی که ایدئولوژی‌های ارتجاعی و مردسالاری در جهان حاکم باشند، خط و موضع یک نیروی زنان انقلابی که هم‌زمان با ارتجاع و امپریالیسم در داخل و خارج از کشور می‌جنگد، با چالش‌های فراوانی دست و پنج نرم می‌کند و مورد هجوم نیروهای زنستیز و مرتجع قرار می‌گیرد؛ ولی

## جلسات مطالعاتی:

### «بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی هم نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

سازمان زنان هشت مارس هم بنا بر شرایط و توان خود در دوره‌های مختلف تلاش بی‌وقفه کرده به این ضرورت به اشکال مختلف پاسخ دهد. در سال‌های اولیه که امکان استفاده از فضای مجازی در این شکل و ابعاد موجود نبود، ما امر آگاهی و مطالعه‌ی جمعی را در جلسات حضوری و با موضوعاتی از پیش تعیین شده پیش می‌بردیم. اما با تغییر شرایط و امکانات فضای مجازی تلاش شد، جلسات مطالعاتی هفتگی از طریق فضای مجازی بخصوص از سال‌های ۲۰۱۱ و تا به کنون به طور منظم و با برنامه ریزی حساب شده پیش برده شود.

تئوری را باید به صورت جدی، منسجم، پی‌گیر و با تکیه بر متدولوژی صحیح علمی، هم باید یاد گرفت و آموخت و هم ارتقا داد. در غیر این صورت عمل انقلابی ما هر چقدر هم فداکارانه و پرشور باشد نمی‌تواند به نتایج مطلوب برسد. به همین دلیل تشکل ما همواره بر این اصل درست پافشاری کرده است که بالا بردن آگاهی یکی از شروط ضروری برای سازمان دهی هر عمل انقلابی است. این کار در مورد زنان اهمیت به مراتب بالاتری پیدا می‌کند. چرا؟ چون تقسیم کار جنسیتی بین زن و مرد بطور تاریخی به یک تقسیم کار فکری و یدی بین زنان و مردان هم پا داده است که نمی‌توان یک شبه، بدون تدارک آگاهانه آن را بر هم زد.



ما از همان ابتدای شکل گیری جلسات مطالعاتی روشن کردیم که این جلسات در خدمت بالا بردن سطح آگاهی اعضا و دستداران سازمان زنان هشت مارس است و به همین دلیل تلاش کردیم علاوه بر اعضای هشت مارس، زنانی که به این سازمان نزدیک هستند را نیز به این جلسات در صورت خواست مطالعه و بالا بردن سطح آگاهی خود برای پیشبرد مبارزه، دعوت کنیم.

آن چه که ما را قادر کرده است علیرغم مشکلات و مسائل گوناگون این جلسات را پیگیرانه و مسئولانه پیش ببریم علاوه بر این موضوع که ارتقای سطح آگاهی زنان را شرط ضروری برای ادامه‌یابی هر شکل از فعالیت انقلابی می‌دانیم، داشتن دیسپلین و نظم انقلابی نیز از دلایل اصلی ادامه‌یابی جلسات مطالعاتی می‌باشد. ما بر این اصل معتقد بوده و هستیم که هیچ فعالیت مبارزاتی بدون نظم و دیسپلین انقلابی پیش نخواهد رفت.

تلاش کردیم از همان سال‌های شکل گیری این سازمان تا کنون با سازماندهی جلسات مطالعاتی چه بشکل حضوری و چه مجازی، فضایی را مهیا سازیم که بتوانیم بدور از هیرارشی مردانه، فرصت ابراز و تبادل نظر، خلاقیت‌های فکری زنان شرکت کننده پیش گذاشته شود و اعتماد به نفس جمعی بالا رود.

هدف از جلسات مطالعاتی طرح مباحث آکادمیک برای بالا بردن دانش فردی و یا صرفاً برای کسب مدارج بالاتر عملی نبوده و نیست. بلکه هدف اصلی از برگزاری جلسات منظم مطالعاتی، تبادل نظر و تلاش جمعی برای رسیدن به یک درک صحیح و شناخت و آگاهی بیشتر از ریشه‌های ستم بر زن و ارتباط آن با سایر اشکال ستم و استثمار و پیش گذاشتن راه حل برون رفت از آن بوده است. بدون اغراق پیشبرد جلسات مطالعاتی در ارتقاء سطح آگاهی فردی و جمعی ما نقش مهمی داشته است. یکی از جنبه‌های مثبت جلسات مطالعاتی بالا بردن اتکا به نفس فردی‌مان بوده تا در جلسات و جمع بزرگ تر و با حضور ذهنی بهتر شرکت کرده و جسارت و جرات بیان نظرتمان را داشته باشیم.

باید در نظر داشته باشیم که جلسات مطالعاتی تنها عامل ارتقا آگاهی شرکت کننده‌گان بویژه اعضای سازمان زنان هشت مارس نبوده است. علاوه بر جلسات مطالعاتی هفتگی و مطالعات فردی جداگانه، در کشورهای مختلف نیز جلسات مطالعه‌ی جمعی بنا بر نیازهای هر واحد سازمانی پیش رفته است.

از آنجا که جلسات مطالعاتی ما روند و پروسه‌ای هدفمند را دنبال می‌کند، می‌توان انسجام موجود برای یک کار جمعی، تقسیم و پیشبرد وظایف، از ارائه بحث گرفته تا اداره جلسه، جمع‌بندی جمعی از عملکرد هر دوره و برنامه ریزی برای دوره بعد با توجه به تضادهای گوناگون از سطح آگاهی متفاوت گرفته تا نیازهای فردی و... را بر شمرد. ما همواره تلاش کردیم مباحث مناسب هر دوره را با اتکا بر جمع‌بندی

جمعی انتخاب کنیم. گاهی یک کتاب را به بحث گذاشتیم و گاهی مقالات و جزواتی که از جوانب مختلف به یک بحث پرداخته‌اند و یا کتاب‌هایی که لزوماً با دیدگاه نویسندگی آن توافق نداشته‌ایم اما خوانش انتقادی کتاب درک‌مان را از دیدگاه نویسندگی که لزوماً فردی نیست و در جامعه هم رواج دارد عمیق‌تر کرده است.

در شکل پیش‌برد مباحث نیز سازماندهی‌های گوناگونی را تا کنون امتحان کرده‌ایم تا دریابیم کدام روش بهتر جواب می‌دهد. بطور مثال روی خوانی مبحث، یا پیش گذاشتن سولاتی که می‌توانست مبحثی را باز کند، یا تیمی کار کردن بر روی مبحثی و در این دوره اخیر هم ارائه خلاصه شده مبحث.

ما در طول سال‌های گذشته سعی کردیم که تنوع در برنامه‌های مطالعاتی نیز داشته باشیم، تماشای فیلم در مورد موقعیت زنان و بحث و گفتگو پیرامون آن، دعوت از برخی فعالین جنبش زنان یا شخصیت‌های سیاسی و هنرمند و... باید تلاش کنیم که در دوره آتی نیز این روش خوب و تاثیر گذار را انجام دهیم.

در دوره‌های مختلف تعداد زنانی که به طور منظم در جلسات مطالعاتی شرکت می‌کنند، متغیر بوده و همیشه یک سیر صعودی را طی نکرده است. همواره و هم‌زمان با التهابات داخلی و اوج گیری مبارزات زنان در ایران و افغانستان، اشتیاق زنان به اشکال مختلف مبارزه و شرکت در جلسات مطالعاتی افزایش یافته و بعد از مدتی دوباره حضور در جلسات مطالعاتی کم نگ‌تر و نامنظم‌تر می‌شود. یکی از دلایل آن این است که هر چه جمع بزرگتر می‌شود، انتظارات شرکت کنندگان تنوع بیشتری می‌یابد و تامین نظر همه آن‌ها هم زمان، کار ساده‌ای نیست. سطح علمی منابعی که مورد مطالعه قرار می‌دهیم برای برخی زیادی سنگین و برای برخی دیگر نیست. این معضلی است که حل آن، با توجه به محدودیت نیروی ما و عدم امکان پیش‌برد هم‌زمان چند جلسه مطالعاتی مختلف در سطوح متفاوت، کار ساده‌ای نیست.

یکی از نکات مثبت بویژه در دو سال اخیر حضور فعال‌تر تعدادی بیشتری از زنان مبارز افغانستانی در جلسات مطالعاتی است. وجود زنان افغانستانی در این جلسات و مسئولیت‌پذیری آنان در پیشبرد مباحث از یک طرف کمک کرده است که درک خود و جمع را ارتقا دهند و از طرف دیگر با شناخت بالاتری که نسبت به اوضاع افغانستان به طور عام و موقعیت زنان به طور خاص دارند، غنای بیشتری به بحث ببخشند.

# آخرین نسخه منشور

## سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

### که در یازدهمین مجمع عمومی به تصویب رسید.

تشکل دموکراتیک به این معنا که زنان با تفکرات گوناگون و بینش‌های اجتماعی متفاوت می‌توانند در آن گرد آیند و در عین حفظ گرایش‌های خود، مبارزات متحد و سازش‌ناپذیری را علیه کلیه اشکال ستم بر زن به پیش برند. در فضای سرزنده و شاداب به برخورد عقاید و نظرات گوناگون بپردازند و این امر را در خدمت ارتقای هر چه بیشتر مبارزات مشترک خود قرار دهند.

تشکل توده‌ای به این معنا که بر منافع اکثریت زنان ستم دیده «به ویژه زنان کارگر و زحمت‌کش» پای می‌فشارد و برای تحقق آمال و آرزوهای آنان تلاش می‌کند و معتقد است که رهایی زنان به دست خود زنان مسیر است و بدون اتکا به توده‌های زن و آگاه و متشکل کردن آنان، رهایی میسر نیست.

تشکل مستقل به این معنا که از کلیه نهادهای دولتی و بین‌المللی وابسته به قدرت‌های جهانی مستقل است. هم‌چنین به این معنا است که علیرغم همبستگی با همه‌ی احزاب، سازمان‌ها و جنبش‌هایی که علیه مرتجعین اسلامی و غیر اسلامی و امپریالیست‌ها مبارزه می‌کنند، تشکیلاتی مستقل از همه آنهاست. تشکیلاتی است که با هدف مشخص مبارزه علیه اشکال ستم بر زن به وجود آمده و مستقل از مردان است و جهت‌گیری‌ها، سیاست و فعالیت‌های آن توسط اراده‌ی جمعی اعضایش تعیین می‌شود.

از نظر سازمان زنان هشت مارس، مبارزه برای رفع ستم جنسیتی، یکی از محورهای اصلی مبارزه در جهت ایجاد جامعه‌ای است که در آن به سلطه‌ی طبقات زن ستیز و حامیان بین‌المللی‌شان پایان داده شود و آزادی و رهایی را به نفع توده‌های ستمدیده افغانستان و ایران برقرار سازد.

سازمان زنان هشت مارس با هدف به راه انداختن مبارزه‌ی متحد و سازمان‌یافته‌ی زنان علیه هر شکل از ستم جنسیتی که بر آنان روا می‌شود تشکیل شده است. این تشکل از مبارزات زنان در سراسر جهان و مبارزات زنان ایران به‌ویژه جنبش نوینی که از هشت مارس ۱۳۵۷ (علیه حجاب اجباری) آغاز گشته الهام گرفته و بر تجارب و سنن انقلابی جنبش جهانی زنان متکی است.

این تشکل از هشت مارس ۱۹۹۸ آغاز به فعالیت متحد و سراسری نمود و از آن زمان تا کنون به مبارزات خود جهت رفع ستم جنسیتی ادامه داده است.

سازمان زنان هشت مارس، سازمان زنان افغانستانی و ایرانی است که کلیه فعالیت‌های نظری و عملی خود را در جهت سرنگونی انقلابی امارت اسلامی طالبان و رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی سازمان‌دهی می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس، سازمانی است که علیه بنیادگرایان مذهبی و همه نیروهای مرتجع ضد زن و امپریالیست‌های مرد سالار، در جهت ساختن جامعه‌ای که در آن هیچ شکلی از ستم و استثمار نباشد، مبارزه می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس یک تشکل دموکراتیک، توده‌ای و مستقل است که علیه اشکال مختلف ستم جنسیتی که از جانب دولت‌های زن‌ستیز ارتجاعی و امپریالیستی که مردسالاری یکی از ارکان اصلی آن است، مبارزه می‌کند.

از نظر سازمان زنان هشت مارس، جنبش‌های زنان یک جنبش سیاسی است؛ چرا که با قدرت‌های سیاسی ارتجاعی که دژهای مردسالاری و ستم بر زن هستند، روبرو است.

مظهر اصلی پدر/مردسالاری در افغانستان و ایران رژیم‌های زن ستیز حاکم بر این دو کشور هستند. این رژیم‌ها مسبب اصلی فرودستی زنان هستند و بر همین اساس بزرگترین سد در مقابل تحقق مطالبات و خواسته‌های اولیه و پایه‌ای زنان می‌باشند.

زنان بیش از هر قشر دیگری از ادغام دین و دولت زیان می‌بینند. ادغام دین (که یکی از ستون‌های اصلی‌اش انقیاد زنان است) با دولت (که بر پایه‌ی اسارت زنان شکل گرفته) ستم بر زنان را تشدید کرده است. مبارزه علیه ستم بر زن را نمی‌توان به جدایی دین از دولت محدود کرد، اما این خواست از پایه‌ای‌ترین و فوری‌ترین خواسته‌های زنان افغانستان و ایران است.

علاوه بر دولت‌ها، سلطه‌جویی مرد بر زن در جامعه و در خانواده، رکن دیگر انقیاد زنان است؛ بنابراین سازمان زنان هشت مارس، زنان را به پاره کردن کلیه‌ی این زنجیرها فرا می‌خواند و از طغیان زنان علیه ستمی که از طرف مردان جامعه، خانواده و مردان خانواده بر آنان اعمال می‌شود حمایت می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس کلیه‌ی اشکال ستم بر زن از عریان‌ترین تا پوشیده‌ترین آن‌ها را بدون قید و شرط افشا می‌کند و از کلیه‌ی مبارزات زنان در گوشه و کنار جهان علیه هرگونه ستمی که بر آنان روا می‌شود حمایت می‌کند و تلاش می‌کند آگاهی خود را از موضوع ستم بر زنان و تجارب مبارزاتی بالا برد.

سازمان زنان هشت مارس از کلیه‌ی مبارزین دربند به ویژه زندانیان سیاسی زن دفاع می‌کند و برای آزادی کلیه‌ی زندانیان سیاسی مبارزه می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس علیه کلیه‌ی قوانین رسمی، عرفی و شرعی، مجازات‌های اسلامی، آداب، سنن و رفتارهای ارتجاعی ضد زن و افکار و فرهنگ مسلط پدر/مردسالارانه در اشکال مذهبی و یا هر شکل دیگری که باشد مبارزه می‌کند و به افشا کلیه‌ی تئوری‌هایی که تحت عناوینی چون نسبیت‌گرایی فرهنگی، «فمینیسم اسلامی» و... ستم بر زن را توجیه می‌کنند، می‌پردازد.

از نظر سازمان زنان هشت مارس، به همه زنان در ایران و افغانستان ستم جنسیتی اعمال می‌شود؛ اما زنان ملیت‌های تحت ستم در ایران

(کرد، ترک، بلوچ، عرب، ترکمن، افغان، لر، ارمنی و...) و در افغانستان (هزاره، تاجیک، ازبک و...) علاوه بر این ستم، از ستم ملی نیز در رنج اند. این سازمان برای اتحاد میان زنان به دور از هر گونه تنگ نظری ملی و گرایش‌های برتری طلبانه و مرکز گرایانه تلاش می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس عمدتاً تلاش خود را به بالا بردن آگاهی زنان و سازماندهی و متشکل کردن آنان برای طغیان علیه ستمی که در سطوح مختلف از جانب دولت، مرد، خانواده، سنن اجتماعی و... بر آنان روا می‌شود، معطوف می‌کند؛ اما به ارتقا سطح آگاهی مردان نیز توجه می‌کند و برای گسست آنان از افکار پدر/مردسالارانه و همدستی با نظامی که به آنان امتیازات ویژه در ستمگری به زنان داده است، مبارزه می‌نماید.

سازمان زنان هشت مارس وظیفه‌ی فعالیت آگاه‌گرانه‌ی انقلابی و متشکل کردن نسل جوان مهاجر را که با رفتارهای پدر/مردسالارانه‌ی خانواده و مردسالاری و نژادپرستی در خارج از خانواده روبه‌رویند، بر دوش خود می‌بیند؛ در این راستا ویژگی‌ها و نیازهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان جوان را مدنظر قرار می‌دهد و به روحیه‌ی شورش‌گر و مبارزه جویانه‌ی آنان متکی می‌شود.

سازمان زنان هشت مارس با دیدگاه‌ها و رفتارهای پدر/مردسالارانه‌ی حاکم که در احزاب، گروه‌ها، تشکلات مترقی و مردمی نفوذ می‌کند و منعکس می‌شود، به مقابله می‌پردازد و تلاش می‌کند تا آن‌ها مرز عمیق‌تر و روشن‌تری با فرهنگ و ارزش‌های کهنه بکشند.

سازمان زنان هشت مارس از مبارزات اقشار و طبقات گوناگون مردم علیه ستم طبقاتی، نژادی، ملی، مذهبی، جنسی و جنسیتی و... حمایت می‌کند؛ و مظالم و بیدادگری‌هایی که در جهان علیه توده‌های مردم رخ می‌دهد را محکوم کرده و نسبت به آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد.

سازمان زنان هشت مارس از مبارزات کلیه‌ی احزاب، نیروهای مترقی و انقلابی و تشکلات دمکراتیک علیه پدر/مردسالاری و هر شکلی از ستم و استثمار حمایت می‌کند و برای جلب حمایت آن‌ها از مبارزات خود تلاش می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس خود را بخشی از جنبش جهانی زنان می‌داند و برای تحکیم پیوند با جنبش رادیکال زنان و سایر جنبش‌های مترقی و انقلابی در سطح جهان و حمایت متقابل این مبارزات از یکدیگر تلاش می‌کند.

آموزشی، مشاغل و رشته‌های ورزشی برای زنان

- آزادی بدون قید و شرط اندیشه و ابراز عقیده، حق تشکل، اعتصاب و تظاهرات، حق نشر افکار از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن
- آزادی ایجاد تشکلات زنان برای سازمان دادن مبارزه در راه کسب آزادی و رهایی از ستم جنسیتی
- ممنوعیت جداسازی اجباری زنان و مردان در مؤسسات، مجامع، مدارس، دانشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و معابر و وسایل نقلیه عمومی
- برابری کامل حقوقی میان زن و مرد در کلیه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی
- تأمین حقوق برابر زنان در ارث و در تصاحب و اداره ی مایملک خانواده و لغو کلیه قوانینی که زنان را از حق مالکیت بر زمین، خانه و... محروم یا محدود می‌کنند
- دست‌مزد و مزایای برابر در مقابل کار مشابه برای زنان و مردان
- ممنوعیت اعلام جنسیت در مدارک تحصیلی، درخواست‌های اشتغال و کلیه مدارک شناسایی
- حق طلاق برای زنان
- حق حضانت فرزندان برای زنان
- ممنوعیت چند همسری و صیغه
- لغو کلیه ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های قانونی در زمینه‌ی معاشرت دختران و پسران
- آزادی زنان در امر ازدواج و گزینش همسر، ممنوعیت هر نوع ازدواج اجباری، به نقد کشیدن هرگونه معامله‌گری از قبیل مهریه، جهیزیه و شیربها، زن به زن و... در امر ازدواج و برقراری قانون شراکت مساوی در کلیه اموال زوجین، ممنوعیت مداخله ی طرف سوم در ازدواج و به رسمیت شناختن کلیه حقوق اجتماعی کسانی که خواهان زندگی مشترک بدون ثبت رسمی هستند
- ممنوعیت خریدوفروش دختران خردسال تحت لوای سن شرعی ازدواج و قوانین شرعی و مدنی
- ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی کودکان دختر و زنان
- ایجاد مراکز ثبت ازدواج و به رسمیت شناختن آن بدون مراسم مذهبی

سازمان زنان هشت مارس همواره برای ایجاد تشکل انقلابی و توده‌ای زنان بر پایه‌ی منشور این سازمان در ایران و افغانستان تلاش کرده است

سازمان زنان هشت مارس در شرایط ترور و خفقان از روش سازمان‌دهی مخفی استفاده می‌کند تا بتواند به موجودیت و پیوند خود با توده‌ی زنان و برانگیختن آنان به مبارزه ادامه دهد، در عین‌حال از هر امکان علنی و قانونی بدون آن که موجودیتش را به خطر افکند و یا موجب سازش‌کاری با رژیم‌های حاکم در افغانستان و ایران و یا جناح‌هایی از آنها و یا دادن امتیاز به آنها شود برای فعالیت‌های خود استفاده می‌کند.

سازمان زنان هشت مارس برای دستیابی به اهدافش، خود را به چارچوب‌های رسمی و قابل تحمل برای حکام کشورهای مختلف محدود نمی‌کند و در پی به قدرت رساندن این یا آن زن در حکومت‌های ارتجاعی نیست.

سازمان زنان هشت مارس برای رهایی زنان از قید هر شکل از ستم جنسیتی مبارزه می‌کند، اما کسب خواسته‌های زیر که در گرو سرنگونی انقلابی امارت اسلامی طالبان در افغانستان و رژیم جمهوری اسلامی در ایران می‌باشد، گام اولیه در راستای تحقق این هدف است:

- لغو حجاب اجباری، برقع اجباری و هر شکل از اجبار در پوشش زنان
- لغو کلیه قوانین و احکام ضد زن و مجازات‌های اسلامی علیه زنان
- لغو مجازات اعدام
- جدایی دین از دولت، کوتاه شدن دست مذهب از قانون‌گذاری و دخالت در زندگی کلیه‌ی آحاد جامعه به ویژه زنان

- تساوی کامل آحاد جامعه صرف نظر از خاستگاه طبقاتی، جنسیت، ملیت، مذهب و سن؛ مصونیت آزادی‌های فردی از تعرض قانون و مذهب

- رفع هرگونه تبعیض علیه افراد با گرایش‌های مختلف جنسی، اقلیت‌های جنسی و جنسیتی

- برچیدن کلیه ی قوای انتظامی و نهادهایی که برای کنترل و سرکوب زنان ایجاد شده‌اند

- لغو کلیه ی قوانینی که عمل کرد اجتماعی زنان را منوط به امضا یا رضایت شوهر یا پدر می‌کند

- آزادی زن در انتخاب شغل، سفر، ورزش، تحصیل و کلیه‌ی عرصه‌های

- حق انتخاب نام خانوادگی فرزند برای مادر

- به رسمیت شناختن کلیه حقوق فردی و اجتماعی برای زنانی که خارج از ازدواج بچه دارمی شوند

- به رسمیت شناختن حق سقط جنین برای زنان و ایجاد تسهیلات برای آن

- ایجاد تسهیلات برای جلوگیری از بارداری ناخواسته و تأمین مخارج آن و آموزش جلوگیری از بارداری ناخواسته

- مبارزه برای به رسمیت شناختن گرایش‌ها و روابط مختلف جنسی و حقوق برابر در زندگی مشترک‌شان

- مبارزه با عادی‌سازی «فروش تن زنان» تحت عناوینی چون «کارگر جنسی» یا «ازدواج موقت»

- مبارزه با مجرم شناخته شدن زنان تن‌فروش، ایجاد مشاغل با درآمد مکفی برای آنان، بیمه و درمان مجانی

- ممنوعیت تجارت سکس و سؤاستفاده‌ی جنسی از کودکان و زنان

- ممنوعیت ضرب و شتم زنان توسط مردان

- مجازات تجاوز جنسی اعم از اینکه متجاوز شوهر زن باشد یا غیر

- تصویب قوانین علیه اذیت و آزار خیابانی زنان

- تأمین مرخصی زایمان با حقوق، تأمین تسهیلات معین برای زنان باردار شاغل

- ایجاد تسهیلات لازم برای مادران شیرده در ساعات کاری

- تأمین شرایط کاری سبک‌تر در دوران پرینود و یائسگی

- ایجاد تسهیلات لازم نظیر مهدکودک و مراکز نگهداری از کودکان پس از ساعات مدرسه

- حذف محتوای پدر/مردسالارانه از دروس و منابع آموزشی، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، مطبوعات رسمی؛ مبارزه علیه اشکال مختلف پدر/مردسالارانه در زبان گفتاری و نوشتاری و...

- اختصاص بودجه‌ی مخصوص برای اشاعه‌ی آثار ادبی و هنری زنان و مطبوعات ویژه‌ی زنان که مستقل از دولت هستند

- لغو هرگونه قوانین ارتجاعی و هر نوع ممنوعیت و تبعیض شوونیستی بر مهاجران و پناهجویان افغانستانی بویژه زنان پناهنده و مهاجر در

ایران

علاوه بر مبارزه برای تحقق خواسته‌های بالا، در خارج از افغانستان و ایران تأمین خواسته‌های پناهجویان زن، بخشی از مبارزات ما را تشکیل می‌دهد:

- مبارزه علیه نژاد پرستی و فاشیسم

- مبارزه علیه کلیه قوانین نابرابری که مهاجرین و پناهندگان، به ویژه زنان مهاجر و پناهنده را هدف قرار داده است

- دفاع از حق پناهندگی زنان که به دلیل جنسیت‌شان تحت تعقیب و تهاجم قرار دارند

- حمایت سیاسی و اجتماعی از زنانی که در اثر ستم‌های وارده از دست شوهران مستبدشان فرار کرده‌اند

- حمایت از تشکیل خانه‌های امن برای زنان

- برابری قانونی میان شهروندان و زنان کشور میزبان با شهروندان و زنان مهاجر و پناهنده؛ به رسمیت نشناختن و عدم اجرای قوانین کشور مبدأ در رابطه با مهاجرین و پناهنده‌گان، تحت لوای نسبیت‌گرایی فرهنگی

- دفاع از حق زنانی که خواهان استقلال و خلاصی از انواع ازدواج‌های اجباری و ناقص‌سازی جنسی هستند و دامن زدن به مبارزه و ایجاد بستری برای همیاری و همکاری میان زنان ■

# آیین‌نامه‌ی تشکیلاتی

## سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)

### بخش اول - شرایط عضویت و حقوق اعضا

#### شرایط عضویت

۵- هر عضو باید برای ارتقا آگاهی انقلابی خود و دیگران در مورد موضوع زنان و تبلیغ و ترویج اهداف و دورنمای سازمان زنان هشت مارس کوشا باشد.

۶- هر عضو باید در مقابله با ستم‌هایی که بر او و دیگر زنان روا می‌شود ایستاده‌گی کند و با گرایش‌های پدر/مردسالارانه‌ای که در میان زنان رخنه می‌کند و موجب تفرقه شده و به همبستگی میان آنان ضربه می‌زند، مقابله کند.

۷- هر گاه عضوی اهداف و برنامه کلی سازمان را زیر پا بگذارد و عملی را انجام دهد که خلاف منشور و آیین‌نامه‌ی این سازمان باشد و علی‌رغم تذکر، اخطار جدی به عمل کرد غلط خود ادامه دهد، اخراج خواهد شد. اخراج یک عضو باید با اطلاع و توافق مسئولین سازمان باشد. هر عضو اخراجی می‌تواند خواهان رسیدگی به موضوع اخراج خود در مجمع عمومی سازمان شود.

۸- اخراج و یا انصراف هر یک از اعضا با ذکر دلیل آن، باید در اسرع وقت به اطلاع سایر اعضا برسد و عضو اخراجی یا انصراف داده از ارتباطات سازمان خارج شود.

۹- اعضای افتخاری، فعالین زن از جمله هنرمندان و غیره هستند که به هر دلیلی نمی‌خواهند عضو سازمان باشند، اما با آن روابط نزدیکی دارند.

۱- هر زنی از هر ملیتی که خواهان مبارزه علیه پدر/مردسالاری باشد، حامل و مدافع نظرات و عمل‌کردهای رژیم جمهوری اسلامی در ایران و افغانستان نباشد و به‌طور کلی با منشور و آیین‌نامه‌ی سازمان زنان هشت مارس موافق باشد و در جهت عملی کردن آن‌ها کوشش نماید و شخصاً تقاضای عضویت نماید؛ در صورت سه ماه فعالیت مستمر و با معرفی حداقل دو نفر از اعضا می‌تواند به عضویت این تشکیلات در آید.

۲- عضویت در سازمان می‌تواند به صورت گروهی نیز انجام گیرد، اما تصمیم‌گیری نهایی در مورد عضویت یا ادغام یک گروه یا تشکل در سازمان به عهده مجمع عمومی خواهد بود.

۳- هر عضو باید منظمأ و ماهانه ۱۰ یورو حق عضویت بپردازد. اعضای که مداوماً حق عضویت پرداخت نکرده‌اند، حق رأی در مجمع عمومی نخواهند داشت.

۴- هر عضو باید از موجودیت و اطلاعات این تشکیلات در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایران و افغانستان و کلیه‌ی نیروهای ارتجاعی اسلامی و غیر اسلامی محافظت نماید و مانع نفوذ عوامل ارتجاعی به درون این تشکیلات گردد.

## حقوق اعضا:

## بخش دوم - ارگان‌های تشکیلات

### الف - مجمع عمومی

- ۱- مجمع عمومی بالاترین ارگان تصمیم‌گیری سازمان زنان هشت مارس است که هر دو سال یک‌بار تشکیل می‌شود.
- ۲- تعیین مشی عمومی آتی بر عهده‌ی مجمع عمومی است.
- ۳- در مجمع عمومی گزارش‌های هیئت مسئولین و واحدها خوانده می‌شود. صورت وضعیت مالی و پیشنهاد برنامه و بودجه‌ی سال آتی در مجمع عمومی تصویب می‌شود.
- ۴- انتخاب هیئت مسئولین برای پیش‌برد وظایف آتی بر عهده‌ی مجمع عمومی است. دوره‌ی مسئولیت آنان دو سال است.
- ۵- تصویب منشور سیاسی یا تغییر و اصلاح آن با سه چهارم آرای اعضای حاضر در مجمع عمومی و آیین‌نامه‌ی آن با دو سوم آرای اعضای حاضر در مجمع عمومی امکان‌پذیر است.
- ۶- پیوستن سازمان به دیگر تشکلات با سه چهارم آرای اعضا در مجمع عمومی امکان‌پذیر است.
- ۷- برکناری هر یک از اعضای هیئت مسئولین با دو سوم آرای اعضای حاضر در مجمع عمومی عملی می‌شود.
- ۸- زمان، محل و دستور جلسه به وسیله‌ی هیئت مسئولین تعیین و حداقل دو ماه پیش از تشکیل مجمع عمومی به اطلاع اعضا رسانده می‌شود.
- ۹- کلیه‌ی اعضا حق شرکت در جلسات مجمع عمومی را دارند؛ در صورت گسترش، مجمع عمومی از نمایندگان واحدهای مختلف تشکیل می‌شود.
- ۱۰- در شرایط ویژه هر عضو می‌تواند تقاضای برگزاری مجمع عمومی پیش از موعد تعیین شده را بدهد؛ اما رسمیت یافتن مجمع عمومی در گرو حضور دو سوم اعضاست.

### ب- هیئت مسئولین

- ۱- هیئت مسئولین برای پیاده کردن مشی عمومی تعیین شده توسط مجمع عمومی، باید از اوضاع مشخص تحلیل کند، نقشه بریزد، رهنمود صادر کند و اجرای آن‌ها را دنبال و نیروهای مختلف سازمان را در یک جهت حول سیاست صحیح متحد و هماهنگ کند و سپس از نتایج کار و شناخت نیروهای خود و تجارب عمومی‌تر جنبش زنان جمع‌بندی کند و بر مبنای آن‌ها سیاست و نقشه‌های عملی جدید طراحی کند. پیش‌برد این وظیفه بدون توجه هیئت مسئولین به تجارب افراد و واحدهای گوناگون و فشرده کردن آن تجارب و بازگرداندن تجارب فشرده شده به آن‌ها میسر نیست. از همین رو لازم است روش‌های مناسب و مستمری برای گزارش‌دهی و گزارش‌گیری اتخاذ شود و افراد و واحدهای مختلف نیز در به اجرا گذاشتن تصمیمات و رهنمودهای هیئت مسئولین فعالانه تلاش نمایند؛ فرد به تصمیمات جمع و اقلیت به تصمیمات اکثریت احترام گذارد و به عملی شدن آن‌ها یاری رساند.

۱- هر عضو حق دارد که در حیات سیاسی درونی تشکیلات فعالانه شرکت جوید یا به عبارت دیگر تصمیمات کلی اعم از سیاست‌ها و برنامه‌ها باید منعکس‌کننده‌ی اراده‌ی جمعی باشد. هر عضو حق دارد از کمبودها و نارسایی‌های آن انتقاد نماید و مسئولین و اعضای تشکیلات را در هر سطحی که باشند مورد انتقاد قرار داده و پیشنهادهای خود را کتباً به آنان ارائه دهد و خواهان رسیده‌گی به آن شود. هیئت مسئولین موظف است پیشنهادهای را مورد بررسی و انتقادات را مورد تحقیق قرار داده و به آن‌ها رسیدگی کند. هر انتقادی اگر سه بار تکرار شود و به آن رسیده‌گی نشود به مجمع عمومی واگذار خواهد شد.

۲- عضویت در دیگر تشکلات انقلابی و مردمی برای اعضای این تشکیلات بلامانع است.

۳- هر عضوی حق دارد با در نظر گرفتن مهارت‌ها و علایق و در عین حال با در نظر گرفتن نیازهای سازمان وظیفه به عهده گیرد.

۴- اعضا حق شرکت و اظهارنظر در همه‌ی نشست‌های سازمان را دارند.

۵- اعضا حق دارند مصوبه‌های مسئولین را بازخوانی کنند.

۶- اعضا حق دارند نظرات و پیشنهادهای خود را با طرح در نشست هیئت مسئولین ارائه دهند و در صورت تمایل تقاضای جلسه عمومی کنند.

۷- هر عضو حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجمع عمومی را دارد.

۸- عضویت هر عضو که بیش از ۳ ماه ارتباط خود را با سازمان قطع کرده و فعالیتی نداشته باشد، ملغی می‌گردد.

## بخش سوم - واحدهای شهری و وظایف آنها

واحدهای شهری مرکب از اعضای است که در یک شهر فعالیت می‌کنند. مسئولین هر واحد توسط اعضای آن واحد انتخاب می‌شوند. هر واحد در پروسه‌ی تکامل خود می‌تواند همان تقسیم‌کاری که در سطح هیئت مسئولین به‌پیش می‌رود را در مورد فعالیت‌های محیط خود الگو قرار دهد و مسئولین آن از طریق مسئول تشکیلات به هیئت مسئولین یا مسئولین واحدهای دیگر وصل شوند. واحد شهری با پیش از یک نفر تعریف می‌شود.

### وظایف اصلی واحدهای شهری

- ۱- تبلیغ و ترویج برنامه‌ها و اهداف و دورنمای سازمان
- ۲- کمک به بسیج و سازمان‌دهی زنان و پذیرش اعضای جدید
- ۳- بحث و بررسی جمعی سیاست‌های سازمان زنان هشت مارس و کمک به اجرای تصمیمات هیئت مسئولین و جمع‌بندی از فعالیت‌های خود؛ گزارش‌دهی و گزارش‌گیری
- ۴- بالا بردن سطح آگاهی انقلابی اعضای هر واحد در مورد موضوع زنان
- ۵- پیوند با توده‌های زن و توجه به نظرات آنان
- ۶- پیش‌برد انتقاد و انتقاد از خود به منظور حفظ وحدت و همبستگی میان زنان
- ۷- واحدهای شهری می‌توانند در کارهای مختلف با یک‌دیگر مشترکاً عمل کنند. تبصره: واحدهای شهری در این خصوص بهتر است مسئولین را مطلع کنند مگر در مواقع اضطراری
- ۸- برگزاری مراسم روز جهانی زن، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان و ...
- ۹- جمع‌آوری کمک مالی
- ۱۰- واحدهای شهری می‌توانند آکسیون‌ها و فعالیت‌های شهری را در چارچوب منشور سیاسی و مصوبات مجمع عمومی سازمان دهند و در صورت عدم توانایی از طریق مشورت با هیئت مسئولین به پیش‌برد آن مبادرت ورزند.

۲- هیئت مسئولین برای پیش‌برد جمعی امور باید میان خود تقسیم کار نمایند و مسئولیت فردی هر یک از آنان روشن باشد. این تقسیم کار می‌تواند شامل حیطه‌هایی چون مسئول امور سیاسی و انتشاراتی، مسئول امور تشکیلاتی و مالی و مسئول امور بین‌المللی و روابط عمومی و ... باشد. همراه با تکامل و گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی می‌توان مسئولین جدید به هیئت مسئولین اضافه نمود؛ یا اینکه برخی افراد می‌توانند همزمان چند مسئولیت را به عهده بگیرند. هر یک از مسئولین می‌تواند با صلاحیت دیگر مسئولین افرادی را از میان اعضا تشکیلات برای تکمیل فعالیت‌های رشته خود به همکاری دعوت نمایند.

۳- هیئت مسئولین در برابر مجمع عمومی مسئولیت مشترک دارند.

۴- کل وظایفی که هیئت مسئولین با تقسیم کار مناسب میان خود باید انجام دهند از این قرار است: تهیه و انتشار نشریه و سازمان دادن امور مربوط به هیئت تحریریه - نشریه زیر نظر مسئول سیاسی و انتشاراتی با مشورت دیگر اعضای هیئت مسئولین منتشر می‌شود - ارتقا سطح سیاسی و فرهنگی تشکیلات از طریق ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی، تشکیل سمینارهای مختلف؛ صدور اعلامیه‌های سیاسی و فراخوان‌های مبارزاتی مورد نیاز پیش‌برد امور؛ تماس با واحدهای تشکیلاتی مختلف؛ رسیدگی به امور مالی و محافظت از اموال تشکیلات؛ در صورت لزوم انتشار بولتن‌های داخلی تشکیلاتی به منظور جمع‌بندی از تجارب و انتقال تجارب واحدهای مختلف به یک‌دیگر؛ سازمان‌دهی آکسیون‌ها، تظاهرات و ... پیش‌برد روابط بین‌المللی و روابط عمومی؛ تماس با تشکلات و سازمان‌های داخلی و خارجی.

۵- هیئت مسئولین موظف است حداقل هر شش هفته یک‌بار تشکیل جلسه دهد.

۶- صدور اعلامیه‌های مرکزی مورد نیاز از وظایف مسئول سیاسی و انتشاراتی است. سخن‌گوی سازمان نیز در هر دوره توسط هیئت مسئولین تعیین می‌گردد.

۷- در صورت لزوم، هیئت مسئولین اختیار تشکیل کمیسیون‌های موقت در عرصه‌های مختلف را دارند.



## بخش چهارم - حقوق اقلیت

هرگاه در مورد تصمیمات مهم سیاسی و عملی اختلافی به وجود آید، اقلیت «چه به‌عنوان یک فرد یا جمعی از افراد» می‌تواند نظرات خود را در سطح تشکیلات پخش نماید. در صورت درخواست اقلیت و بنابه اهمیت موضوع مورد اختلاف و تصمیم اکثریت هیئت مسئولین، نظرات اقلیت می‌تواند به روش و اشکال مناسب «در نشریه‌ی مرکزی یا بولتن‌های جداگانه» انتشار علنی یابد و یا بنابر تقاضای اقلیت در جلسه عمومی طرح شود.

سازمان زنان هشت مارس در عین حال که در مقابل توده‌های زن و افکار عمومی دارای سطح مشخصی از مواضع سیاسی واحد است که از طرف مجمع عمومی و هیئت مسئولین آن اعلام می‌شود، اما باید در چارچوب برنامه‌های سیاسی - تشکیلاتی، میان گرایش‌های مختلف فکری به بحث آزاد و دمکراتیک حول مسائل گوناگون دامن زند و روش‌های مناسبی برای جریان‌یابی مبارزه‌ی سالم و زنده به کار گیرد.

نتایج این بحث‌ها به‌صورت سخنرانی‌ها، رساله‌ها و جزوات به‌وسیله‌ی مسئولین تشکیلاتی در اختیار کلیه‌ی واحدها گذارده می‌شود، بدون این‌که این رساله‌ها و جزوات به‌عنوان مواضع تشکیلی یا هر یک از واحدهای آن تلقی شود. از همین رو هر واحد یا افرادی از هر واحد در مورد نیازهای سیاسی و آموزشی می‌تواند نتایج فعالیت‌های تحقیقاتی خود را منتشر کند.

## در این زمینه بهتر است که:

۱- این نوشته‌ها در خدمت ارتقا آگاهی انقلابی زنان در مورد ستم‌های وارده بر آنان و پیش‌برد اهداف سیاسی و مبارزاتی تشکلات زنان باشد.

۲- این‌گونه تحقیقات حاصل فعالیت جمعی باشد.

۳- در مورد مضمون و انتشار نوشته‌ها در سمینارها رأی‌گیری نشود.

۴- هزینه‌ی چاپ و پست این‌گونه نوشته‌ها بر عهده‌ی فرد یا واحد مربوطه باشد.

۵- حتی‌الامکان قبل از انتشار، نسخه‌ای در اختیار مسئول سیاسی و انتشاراتی گذارده شود.

## بخش پنجم - امور مالی

سازمان زنان هشت مارس در هر شرایطی باید استقلال مالی خود را از کلیه‌ی دولت‌های جهان، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی وابسته به قدرت‌های جهانی و حکومت‌های ارتجاعی حفظ نماید. هر نوع کمک مالی از جانب هر منبعی که برای سازمان زنان هشت مارس شرایطی مغایر با روح و اصول پایه‌ای آن به بار آورد و استقلال سیاسی و تشکیلاتی آن را زیر سوال ببرد نباید از جانب هیچ یک از مسئولین و اعضا پذیرفته شود.

سازمان زنان هشت مارس برای تأمین مالی خود به توده‌های مردم متکی است. این کار می‌تواند از طریق زیر انجام پذیرد:

۱- جمع‌آوری حق عضویت

۲- درآمد حاصله از فروش نشریات

۳- پیش‌برد کارزارهای مالی از طریق فعالیت‌های دست جمعی از قبیل برنامه‌های هنری و ...

۴- جمع‌آوری کمک مالی از افراد و تشکلات مترقی در خارج و داخل کشور

۵- هر واحد می‌تواند ۳۰ درصد از کمک‌های مالی جمع‌آوری شده «من‌جمله درآمد حاصل از حق عضویت‌ها» را به فعالیت محلی اختصاص دهد.

۶- درآمد حاصله از فروش انتشارات مرکزی باید به طور کامل به نهاد مرکزی بازگردانده شود. ■

# نامه سرگشاده به ایرانی‌ها: کاش از بی‌رحمی و تبعیض دست بکشید!

سائمه سلطانی، فمینیست و عضو سازمان زنان هشت مارس ایران - افغانستان، در نامه‌ای خطاب به ایرانی‌ها می‌نویسد: «ما را با سیاست مردسالارانه‌ی ناسیونالیسم، به «ما» و «شما» ی سمی در دسته‌ها قرار داده‌اند و ما زیر این تقسیم‌بندی «ما» و «شما» از انسانیت و حس انسانی بریدیم و بند ناف فکری‌مان به هویت جغرافیایی گره زده شد»

۱۲ آبان ۱۴۰۲



## همسایه؛

می‌خواهم سلامی کنم به تو؛ سلامی که قرار است سر سخنی را با تو، قلب، وجدان و ضمیرت باز کند. آری، سلام! قبل از همه بگذار این را درد و دل کنم، که با رنج و تاسف بسیار ما را با سیاست مردسالارانه‌ی ناسیونالیسم، به «ما» و «شما» ی سمی در دسته‌ها قرار داده‌اند و ما زیر این تقسیم‌بندی «ما» و «شما» از انسانیت و حس انسانی بریدیم و بند ناف فکری‌مان به هویت جغرافیایی گره زده شد. این هویت به بهای فروختن و به فراموشی سپردن انسانیت و انسان ماندن‌مان تمام شد. برای حفظ این هویت حاضر شدیم از میلیون‌ها انسانی نفرت کنیم که هیچگاهی حتما ملاقات‌شان نکردیم؛ برای حفظ و افتخار این هویت به میلیون‌ها انسان - که در جمع مفهوم «ما» نبود - نفرین و دشنام فرستادیم. اخراج، توهین، تجاوز، تمسخر، قتل، استثمار و تبعیض را برای تقویت حس درونی کلمه تهوع‌آور «ما» بارها بکار بردیم و همه‌ای اینها را صرفاً با مفهوم «از جمع ما نیست» قابل توجیه دانستیم. این «ما» ی سمی که بند انسانیت‌مان را برید و کرخت و بی‌حسش کرد، آه... کاش شبیه من بار این تقسیم‌بندی «ما» و «شما» ی سنگین و پلید را می‌دانستی، و دست می‌کشیدی برای لحظه‌ای ازین همه بی‌رحمی، ازین همه تبعیض، ازین همه بی‌احساسی، ازین همه بی‌تفاوتی در برابر رنج حداقل یک زنده جان، بگذریم از انسان مطالبه کردنش!

این «ما» و «شما»ی ویرانگری که چشم‌مان را در برابر رنج میلیون‌ها انسان افغانستانی کور کرده و گوش‌هامان را در برابر شنیدن فریاد و ضجه‌ای افغانستانی کرد... برای دانستن آنچه که من می‌گویم کاش ذره‌ای از آن هویت کاذب و پدرسالار ضدانسانی بیرون آمده می‌توانستی و درک می‌کردی چقدر سخت است و دردناک، سقوط انسانی و بی‌حسی انسان‌ها!

خواندم برای توجیه قتل، شکنجه، تبعیض، استثمار، سرکوب، آزار و اذیت مهاجرین افغان؛ بی‌فرهنگ بودن، بی‌سواد بودن، شیک نبودن آن‌ها را انگشت گذاشتید و اضافه کردید افغان‌ها به زنان آنجا تجاوز و دست‌درازی کردند، افغان‌های مهاجر ایرانی‌ها را به قتل رساندند، افغان‌ها دزدی کردند، افغان‌ها فرهنگ، ادب و نظافتی ندارند.

### خوب!

منصفانه‌تر خواهد بود که از این گفتار فاشیسم زدایی شود: در قدم اول لازم است پذیرفت کاربرد استثمار، تبعیض، شکنجه، قتل، اذیت و آزار و اخراج انسانها تحت هر عنوانی جرم و عمل ضد انسانی است؛ به خصوص تحت عناوین طبقاتی و سلسله مراتبی چون سواد نداشتن، ظاهر نامنظم و غیر مدرن و... در دنیای سرمایه‌داری که یک طبقه‌ای کوچک حق اکثریت را در انحصار خود نگه داشته‌اند و حق باسواد شدن پولی شده است و برای ظاهر شیک باید هزینه یکساله دستمزد کارگری‌ات را صرف آن نمایی، چطور می‌شود رو به همان اکثریت فقیر گردانیده شده کرد و از آن‌ها نفرت کرد که قربانی انحصارطلبی و حرص یک طبقه‌ی کوچک ثروتمند شده‌اند؟ چه نقشی دارند در این بیچاره‌گی‌شان؟ چرا از طبقه‌ای که عامل این وضع آن‌هاست کسی نفرت نمی‌کند؟ نفرتی که اگر اتفاق بیفتد جهان را به آرامش و عدالت نزدیک خواهد کرد، عالی است نه؟ اولین باری خواهد بود که نفرت را خواهیم توانست به چشم قشنگ و مثبتی ارزیابی کرد و دریافت، زیرا این نفرت شرطبقاتی را خواهد بلعید و بلعیدن آن شر، مژده دهنده‌ای دنیای متفاوتی خواهد بود.

حالا؛ همسایه گرامی، اگر یک عده‌ای از مهاجرین مرتکب این جنایات و جرایم شده‌اند، دلایلی مشخصی دارد که قابل درک است ولی قطعاً به معنی توجیه جنایات آن‌ها نیست. مثلاً برای فاشیسم زدایی حداقل این مهم خواهد بود که اینطور واقعیت‌ها آشکار شوند. افغانها دهه‌هاست در جامعه‌ای خشک، داغ و وحشت‌آمیز جنگی و اضطرابی متولد و بزرگ شده‌اند؛ جامعه‌ای که آتش جنگ همه سبزه‌زارهای فرهنگ، تحصیل، و فضای سالم اجتماعی را به خاکستر مبدل کرده‌است. آن مهاجرین از دل همچین فضایی به آنجا پا گذاشته‌اند و برای همین به‌قول شما «بی‌فرهنگ‌اند و ناسالم!» ولی می‌بایست از شما باید پرسید که بدون هیچ جنگ و وحشتی که سالهای اخیر مهاجر افغانستانی در آن متولد و بزرگ شده سر کرده اید، چرا مرتکب تجاوز به افغانستانی می‌شوید؟ چرا

مرتکب قتل پیرمرد کارگری شدید که جرمش فقط افغانستانی بودن بود؟ چرا مرتکب تجاوز و قتل ستایش شش ساله‌ای شدید که جرمش بازهم افغانستانی بودن بود؟ چرا مرتکب تبعیض علیه انسان افغانستانی می‌شوید که جرمی جز افغان بودن و فقیر بودن ندارند؟ چرا مرتکب استثمار فیزیکی و عقیدتی صدها هزار مهاجری می‌شوید که جرم‌شان فقط افغانستانی بودن است؟ حداقل همان افغان‌های بی‌فرهنگ تا هنوز به خانه‌های ایرانی‌ها گروهی و بر اعلا با چوب و سنگ حمله‌ور نشده‌اند! شماها که شبیه افغان‌ها دلیلی برای انجام این جرایم ندارید چرا عمداً و آگاهانه مرتکب این جرایم می‌شوید؟ واقعاً مطرح می‌کنم، تفکیک موضع آگاهانه شما با موضع غیر آگاهانه‌ی مهاجر افغانستانی در اعمال این جنایات چیست؟ آنچه شما «بدفرهنگی» و «بی‌فرهنگی» آن‌ها می‌خوانید، عوامل امپریالیستی، نظامی، سیاسی و اقتصادی دارد؛ دلایل شما برای انجام این جنایات چه می‌تواند باشد؟

بگذارید ادامه بدهم؛ فراموش نباید کرد که این تجاوز، قتل و دزدی ابداً هویت کلی مهاجرین نیست و قطعاً نمی‌تواند باشد. این هم جنبه‌ی فاشیستی دیگری است که جنایت و جرم یک عده را به عموم یک گروه بنابر هویت مشترک جغرافیایی و ناسیونالیستی تعمیم می‌دهند.

هر سال با موجی از تبلیغات پخش شده مهاجر ستیزانه از سوی دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی \_ که برادری نزدیکی با امارت اسلامی دارد - رگ‌ها و مشت‌های فاشیستی و شوونیستی عده‌ای ورم کرده و بزرگ می‌شوند و در نتیجه قتل‌های وحشتناکی چون قتل آن پیر مرد کارگر اتفاق می‌افتد و بازهم وجدان‌ها خفته است چون در دنیای مرزبندی شده ی امروز وجدان‌ها بر اساس همان کارت‌های شناسایی هویت‌هامان فعال و غیرفعال می‌شوند.

### ۶ نوامبر ۲۰۳



حقوق و مزایای کارگران افغانستان نیست. میدانیم که خیزشهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ و خیزش آب و بی حقوقی مردم ستم دیده از کردستان و بلوچستان تا خوزستان و لرستان تا ترکمن صحرا و مازندران هرگز بر علیه حضور مهاجران و شهروندان افغانستانی نبود. تمرکز بر زحمتکشان افغانستانی و بسیج افکار عمومی علیه آنها حربه دستگاه حاکمی است که بیش از ۴۰ سال دمار از روزگار همه ما زحمتکشان و مردم محروم کشور در آورده است. شکی ندارم که عزیزانمان از جمله ژینا، نیکا و سارینا و ستاره، حدیث و آرمیتا ... جانشان را فدا نکردند که یک سال پس از خیزش شجاعانه آنها برای برابری و آزادی شاهد اوج گیری گفتمانهای مخرب افغان ستیزانه و نژادپرستانه باشیم.

اینها نمونه های دیگری بودند که با خواندن نامه شما در ذهنم تداعی شد. با این حال، جنبش زن زندگی آزادی نشان داد که نیروی دیگری نیز در بطن جامعه ما رشد کرده است. نیرویی که با هر شکل از «خودی» و «غیرخودی»، از «ما» و «شما» ساختن از انسانها به هر بهانه ای که باشد (ملیت، زبان، جنسیت، قومیت، ...) مخالف است. همچنین طنین «نان کار آزادی» که جنبش حق طلبانه زنان افغانستان از پرچمداران آن بوده است برای من و دیگر فعالین جنبش کارگری پدیده ای دیر آشنا است. خوشحالم که مبارزه در زمینه تبعیض علیه زنان و برای برابری بی قید و شرط، پر قدرت و احتمالا به شکلی برگشتناپذیر تثبیت شده است. اگر این مبارزه بتواند هم علیه مردسالاری و سیاستهای تفرقه اندازانه ی مهاجرتی و فاشیستی، و هم علیه مناسبات ظالمانه ی سرمایه داری تعمیم یابد، به نابودی ریشه های مشترک تبعیض، بهره کشی، و خشونت در زندگی ما خواهد رسید.

سائمه جان، امیدوارم در این مبارزه من و بسیاری از هم طبقه ای هایم را در کنار خود بدانید، زیرا دشمن ما یکی است و تنها راه رهایی وحدت و تشکیلات است.

زندان اوین، آبان ۱۴۰۲

بر گرفته از کانال تلگرامی:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سائمه جان، همسایه و همسرنوشت عزیز، خطاب صمیمانه شما را شنیدم که مصداق آن گفته است که آنچه از دل برآید بر دل نشیند. می گویند شرم احساسی است انقلابی، اما نامه شما خشم و شرم را همزمان برمی انگیزد. خشم از توهین، خشونت، اخراج و تحقیر روزانه که به بهانه افغانستانی بودن اعمال می شود. و شرم از اینکه در این جامعه من هم شهروند ایرانی ام، و میدانم در تمام این سالیان یقینا کارهایی بوده که از دستم ساخته باشد و انجام نداده ام.

اما قلبم به درد می آید وقتی می بینم که متاسفانه در میان مردم ستم کشیده کشور ما و حتی در این زندان، در میان برخی فعالان سیاسی و صنفی که باید پرچم داران مبارزه علیه هر نوع تبعیض باشند، هستند کسانی که هنوز بر طبل نفرت پراکنی و تفرقه اندازی «ما» و «شما» می کوبند.

حاکمان ما، با دو لبه قیچی، یکی بنیادگرایی مذهبی در تمامی امور از جمله سیاست و آموزش و فرهنگ و دیگری مناسبات سرمایه داری هار، بی رحم و غارتگر، به جان مردم ایران و افغانستان و منطقه افتاده اند، و آن وقت بخشی از جامعه شناسان و کارشناسان روزنامه ها می گویند قدرت گیری دوباره طالبان را باید با ریشه های فرهنگی مردم آن سرزمین تحلیل کرد. قربانی نکوهی یک درد است، و اینکه کسی که خودش نیز قربانی همان وضعیت است این کار را بکند یکصد درد.

کارگران و زحمتکشان در ایران بدرستی به بی حقوقی و گسترش فقر و نابرابری در کشور معترضند، اما برخی متاسفانه تحت تاثیر تبلیغات افغان ستیزانه توسط جریانات دست ساز و وابسته به حکومت همچون شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر بجای تمرکز بر نقش مخرب سیاستهای حاکمیت و غارت اموال عمومی و اختلاس های نجومی و آقازاده های مفت خور و گسترش زندگی لاکچری آنها، می گویند افغانستانی ها کار و موقعیت شغلی ما را گرفته اند، غافل از آنکه کارگران مهاجر افغان چند نسل است که از آسیب پذیرترین و بی حقوق ترین نیروی کار و طبقه کارگر همین سرزمین را تشکیل می دهند.

همه ما میدانیم که علت بیکاری میلیونی در کشور و بخصوص جوانان بیکاری که عمدتا تحصیل کرده هم هستند، کار طاقت فرسا و بدون

# روایتی از زلزله هرات

تمنا

## ارسالی از افغانستان

در میان راه جایی ایستادیم، همه جا بوی مرگ و خستگی می‌داد. مردی به شیشه‌ی ماشین زد و به پدرم گفت: بیایید داخل این باغچه، همه دارند می‌آیند، برای شما هم جا هست امروز. داخل باغچه شدیم، بسیار بزرگ بود. چاشت بود و آفتاب سوزان. با بی‌حالی ناشی از ترس داخل شدیم و گوشه‌ای نشستیم. شبکه‌های اینترنتی کماکان قطع بودند.

مادرم مقداری از غذای چاشت را برداشته بود، خوردیم. مردم کم‌کم می‌آمدند. خاله‌ام زنگ زد و گفت: بیایید در خانه‌ی مادر، داخل حیاط فرش انداخته‌ایم.

آنجا را ترک کردیم و به خانه‌ی مادر بزرگم رفتیم، برای مدتی طولانی (۱۵ روز) داخل حیاط مادر بزرگم زندگی کردیم. آنجا خانواده‌ی دیگری هم آمده بودند.

دوباره فیس‌بوکم را چک کردم، با سیلی از عکس‌های زلزله‌زدگان روبرو شدم. اخبار می‌گفت که اکثر قربانیان زنان و کودکان هستند.

تقریباً دو هزار نفر کشته شده بودند، هنوز خبری از آن‌هایی که زیر آوار بودند، نبود. نیروی کمکی به منطقه نرسیده بود، اما هر چند دقیقه یکبار صدای هلی‌کوپترها به گوش می‌رسید.

از شدت بغض نمی‌توانستم گریه کنم. خواهر کوچکم به مادرم گفت: مادرا! کی خانه می‌رویم؟ زلزله تمام شده؟

مادرم گفت: نمی‌دانم دخترم! باید ببینیم چه می‌شود.

زندگی ما در حیاط به دشواری زندگی در خیابان و کوچه نبود. اما تحمل آفتاب سوزان برایمان دشوار بود. اکثراً اشتهایمان نداشتیم، من اگر گاهی می‌توانستم به اینترنت وصل شوم، با دیدن عکس‌های زلزله‌زده‌گان از خود بی‌خود می‌شدم.

کارم شده بود چک کردن کانال خبری تلگرامی (هرات تایمز) و پس‌لرزه‌ها ادامه داشت. به لرزش زمین هنوز عادت نکرده بودیم، من بیش‌تر اوقات سرگیجه داشتم.

۷۲ ساعت گذشته بود و حالا دیگر فرصت طلایی زنده‌ماندن از آن‌هایی که زیر آوار بودند، گرفته شده بود.

مردم دست به کار شده بودند؛ با جمعی از خیرین هر منطقه، به زنده‌جان می‌رفتند؛ هر کس هرچه در توان داشت، برای مردم زنده‌جان تهیه کرده بود، مردمی که حالا خودشان هم در کوچه و خیابان آواره شده بودند.

آن روز مثل روزهای معمولی دیگر، از خواب بیدار شدیم. صبحانه خوردیم، مادرم گفت امروز قرار است برای تفریح به باغچه برویم. من بنابر کسالت و خستگی ناشی از ماندن زیاد در خانه و چشم‌دوختن به چهار دیوار اتاقم، از شنیدن این خبر خوشحال شدم. رفتم تا لباس‌هایم را آماده کنم و وسایل مورد نیاز برای رفتن به باغ را در کوله پشتی‌ام گذاشتم.

ساعت حوالی ۱۱ ظهر بود، در حال بستن موهایم بودم، ناگهان حس کردم تمام اتاق و پنجره‌ها می‌لرزد. اول، برایم کمی عادی بود چون همیشه این‌طور صدای بلند هنگام رد شدن ماشین‌های بزرگ از کوچه‌ی ما ایجاد می‌شد. ولی این بار طولانی‌تر بود و شدیدتر؛ زمین به چپ و راست حرکت می‌کرد و به نظرم آمد که پنجره‌ها دور و نزدیک می‌شوند. صدای مادرم از خانه آمد که زلزله است! زلزله! بیرون بدوید! با همسایه داخل حیاط بیرون دویدیم. و بعد به کوچه گریختیم.

دست و پاهایم می‌لرزید. نمی‌دانستم خوابم یا بیدار.

همه‌ی اهل محل بیرون آمدند، هول‌زده و شوکه بودند. چند دقیقه‌ی بعد، یک‌عده گفتند: دیگر تمام شده! بخیر گذشت!

هنوز بیرون بودیم که زمین لرزه‌ی دوم شروع شد.

در کوچه نشستیم، دست‌هایمان را روی سرمان گرفته بودیم و جیغ می‌کشیدیم! جیغی ناخواسته و برخاسته از هراس، تا تمام شد. زمین لرزه‌ی سومی که شد، به سمت ستون برق نگاه می‌کردم که تکان می‌خورد. با خودم می‌گفتم این بار روی سرمان آوار خواهد شد.

اما نه، زلزله هنوز با ما کار داشت.

اینترنت موبایلم قطع شده بود، به سختی توانستم آنلاین شوم و داخل فیس‌بوکم بروم. مرکز زلزله شهرستان «زنده‌جان» بود و تماماً ویران شده بود. آهی کشیدم و خبر را به بقیه خواندم. هنوز از وسعت تخریبات ناآگاه بودیم. نمی‌دانستیم چه کنیم. همسایه‌ها یک به یک، هراسان و با عجله در حال ترک خانه‌هایشان بودند.

به پدرم گفتم ما هم برویم. گفت: کجا؟

گفتم: نمی‌دانم، یک جایی که ساختمان نداشته باشد.

با ترس و دلهره وارد خانه شدیم، و وسایلی که دم دست بود را برداشتیم. هنوز زمین می‌لرزید، آرام نمی‌گرفت. سریع داخل ماشین شدیم و به جاده زدیم.

هوا کم کم سرد می‌شد و ما مجبور بودیم در بیرون بخوابیم.

تا دل مردم خوش شد که زمین آرام گرفته است، یک زلزله‌ی قوی دیگر ساعت ۵ صبح و زلزله‌ی قوی‌تر دیگری هم چند روز بعد از آن ساعت ۸ صبح رخ داد. آن قدر ترس و تروما به جانمان افتاده بود که تاریخ و روزها را فراموش کرده بودیم.

درد این که پوستمان در آفتاب سوخته بود، در برابر درد کسانی که کل خانواده‌شان را در زلزله از دست داده بودند، چیزی نبود.

اکثر آن‌هایی که باغ، باغچه یا حیاط بزرگ نداشتند و خانه‌هایشان ترک برداشته بود، در پارک‌های عمومی خیمه زده بودند، و پیدا کردن خیمه، از دشوارترین کارها بود.

همچنان هرات‌تایمز را دنبال می‌کردم، منتظر خبرهای بدتر بودم.

ترس بر ما آنقدر غالب شده بود که حتی نمی‌توانستیم حمام برویم،

اگر می‌رفتیم، در عرض چند دقیقه خارج می‌شدیم و یکی بیرون از حمام مراقبمان بود.

حتی دست‌شویی رفتن، معضل دیگری بود، چون تعدادمان در حیاط مادر بزرگم زیاد شده بود. چند خانواده زندگی می‌کرد، اکثراً اولین بار بود که همدیگر را می‌دیدیم. مجبور بودیم لباس‌های با حجاب و بلند بپوشیم و کمتر راه برویم، چون همسایه‌ی خیمه‌ی کناری ما، پسر داشتند. با وجود زلزله، باید مراقب پوشش و عبور و مرور خود در برابر مردان بیگانه می‌بودیم؛ طوری که مجبور بودیم در حیاط آشپزی کنیم و ظرف بشوریم و هنگام ظرف شستن مراقب حجاب و صدای خود باشیم.

آنچه که مرا بیشتر رنج می‌داد، خانواده‌ای بودند که با ما در حیاط زندگی می‌کردند، دختر ۱۵ ساله‌ی‌شان که بسیار لاغر و نحیف هم بود، تازه نامزد کرده بود؛ دختری که مانند هزاران دختر دیگر از تحصیل محروم شده بود. مدام کار می‌کرد، آشپزی می‌کرد.

مادرش از او تعریف می‌کرد: «بسیار دختر کار کشته و ساکتی است، زلزله که تمام شود، به‌خیر محفل نامزدی‌اش است. داریم لباس‌هایمان را آماده می‌کنیم».

دیدن او مانند فیلم ترسناکی شده بود که در کنار ترومای زلزله باید تحمل می‌کردم.

وضعیت بد زلزله‌زدگان، زنان و کودکان، مردمی که در کوچه و پارک زندگی می‌کردند، ترس، دلهره، بی‌خوابی، مانند پتک محکمی به سرم می‌خورد.

پسر خاله‌ام با دوستانش برای کمک به زنده‌جان رفته بود، می‌گفت: «پیرزنی از همان زنده‌جان، به مردم تعریف کرده که قبل از زلزله، گرد و خاک شدیدی رخ داده بوده، همه در خانه‌هایشان رفته بودند، من نزدیک تنور بودم، ناگهان دیدم زمین و زمان لرزید، خاک همه جا را برداشت، وقتی به پشت سرم نگاه کردم، دیدم خانه‌ی ما نیست!»

پسر خاله‌ام می‌گفت: «آنجا رفته بودیم وقتی کارمان تمام شد و بچه‌ها داشتیم می‌آمدیم، مردم دنبال من می‌دویدند و می‌گفتند از ترکیه آمده است. من گفتم که نه، هراتی هستیم. گفتند: دروغ می‌گوید، تُرک است! کمک آورده‌اند!»

خانم نیک‌سیر، استادمان در انجمن ادبی، برای کمک به زنده‌جان رفته بود، می‌گفت: «پیرزنی گفته: مادر جان! دو هفته است چای نخوردم!» زنی دیگر گفته: «وقتی زلزله شد، دو شب بدون پتو و خیمه بودیم، از سرما یخ زدیم».

هر شهروند ساکن هرات، روایت به خصوصی دارد از زلزله؛ حادثه‌ای که به جان و مال و روان همه آسیب رساند. می‌دانم روزی زمین آرام خواهد گرفت اما قلب‌های ما آرام نمی‌گیرند. ما همه در این رنج شریک بودیم و با هر زنده‌جانی که زیر آوار ماند، جان دادیم.

۶ نوامبر ۲۰۲۳



بیش از ۹۰ درصد قربانیان زلزله افغانستان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند

به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

شنبه ۲۵ شهریور، فعالین سازمان زنان هشت مارس در لندن تظاهراتی همراه با سایر نیروهای چپ، آزادیخواه و مبارز در میدان ترافلگار به مناسبت سالگرد قتل دولتی ژینا امینی و آغاز خیزش «زن زندگی آزادی»، بر گزار کردند. در این میدان یک طرف نیروهای آزادیخواه، مبارز و انقلابی قرار داشتند و طرف دیگر لپین‌های سلطنت طلب. یک طرف میدان شعار «نه سلطنت، نه رهبری، دموکراسی و برابری» و ده‌ها شعار در حمایت از مبارزات زنان، کارگران، دانشجویان و... داده می‌شد و طرف دیگر شاه‌الهی‌ها شعارهای ضد زن خود «مرد میهن آبادی» را فریاد می‌زدند.

رفقای جنبش دموکراتیک زنان ترکیه از همراهان همیشگی ما، تلاش کردند در پخش وسیع اعلامیه به زبان فارسی و انگلیسی در میان مردم و صحبت با آنان در مورد خیزش ژینا و دستاوردهای آن سهم بگیرند. تلاش کردیم نقش و جایگاه مبارزات زنان علیه حجاب اجباری در پیشروی جنبش انقلابی را توضیح دهیم و بر این حقیقت انگشت گذاریم که بدون نقش پیشتاز زنان در مبارزه، خیزش ژینا نمی‌توانست این چنین امید به تغییر کهنه و آفریدن نو را نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان ایجاد کند.



## در حمایت از ستمدیدگان فلسطین و علیه دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل

۴ نوامبر ۲۰۲۳

بار دیگر لندن شاهد تظاهرات ده‌ها هزار نفر در حمایت از ستمدیدگان فلسطین و علیه دولت فاشیست و نژاد پرست اسرائیل بود. زن و مرد و پیر و جوان از ملیت‌های مختلف با قدرت و متحد فریاد می‌زدند: «به اشغال فلسطین خاتمه دهید، اسرائیل یک دولت تروریستی است، ارسال مهمات جنگی را به اسرائیل برای کشتن مردم فلسطین پایان دهید، دولت آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان و... شرم بر شما و...»

تظاهرات امروز لندن از محلات گوناگون آغاز شد و در میدان ترافالگار به هم پیوست. علاوه بر لندن در بسیاری از شهرها هم چون بریستول، کاردیف، کمبریج، کاونتری، بدفورد و... نیز تظاهرات در همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت صهیونیست‌ها برگزار گردید.

## علیه نسل کشی فلسطینی‌ها توسط دولت نژاد پرست و فاشیست اسرائیل

۱۱ نوامبر ۲۰۲۳

روز ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳، لندن شاهد حضور میلیونی مردم علیه نسل کشی فلسطینی‌ها توسط دولت نژاد پرست و فاشیست اسرائیل بود. صف فشرده‌ای از مردم با سنین مختلف، ملیت‌های گوناگون و با تفکرات متفاوت در این تظاهرات شرکت داشتند و شعارهایی هم چون: **به نسل کشی پایان دهید! دولت اسرائیل، دولت تروریستی است! ما هم فلسطینی هستیم! آزادی فلسطین و... را بطور رسا فریاد می‌زدند.**

آن چه که کاملاً روشن است امپریالیسم انگلستان هم چون دیگر قدرت‌های امپریالیستی اروپا و آمریکا حامی صهیونیست در نسل کشی از فلسطینی‌ها هستند و مخالف تظاهرات مردم در حمایت از فلسطین.

فعالین سازمان زنان هشت مارس با پرچم و پلاکاردهایی که روی آن نوشته شده بود: **اگر فلسطین آزاد نباشد هیچ کس نیست** در این تظاهرات شرکت داشتند. بسیاری از مردم از پیامی که بر روی پلاکاردهای ما نوشته شده بود با گرفتن عکس و نشان دادن علامت پیروزی از آن استقبال کردند.





به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زنان

۲۵ نوامبر ۲۰۲۳



روز ۲۵ نوامبر، زنان سازمان هشت مارس، در دو فعالیت به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زنان، شرکت کردند. تظاهرات اول، با وجودی که پلیس یک روز قبل زمان شروع آن را یک و نیم ساعت به تعویق انداخته و بسیاری به موقع مطلع نشده بودند؛ اما جمعیتی نزدیک به هزار نفر در آن شرکت کردند.

در این تظاهرات، فعالین هشت مارس، برای پخش اعلامیه‌های خود تا حدودی با مشکل روبرو شدند؛ چرا که برگزار کنندگان در برخوردی محافظه کارانه، موافق طرح مسئله جنگ غزه و اعتراض به کشتار فلسطینیان نبودند. اما زنان هشت مارس بر موضع خود پافشاری کرده و تعداد بسیار زیادی اعلامیه پخش کردند که این حرکت خود مبنای بحث‌های سازنده‌ای در بین شرکت کنندگان و حمایت از بیانیه هشت مارس شد.

بخش‌هایی از اعلامیه هم از بلندگوی تظاهرات خوانده شد که با استقبال حاضرین مواجه شد. در دومین اکتیون که گردهم آیی از طرف فمینیست سوسیالیست‌ها بود، تعداد کمتری شرکت کرده بودند، اما محتوای سخنرانی‌ها و شعارها خیلی رادیکال‌تر بود و شعارها و بیانیه هشت مارس هم با استقبال بسیار خوبی مواجه شد.



به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا - برمن

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳



فعالین سازمان زنان هشت مارس در شهر برمن آلمان، روز شنبه ۲۵ شهریور، به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا و آغاز قیام، از ساعت ۱۴ تا ۱۶، میز اطلاع‌رسانی همراه با تصویری از ژینا و سایر جانبازگان خیزش، پلاکاردهایی با شعارهای رادیکال و تصاویر مبارزات و جسارت‌های قهرمانانه زنان و مردان در مقابله با مزدوران مسلح نظام؛ برپا داشتند. سرودهای انقلابی و تهیه‌ی هم در بخش‌هایی از برنامه پخش شد.

چند تن از زنان جوان که با فراخوان هشت مارس به جمع پیوسته بودند، با جدیت تمام در تمام طول برنامه همراه با فعالین هشت مارس به پخش اعلامیه‌های هشت مارس و گفتگو با مخاطبین پرداختند.

این برنامه، فرصت گفتگو با تعداد زیادی از مخاطبین را برای توضیح شرایط زنان و سایر اقشار تحت ستم، خواست سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، افشای سیاست‌های حمایتی امپریالیست‌ها از جمهوری اسلامی و فراخواندن زنان، زحمتکشان و بیداردلان سراسر جهان به حمایت و همبستگی با زنان و سایر ستم دیدگان در ایران؛ مهیا ساخت.

اغلب این گفتگوها با استقبال خوب مخاطبین روبرو و آدرس‌های ارتباطی با آنان مبادله شد.



تجمعات

شنبه و یکشنبه، ۱۲ و ۱۳ آگوست ۲۰۲۳



فعالین سازمان زنان هشتاد مارس هم با حضور، شعارها و سخنرانی‌های خود در این تظاهرات، ضمن طرح راه کار سرنگونی طالبان، تنها به دست ستم‌دیدگان و زحمتکشان افغانستان، به عنوان اولین گام در راه رهایی زنان و همه اقشار تحت ستم؛ هر گونه دخیل بستن به درگاه امپریالیست‌ها که خود طالبان را به قدرت رساندند را خاک پاشیدن در چشم زنان افغانستان دانسته و لابی گران طالبان را افشا کردند.

در اعتراض به دو سال حاکمیت فاشیستی و زنستیزانه طالبان و برای بلند کردن صدای زنان و مردان افغانستان، در هفته‌ای که گذشت در کشورهای مختلف، تجمعات اعتراضی بسیاری برگزار کردند.

در همین راستا در برلین:

تصاویر مربوط است به تجمعات شنبه و یکشنبه، ۱۲ و ۱۳ آگوست در دانشگاه زیگموند فروید برلین و تظاهرات پایانی آن مقابل دروازه براندنبورگ و همچنین تظاهرات در روز سه شنبه ۱۵ آگوست مقابل وزارت خارجه آلمان.



به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی، برلین – آلمان

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

علاوه بر تظاهرات شبانه که جمعه ۱۵ سپتامبر از ساعت ۲۰، از سوی «اقدامات مشترک فمینیستی» برگزار شده بود و فعالین سازمان زنان هشتاد مارس (ایران-افغانستان) هم در آن شرکت و سخنرانی داشتند؛ در روز شنبه ۱۶ سپتامبر هم تظاهرات بزرگی از سوی جریان‌های مختلف همراه با موزیک زنده، شعارهای رادیکال و بنرها و تصاویر جانباختگان و بازداشت شدگان خیزش ژینا برگزار شد، که در قسمتی از تظاهرات یکی از فعالین هشتاد مارس، بخش‌هایی از سخنرانی خود را ارائه داد و در قسمت دیگر، بیانیه «هشتاد مارس» به زبان آلمانی توسط یکی از فعالین این سازمان از بلندگو خوانده شد و هر دو مورد تشویق و استقبال حاضرین قرار گرفت. در هر دو روز تعداد زیادی از اعلامیه‌های «هشتاد مارس» به زبان‌های آلمانی، فارسی و انگلیسی پخش شد.



تظاهرات علیه جنایات اسرائیل و نسل کشی در غزه

شنبه ۱۳ آبان ۶ نوامبر ۲۰۲۳



در تظاهرات روز شنبه در برلین، با وجودی که پلیس آلمان مجوز آن را با قیدِ ده‌ها محدودیت و اما و اگر، صادر کرده بود، صف عظیمی شامل هزاران نفر از ملیت‌های مختلف شرکت کرده و علیه نسل کشی در فلسطین و حمایت کشورهای امپریالیستی شعار دادند!

فعالین سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) هم با شعارها و برنهای خود، در این راهپیمایی فعالانه شرکت داشته و تلاش کردند صدای چندین نسل از مردم فلسطین، صدای میلیون‌ها زن، کودک و مرد فلسطینی را با فریادهای خود به گوش جهانیان برسانند!

و مردم جهان را برای حمایت از فلسطینیانی که، سال هاست، در اثر بمباران‌ها و شلیک‌های وحشیانه نیروهای اسرائیل زیر آوار ساختمان‌ها دفن شده، کشته، زخمی، آواره و مفقود شده‌اند و بسیاری از عزیزان خود را از دست داده‌اند؛ فرا بخوانند!

گردهم آیی به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زن که با شعار «همبستگی با انقلاب ایرانیان»، در مرکز شهر فرانکفورت برگزار شد! فرانکفورت، همراه با بخش هایی از سخنرانی یکی از فعالین زنان سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) - واحد فرانکفورت، در این تظاهرات: «وقت آن رسیده است که برای همیشه به این دنیای پر از خشونت بر زنان پایان دهیم. وقت آن رسیده که ما زنان پیش قراول انقلابی شویم که نه تنها رژیم های سر تا پا زن ستیز امارت اسلامی و جمهوری اسلامی را به زباله دان تاریخ می سپارد، بلکه همراه با هم سرنوشتان خود برای پاره کردن زنجیر ستم و استثمار که سیستم سرمایه داری امپریالیستی مردسالار به وسعت جهان بر دست و پای مان بسته است، مبارزه ی پی گیر و خستگی ناپذیر را پیش بریم و این چنین به ساختن جهانی بدون خشونت بر زنان یاری رسانیم.» آری! ساختن جهانی بدون خشونت بر زنان امکان پذیر است!



آمریکا – سیند کلود ایالت مینوسوتا

به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا – سیند کلود ایالت مینوسوتا

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

امروز شنبه ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳، همزمان با یک سالگی قتل ژینا به دست جمهوری اسلامی ایران، ما زنان سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) با اعلام همبستگی با قیام ژینا در ایران و قیام علیه افکار فرسوده آخوندهای ایران و طالبان افغانستان، در شهر سیند کلود ایالت مینوسوتا آمریکا به جاده‌ها رفتیم تا با همسرانی پیام قیام ژینا علیه کلیت نظام پدرسالاری به زنان سراسر دنیا، یاد و نام ژینا و پیام قیام را زنده نگهداریم

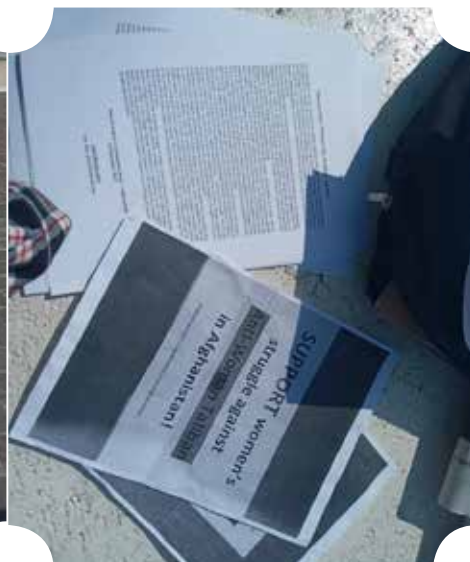


فرانسه – لومان

به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

در روز شنبه ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳ به مناسبت قتل حکومتی ژینا امینی و آغاز خیزش «زن زندگی آزادی» در مرکز شهر لومان فرانسه گردهمایی توسط فعالین سازمان زنان هشت مارس برگزار گردید. در این گردهمایی اعلامیه مرکزی سازمان به مناسبت سالگرد خیزش ژینا در بین مردم پخش گردید. اگر چه در این گردهمایی با یک سلسله مشکلات مواجه شدیم ولی بازم توانستیم این گرد همایی را به صورت کامل و درست به اتمام برسانیم.



## به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زنان

۲۵ نوامبر ۲۰۲۳



روز شنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳ مصادف با ۴ آذر ۱۴۰۲ کمیته «مبارزه علیه خشونت بر زنان»، متشکل از فعالین زنان از کشورهای گوناگون، در روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، برای جهانی بدون استثمار، ظلم، جنگ و خشونت، با شعار «رهایی زن، رهایی جامعه!» آکسیون خیابانی در شهر روتردام هلند، برگزار کردند.

«سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) - هلند»، یکی از اعضای کمیته برگزار کننده بوده و همراه با کمیته آزادی زندانیان سیاسی و جمعی دیگر از فعالین سیاسی ایرانی در هلند در این آکسیون حضور فعالی داشتند.

از ساعت دو بعد از ظهر برنامه با پخش موزیک های انقلابی به زبان کردی و فارسی آغاز شد. بعد از خوش آمد گویی؛ بیانیه مرکزی کمیته، که به اشکال گوناگون خشونت علیه زنان در کشورهای گوناگون اشاره شده بود، خوانده شد.

برنامه با اجرای موزیک زنده از جانب گروه فردای قرمز ادامه پیدا کرد، سپس بیانیه هایی از جانب تشکلات گوناگون زنان خوانده شده که ضمن افشای سیاست های زن ستیزانه در کشورهای خود، جنایات جمهوری اسلامی را محکوم و از مبارزات زنان و مردم ایران دفاع کردند که مورد استقبال قرار گرفتند. گزیده ای از اعلامیه سازمان زنان هشت مارس، به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان توسط یکی از فعالین این تشکل، به زبان هلندی خوانده شد. که مورد توجه قرار گرفت. اعلامیه مرکزی هشت مارس به زبان انگلیسی همراه با بیانیه مرکزی کمیته خشونت علیه زنان، در بین حاضرین و عابرین پخش شد.

علیه زنان در ایران و افغانستان و سایر کشورها، نصب شده و نوشته شده بود «به خشونت علیه زنان پایان دهید!» و طرف دیگر آن را، بنر کارزار زنان با شعار: «حجاب اجباری مرکز خشونت دولتی علیه زنان در ایران»، تشکیل می داد؛ مورد توجه بسیاری از عابریان در طول مسیر راهپیمایی قرار گرفت. حضور زنان جوان در آکسیون چشمگیر بود. زنان خشم و نفرت خود را از اشکال خشونت علیه زنان فریاد می زدند. در انتها و پس از راهپیمایی، برنامه در سالن، همراه با گروه موزیک زنان برزیلی، ابراز همبستگی تشکلات مختلف و ابراز علاقه برای فعالیت های مشترک آینده، با صرف نوشیدنی گرم، در ساعت پنج به پایان رسید.

با پیوستن گروه زنان طبل نوازِ درام (زنان برزیلی باک فلامینگو)، به آکسیون، در هوای سرد و بارانی با حمل پرچم و عکس های مبارزاتی زنان، راهپیمایی از مرکز شهر، آغاز شد. در تمام مسیر راهپیمایی، با خواندن سرود و همزمان با نواختن چندین طبل، و سر دادن شعارهایی چون: «نه به خشونت علیه زنان»، «پایان دادن به جنگ»، «اعلام همبستگی بین المللی»، «برای آینده ای بهتر، زندگی بهتر و به دور از جنگ؛ زنان پیشتانند»، توجه بسیاری از عابریان، به دلیل حضور راهپیمایان در خیابان و اهمیت روز ۲۵ نوامبر، جلب شد. بنر تشکل هشت مارس که در یک طرف آن تصاویری از اشکال مختلف خشونت

هلند - خرونینگن

به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳



روز شنبه ۲۵ شهریور، برای گرامیداشت یاد ژینا و سایر جانباختگان قیام و حمایت از مبارزات جسورانه زنان و مردان در یک سال گذشته، در شهر خرونینگن هلند، گردهمایی از ساعت ۱۱ تا ۱۳:۳۰ از سوی فعالین سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان) برگزار شد.

همراه داشتن عکس‌هایی از ژینا و سایر جانباختگان خیزش اخیر همراه با پلاکاردهایی با شعارهای رادیکال، توجه بسیاری را به این تجمع، که فعالین هشت مارس با همراهی گروهی از دانشجویان و پناهجویان و یک گروه آئنیست برگزار کردند؛ جلب توجه می‌کرد.

یکی از فعالین سازمان زنان هشت مارس، سخنرانی کوتاهی به زبان هلندی در رابطه با قتل حکومتی ژینا و سایر جنایات جمهوری اسلامی و مبارزات زنان و مردان علیه حجاب اجباری و سایر اشکال ستم و استثمار به ویژه در یک سال گذشته ارائه داد. در بخشی از برنامه هم رقص زیبایی «رهای زن» توسط او اجرا شد. همچنین تعداد زیادی اعلامیه‌های هشت مارس به سه زبان، بین بازدیدکنندگان پخش شد. قسمت‌های مختلف برنامه، با استقبال خوبی از سوی حاضرین مواجه شد.



هلند - آمستردام

به مناسبت سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳



شنبه ۱۶ سپتامبر در سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی و آغاز خیزش ژینا در آمستردام (هلند)، از فعالین و هواداران سازمان زنان هشت مارس تلاش کردند، علاوه بر نصب پلاکارد و عکس در مکان تظاهرات، به پخش اعلامیه مرکزی سازمان زنان هشت مارس به زبان فارسی و انگلیسی در بین مردم و صحبت با آنان در رابطه با موقعیت جنبش مبارزاتی مردم به طور کل و جنبش رادیکال زنان به طور خاص بپردازند. استقبال از اعلامیه به حدی بود که در طول تظاهرات مجبور به چاپ مجدد آن شدیم.





## ارسالی توسط مرضیه یکی از فعالین سازمان زنان هشت مارس

۱۰ نوامبر ۲۰۲۳

«لوح تبعیض جنسیتی در جهان امپریالیستی و نوع مرتجعانه‌تر آن در کشورهای شرقی شبیه افغانستان، پاکستان و ایران

قبلاً دولت‌های اسلامی ایران و افغانستان روی شدت بخشیدن به تبعیض جنسیتی با هم در رقابت بودند. مثلاً سیاست جداسازی جنسیتی را در دانشگاه‌ها، مدارس و مکاتب، پارک‌ها و مکان‌های تفریحی، شفاخانه‌ها، بانک‌ها و صف‌های نانواپی‌ها، بازارها، رستوران‌ها، و وسایل حمل و نقل عمومی راه‌اندازی نمودند و اما، در پاکستان هر چند شبیه جمهوری اسلامی ایران و امارت اسلامی‌ها سیاست‌های اسلام سیاسی را تطبیق نمی‌نمایند، اما ساختار سیاسی آن طوری است که برای حفظ منافع‌اش اسلام سیاسی را از بطن و ساختار قدرت حذف و کمرنگ نکرده است برای همین اسلامیون به سیاه‌سازی صورت و دست‌ان‌زنان در رسامی‌های رو دیوار جاده‌های پایتخت پاکستان پرداختند.

پایتخت پاکستان، محله‌ای جی‌سی‌وان در اسلام‌آباد است و اسلامیست‌ها عین اسلامیون طالب، چهره و دست‌ان‌زنان را سیاه‌سازی نمودند. و نوشتند این عمل نمایاندن چهره زن خلاف شریعت است!

قبلاً طالبان نیز در اوایل ورودشان این سیاست را بکار برده بودند و اگر عمیق‌تر به مسئله نگاه کنیم، صرفاً محدود به طالبان هم نمیشود بل مشخصاً موضع اسلام در برابر موقف زن در اجتماع همین است که باید همواره درپوش و پرده قرار گیرد برای همین اسم دیگر زن در ادبیات اسلامی عورت و عورته است، چنانکه در زبان اردو به زن عورت اطلاق میشود!»



# مبارزه علیه خشونت بر زنان،

## مبارزه مشترک همه زنان جهان است!

در حالی ۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت بر زنان فرا می‌رسد که بزرگترین خشونت سازمان یافته از جانب صهیونیست‌ها با حمایت امپریالیست‌های غربی و سایر مرتجعین جهان در غزه برای نسل کشی از فلسطینی‌ها در حال انجام است.

در حالی ۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت بر زنان فرا می‌رسد که دولت فاشیست ترکیه به سردگی اردوغان به کردها در روژاوا، شمال شرق سوریه و شمال عراق حمله نظامی کرده و صدها نفر را کشته است.

قربانیان اصلی این جنگ‌های ارتجاعی زنان و کودکان هستند. سهم آحاد جامعه و بیش از همه زنان از این جنگ‌های ارتجاعی چیزی جز آوارگی، فقر و گرسنگی، سرکوب، آزار جنسی و تجاوز نخواهد بود.

در حالی ۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت بر زنان فرا می‌رسد که حکومت‌های زن ستیز، از آن جمله امارت اسلامی در افغانستان و جمهوری اسلامی در ایران، خشونت سازمان یافته دولتی را بر زنان برای تعمیق و تحکیم هر چه بیشتر سلطه مرد بر زن پیش می‌برند.

### افغانستان:

در ادامه سیاست‌های زنستیزانه طالبان علیه زنان در افغانستان، حجاب (برقع)، برای زنان اجباری اعلام شد. سفر زنان بدون محرم، حضور زنان در پارک‌ها و بسیاری از اماکن عمومی، تحصیل در مدارس دخترانه بعد از دوره دبستان و در دانشگاه‌ها ممنوع شد. معدود مشاغلی که زنان هنوز شانس برای اشتغال در آن داشتند مثل آرایشگاه‌ها و خیاط‌خانه‌ها تعطیل شدند. درمان زنان توسط مردان ممنوع اعلام شد، آن هم در شرایطی که زنان اجازه تحصیل و کسب تخصص برای اشتغال در مراکز بهداشتی و درمانی را ندارند و... اینها در کنار تبلیغ فرهنگ پدرسالارانه در جامعه؛ آمار قتل‌های ناموسی، کودک همسری و سایر اشکال خشونت در خانواده و جامعه و در نتیجه خودکشی زنان را به شدت افزایش داده است و در عین حال حکومت فاشیست اسلامی طالبان، هر ندای اعتراض زنان افغانستان را با سرکوب و قتل و شکنجه و زندان، پاسخ داده است.

اما؛ نکته بارز و غیر قابل انکار این است که زنان امروز افغانستان، همان زنان بیست و چند سال پیش در دوران حکومت قبلی طالبان نیستند. زنان در افغانستان علیرغم تمام تلاش‌های ضد زن طالبان برای حذف کامل آنان از جامعه، تنها گروهی هستند که از اولین روزهای قدرت‌گیری امارت اسلامی طالبان، هرگز از مبارزه علیه این حکومت پدرسالار دست نکشیدند. زنان با مبارزات‌شان علیه طالبان و قدرت‌های امپریالیستی و در راس آنان آمریکا که این متحجرین را به قدرت رسانیدند، و لابی گرانی که تلاش دارند به طالبان رسمیت بخشند را در تظاهرات‌ها، تحصن‌ها، گردهم آیی‌ها و در فضای مجازی؛ افشا کرده و نشان داده‌اند که هرگز به عقب بر نخواهند گشت.

## ایران:

رژیم جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای قدرت گیری، ماهیت ایدئولوژیک خود را با خشونت و ستم بر زنان، به جهانیان نشان داد. حجاب اجباری از اولین اشکال خشونت علیه زنان بود که به واسطه آن مالکیت بر بدن زن و تعیین مختصات زندگی زنان توسط حکومت و توسط مردان را رسمیت بخشید. جمهوری اسلامی با تمام قوا تلاش کرد زنان را از فعالیت در بسیاری از رشته‌های ورزشی و تحصیلی و شغلی محروم سازد و با ممنوعیت سقط جنین و اغلب اقدامات برای پیشگیری از بارداری، زنان را رسماً به ماشین جوجه کشی برای طرح‌های افزایش جمعیت، بدل ساخت. با تخصیص بودجه‌های هنگفت به مراکز فرهنگی برای تولیدات ضد زن، فرهنگ زنستیزی را در جامعه گسترده و بر آمار خشونت‌های مختلف خانگی و اجتماعی افزود.

اما؛ زنان در ایران در تمامی ۴۴ سال گذشته، با مبارزه با حجاب اجباری و سایر اشکال خشونت بر زن و هم چنین با مبارزه در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، زمینه مبارزات گسترده‌ای را در سراسر کشور بر پا ساختند. زنان قادر شدند در خیزش انقلابی ژینا در سال گذشته که در واکنش به قتل حکومتی ژینا امینی زن جوان گُرد، آغاز گردید؛ پیشتازی این قیام را بر عهده گیرند. اگرچه مبارزات زنان با قتل، تهدید، شکنجه، تجاوز و بازداشت آنان، پاسخ گرفت؛ اما با تمام این خشونت‌های سازمان یافته دولتی، زنان سر خم نکردند، قهرمانانه ایستاده‌اند و به مبارزات خود ادامه داده و می‌دهند! زنان و نوجوانان جسور و پیشرو حتی پس از افت نسبی مبارزات خیابانی و با وجود جو امنیتی و نیروهای رنگارنگ سرکوبگر؛ به مبارزه علیه حجاب اجباری با تردد بدون حجاب در اماکن عمومی، سیاسی‌ترین مبارزه را علیه رژیم به پیش می‌برند. آرمیتا گراوند یکی از این نوجوانان جسوری بود که در مبارزه علیه حجاب اجباری توسط مزدوران رژیم به قتل رسید. زنان اسیر در زندان‌ها هم در تداوم مبارزات‌شان حاضر به سرکردن حجاب اجباری در زندان و دادگاه و در اعزام به بیمارستان‌ها نمی‌شوند. **بله!** زنان با مبارزات‌شان نشان داده‌اند که نه تنها به عقب بر نمی‌گردند بلکه مصمم هستند که حجاب اجباری و کل نظام زن ستیز جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ بسپارند.

ما زنان به درازای مرزهای جهان برای پایان دادن به خشونت بر زنان، نه فقط روز ۲۵ نوامبر بلکه هر روز در صف مقدم مبارزه می‌ایستیم و به مدد مبارزه‌ی جهانی‌مان برای تغییر این جهان ستمگرانه مردسالار و خلق جهانی بدون خشونت بر زنان حرکت می‌کنیم!

۲۵ نوامبر ۲۰۲۳



# مبارزات شکوهمند زنان علیه حجاب اجباری

## و

# ممنوبه شکست خورده (عفاف و حجاب)!

دیگر نیازی نیست اثبات کنیم که زنان پیش قراول قیام ژینا بودند و با آتش زدن حجاب اسلامی، آتش به جان رژیم مفلوک سلطنتی / اسلامی انداختند!

دیگر نیازی نیست از این بگوئیم که زنان جسور ملیت‌های تحت ستم، بویژه زنان کرد نقش و جایگاه تعیین کننده‌ای در قیام ژینا و فراگیر کردن شعار «ژن ژیان نآزادی» داشتند!

دیگر نیازی نیست از این بگوئیم که دانش آموزان دختر، همان کودکان دختری که قرار بود تحت یک حکومت دینمدار فاشیست زن ستیز، آموزش اسلامی ببینند و مبدل به زنانی «مطیع و فرمانبردار» شوند، در خیزش ژینا، با سر نکردن حجاب و آتش زدن آن، با خواندن سرودهای انقلابی، با شعارهایی که مرزبندی دقیق با شاه و شیخ داشت و با حضور پر قدرت‌شان در مبارزات خیابانی، صحنه مبارزه را کیفیتاً تغییر دادند و چهره آن را زنانه‌تر کردند!

دیگر نیازی نیست از این بگوئیم که مبارزات شکوهمند زنان، بسیاری از مردان بویژه جوانان را در سهم گرفتن آنان در مبارزه علیه ستم بر زن با خود همگام کرد و این چنین به اتحاد مردسالاران در حکومت و خارج از حکومت ضربه زد!

دیگر نیازی نیست از این بگوئیم که زنان زندانی سیاسی، زنانی که زیر شکنجه و خشونت‌های وحشیانه یک مشت شکنجه‌گر زن ستیز قرار دارند، با الهام از مبارزات مردم بخصوص زنان، عزم‌شان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی راسخ‌تر شده است. زنان زندانی سیاسی‌ای که در زندان و رو در روی قداره بندان رژیم، حجاب سوزان راه می‌اندازند. زنان زندانی سیاسی‌ای که در زمان خروج از زندان، نه تنها حجاب اسلامی را سر نمی‌کنند بلکه با شعارهای ضد رژیم پیوند مبارزاتی خود را با همه ستم‌دیدگان و با همه زنان مبارز و جسور نشان می‌دهند!

آری بر بستر چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی به استیصال افتاده است. رژیم از مبارزات زنان علیه حجاب اجباری و ادامه‌یابی آن که تا کنون گام‌های اولیه ولی مهمی را در راستای خلاصی بدن زنان از مالکیت پدر / مردسالاران در قدرت و خارج از قدرت برداشته است، به هراس افتاده است. وحشت رژیم از این است که با ادامه‌یابی مبارزات زنان علیه حجاب اجباری، خیل وسیعی‌تری از مردم به ویژه مردان به این مبارزه بپیوندند. هراس رژیم از مبارزه زنان این است که آتش مبارزه، همه‌گیر شده و بر شور و شوق مبارزاتی مردم و شعله‌ورتر شدن مبارزه آنان بیفزاید.

بر همین اساس تلاش دارد با مصوبه «جدید» «عفاف و حجاب» که در مجلس اسلامی در ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ با ۷۱ ماده به تصویب رسانده، مانع از گسترش مبارزات زنان علیه حجاب اجباری شود. قصد جمهوری اسلامی این است که با اتکا بر این مصوبه در کوچه و خیابان، دانشگاه و مدرسه، کارخانه، بیمارستان و ادارات و... زنان شورشگر و جسوری که به حجاب اجباری تن نمی‌دهند را تحت کنترل در آورد و از این طریق کنترل از دست رفته خود را بر کل جامعه اعمال کند.

برای عملی شدن این هدف، در «لایحه عفاف و حجاب» دست آزارگران، امر به معروف، بسیجی، لباس شخصی و همه نیروهای مزدور را برای اعمال عریان‌ترین شکل خشونت بر زنانی که در سراسر جامعه حجاب اسارت بار اسلامی را بر نمی‌تابند، بیش از پیش باز گذاشته است.

اما، مگر قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی در خیزش ژینا که قلب ده‌ها زن و نوجوان دختر را به خاطر آتش زدن حجاب نشانه رفت و کشت، ده‌ها نفر را نابینا کرد، هزاران نفر را دستگیر و در زندان‌ها مورد انواع و اقسام خشونت، شکنجه، آزار و اذیت جنسی و تجاوز قرار داد، باعث شد که زنان دست از مبارزه علیه حجاب اجباری بردارند؟ زنان پس از فروکش کردن موقتی مبارزات خیابانی، سیاسی‌ترین مبارزه را با سر نکردن حجاب اسلامی و به مصاف طلبیدن رژیم، در سراسر جامعه پیش بردند و نشان دادند که از دیوار ضخیم سرکوب و ارباب و بگیر و به بند، جریمه و... عبور کرده‌اند.

باید در نظر داشت که اوضاع رژیم حتی مدت‌ها قبل از قیام ژینا در موقعیت بحرانی قرار داشت. اما خیزش سراسری و مبارزات گسترده توده‌های جان به لب رسیده، این بحران را به مراتب عمیق‌تر و موقعیت رژیم را متزلزل‌تر کرد. این هم یک واقعیت غیر قابل انکار است که زنان با مبارزات‌شان بویژه مبارزه علیه حجاب اجباری و نشانه رفتن کل نظام زن ستیز، در بوجود آمدن این شرایط بحرانی برای رژیم، نقش اساسی ایفا کردند.

مجموعه این شرایط جمهوری اسلامی را مجبور کرده است که لایحه «عفاف و حجاب» را تصویب کند تا بر اساس آن بتواند اهداف خود را پیش برد. حفظ پایه‌های مفت خور و عقب مانده، ترمیم شکاف درون حکومتی، محکم کردن خود در منطقه و در بین نیروهای حزب الله، رقابت با طالبان کابل، ایجاد رعب و وحشت در جامعه و... از جمله اهداف رژیم است. اما در مرکز اهداف رژیم، باز پس‌گیری دستاوردهای مبارزاتی زنان و در عین حال انتقام‌گیری سخت و سرکوب-گرایانه از آنان قرار دارد. جمهوری اسلامی از این که زنان، خیابان‌ها را با مبارزه علیه حجاب اجباری از آن خود کرده‌اند و به آن شکل تازه‌ای بخشیده‌اند، سخت به وحشت افتاده است. حال می‌خواهد با لایحه زن ستیزانه «عفاف و حجاب» خیابان‌ها را پس بگیرد. می‌خواهد با خیال خام خود با این مصوبه زنان را «سر جای خود» بنشانند به آحاد مردم پیام دهد که «حساب کار خودتان» را بکنید! اما زنان تا کنون با مبارزات‌شان اثبات کرده‌اند که مبارزه علیه حجاب اجباری، به سبک زندگی روزمره مبارزاتی‌شان در سراسر جامعه بدل شده و حاضر نیستند خیابان‌هایی که با خون نیکا‌ها، سارینا‌ها، حدیث‌ها، غزاله‌ها، مینوها، ستاره‌ها و... گلگون شده را به آسانی از دست بدهند.

اوضاع کنونی و شرایط حاکم بر آن بر این واقعیت دلالت دارد که جامعه آبستن تحولات عظیمی است. اغراق‌آمیز نخواهد بود اگر بگوئیم خشم و نفرتی که در بین اکثریت مردم بویژه تهیدستان شهر و روستا، ملیت‌های تحت ستم، کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، مالباختگان، اقلیت‌های مذهبی، فعالین محیط زیست، اقلیت‌های جنسی و جنسیتی، زنان و... شکل گرفته است، هر آن می‌تواند به انفجاری به مراتب عظیم‌تر و گسترده‌تر از قیام ژینا بدل شود. در این میان زنان جسور و مبارز بویژه زنان جوان و نوجوانی که از میان آتش و خون مبارزاتی سال ۱۴۰۱ علیه حجاب اجباری و کل رژیم جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند، نقش مهمی را در انفجار خشم و نفرت مردم در سراسر جامعه بر عهده دارند. انفجاری که مسیر سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن حجاب اجباری و همه مصوبه‌ها و قوانین ریز و درشت ضد زن را هموار می‌سازد.

# در سالگرد خیزش ژینا

## با کوله باری از تجارب مبارزاتی،

## به سمت انقلاب گام برمی داریم!

مبارزه ستروگی در راه است. سراسر جامعه از تب مبارزه و عطش به زیر کشیدن جمهوری اسلامی می‌سوزد. خواست تغییر شرایط نکبت بار نظام فاشیستی سرمایه داری جمهوری اسلامی از هر پرز جامعه بیرون جهیده است. زنان آماده‌تر از هر زمان دیگری برای به گور سپردن حجاب اجباری و کل نظام زن ستیز حاکم عزم خود را جزم کرده اند. جوانان مبارز و انقلابی خود را برای نبردهای تعیین کننده در عرصه‌های مختلف مبارزاتی آماده می‌کنند. برگزاری سالگرد خیزش ژینا در چنین شرایطی فرا می‌رسد.

یک بار دیگر در آستانه سالگرد قتل دولتی ژینا امینی و آغاز خیزش سراسری «زن زندگی آزادی»، باید بر این حقیقت که همان هفته‌های اول این خیزش مطرح کردیم، تاکید بگذاریم که: «ژینا، هم زن بود و هم کرد. این نقطه تلاقی دو تا از مهم‌ترین تضادهایی بود که جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه با آن روبرو بوده است. ژینا به اغما رفت و دیگر برنخواست، اما مرگ او جرقه‌ای شد تا انباری که از باروت خشم فروخورده بیش از چهار دهه سرکوب وحشیانه زنان، تحمیل حجاب اجباری، جنایت، ظلم و ستم و استثمار علیه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، علیه ملیت‌های تحت ستم، علیه اقلیت‌های مذهبی، علیه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی و... انباشت شده بود را منفجر و آتشی را در سراسر جامعه برپا کند.»

در آستانه یک سالگی یکی از عظیم‌ترین خیزش‌های انقلابی مردم قرار داریم، خیزشی که زنان پیشقراول آن بودند و در آن صحنه‌های غرور آفرینی از مبارزه را خلق کردند، به سلطه پدرسالاری ضربه زدند و سنگ بنای پایان نهادن به سلطه و اقتدار بر بدن زن را پایه ریزی کردند. خیزشی که به همبستگی گسترده مردم به ویژه با ملیت‌های تحت ستم یاری رساند. خیزشی که چشم‌انداز یک انقلاب توده‌ای را باز گشود و امید به تغییر جهان کهنه را در بین ستم‌دیدگان جهان آفرید.

بدون شک تضاد عمیق زنان، جوانان، نوجوانان و به طور کل مردم ستم‌دیده با جمهوری اسلامی به حجاب اجباری محدود نمی‌شد و نمی‌شود. بیش از چهار دهه، استثمار طبقاتی، ستم جنسی و جنسیتی، ستم ملی و مذهبی، خفقان و دیکتاتوری، چپاول، دزدی و اختلاس، سرکوب و کشتار، اعدام و شکنجه، به بند کشیدن هر صدای آزادیخواهی و نبود هیچ گونه آزادی؛ منبع تضاد اکثریت توده‌های ستم‌دیده با رژیم است که در خیزش ژینا بازتاب یافت. اما مبارزه سراسری زنان علیه حجاب اجباری در خیزش ژینا توانست تمامی این تضادها را رو آورد و بیرون بریزد.

حرکت پیشتاز و شجاعانه زنان در خیزش ژینا نه تنها تحسین و حمایت مردم آزادیخواه و مترقی در بسیاری از نقاط دنیا را برانگیخت، بلکه بسیاری را به وجد آورد و الهام بخشید. نقش پیشتاز زنان در مبارزه علیه حجاب اجباری انگیزه مبارزه در میان زنان در سراسر جهان علیه ستم جنسیتی را قوت بخشید. یکی از مهم‌ترین تاثیرات رهبری زنان و مبارزه متهورانه شان، آشکار شدن قدرت و نقش زنان در تغییر جامعه کهنه و پوسیده مردسالار سرمایه داری شد.

در عین حال، مبارزه خونین زنان علیه حجاب اجباری در جنگ با جمهوری اسلامی و نماد و پرچم ایدئولوژیک اش، اعلام پر قدرت این پیام به همه جریانات راست و پرو امپریالیست و رسانه‌های وابسته و ارتجاعی بود که: این مبارزه «نا فرمانی مدنی» نیست. کشته شدن ده‌ها زن در میدان

نبرد علیه حجاب اجباری و سوزاندن آن «نافرمانی مدنی» نیست. جنگ تمام عیار بین زنان و جمهوری اسلامی «نافرمانی مدنی» نیست. این دارودسته بطور آگاهانه و هدهمند با تقلیل مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و کل نظام زن ستیز حاکم، به «نافرمانی مدنی» قصد دارند این مبارزه را محدود و آن را در چارچوب حفظ سیستم سرمایه داری مردسالار محصور کنند. در حالی که مبارزه زنان علیه حجاب اجباری ربط مستقیم به سرنگونی کلیت نظام ستم و استثمار جمهوری اسلامی دارد.

یکی از دستاوردهای ماندنی و قابل اتکا در قیام ژینا، طرح شعارهایی بود که عمدتاً توسط جوانان انقلابی در دانشگاه‌ها و در مبارزات خیابانی بویژه در کردستان و بلوچستان پیش گذاشته شد و فراگیر شد. شعارهایی هم چون: «کرد، بلوچ، آذری، آزادی و برابری»، «نه سلطنت، نه رهبری، دموکراسی، برابری»، «سقف و گندم، قدرت به دست مردم» و... نمایانگر بلوغ سیاسی و دورنمای این خیزش بود. طرح این شعارها و توده‌ای شدن آن توانست طرح و برنامه‌های مخرب و تفرقه افکنانه تمامی نیروهای راست و پرو امپریالیست و کارزار «همه با همی» و اتحاد و ائتلافشان را شکست دهد.

از دیگر دستاوردهای خیزش ژینا، رشد هنر مردمی و انقلابی در عرصه‌های گوناگون از جمله نقاشی، نمایش، کارتون و... بود. در این خیزش سرودهایی سروده شد که تبلور و تاثیر مبارزات مردم به طور کل و زنان بطور خاص را در خود منعکس می‌کرد و به زیباترین شکل بیان می‌نمود. در عین این که سرودهای انقلابی و سایر عرصه‌های هنر اعتراضی به نوبه خود به رشد و تعمیق مبارزه کمک نمود.

با نزدیک‌تر شدن به سالگرد قتل وحشیانه ژینا امینی و آغاز خیزش سراسری، رژیم جمهوری اسلامی از هراس موج نوین مبارزه و گسترش آن به تکاپو افتاده و نیروهای سرکوبگر هار و قاتل خود را در همه جا به جان مردم انداخته است. ترس و وحشت جمهوری اسلامی از قیام توده‌ها در سالگرد خیزش ژینا به قدری عیان است که بازتاب آن را در حمله به خانواده‌های جانباختگان و ضرب و شتم و بازداشت آنان، در بازداشت و زندانی کردن صدها نفر از فعالین زن و دیگر حوزه‌های مبارزاتی، اخراج ده‌ها استاد دانشگاه، فراخواندن صدها دانشجو به نهادهای امنیتی و انضباطی، فشار بیش از حد به زندانیان سیاسی بویژه زنان زندانی سیاسی و... می‌توان دید.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی با وجود تخصیص بودجه کلان و گسیل انواع و اقسام نیروهای سرکوبگر برای تقابل با زنان شورشگری که چهره خیابان‌ها را با سر نکردن حجاب اسارت بار اسلامی عوض کرده اند، به استیصال افتاده است. جمهوری اسلامی از گسترش مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و حمایت وسیع مردم و پیوستن آنان به این مبارزه، به وحشت افتاده است.

**رژیم جمهوری اسلامی «حق» دارد از مبارزات زنان و گسترش آن بترسد. چرا که مبارزه زنان علیه حجاب اجباری در طول چهل و چهار سال گذشته و جهش آن در خیزش ژینا، توانست به شکست ایدئولوژیک‌شان قطعیت ببخشد. توانست در صحنه نبرد به اسلام سیاسی و دولت دینمدارشان ضربه کاری وارد نماید. توانست گام‌های اولیه ولی مهمی را در راستای خلاصی بدن زنان از مالکیت نرینه‌های در قدرت و خارج از قدرت، طی کند.**

جمهوری اسلامی «حق» دارد از سالگرد خیزش ژینا، این چنین واضح و آشکار به هراس بیفتد؛ چرا که کلیه شرایط حکایت از این دارد که جامعه آبستن تحولات عظیمی است. جامعه به قدری از کلیه مظالم و پلشتی‌های این رژیم فاشیست اسلامی انباشته شده که بیش از پیش آماده انفجار است، انفجاری مهیب و سهمگین. در این میان، زنان شورشگر، مبارز و انقلابی نقش بسزایی در انفجار خشم و نفرت فشرده شده انبار باروت بر عهده دارند. انفجاری که می‌تواند سرنگون کردن جمهوری اسلامی را از طریق انقلاب و ساختن آینده تسریع کند.

اگر چه سالگرد خیزش ژینا برای ادامه مبارزه از اهمیت زیادی برخوردار است، اما باید در نظر داشت که پیشبرد مبارزه علیه رژیم در این سالگرد خود بخشی از طی کردن پروسه انقلاب است.

در شرایط کنونی و با کول باری از تجارب مبارزاتی، تسریع امر انقلاب بیش از پیش ضرورت اتحاد و همبستگی را با هدف و افق ساختن جامعه انقلابی طلب می‌کند. اتحاد و همبستگی ستمدیدگان بر حول انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی نقطه قوتی است که با اتکا بر آن بتوان به تمایز هر چه بیشتر صف انقلاب از ضد انقلاب نائل آمد.

در شرایط کنونی و با کول باری از تجارب مبارزاتی، تسریع امر انقلاب، این ضرورت را در مقابل آحاد جامعه بویژه مردان پیش می‌گذارد که به مبارزه زنان علیه حجاب اجباری به طور گسترده‌تر بپیوندند و این مبارزه مهم و تعیین کننده را بخش مهمی از مسیر پیمودن راه صحیح انقلاب بدانند.

۱۰ شهریور ۱۴۰۲ / اول سپتامبر ۲۰۲۳

# مبارزه را در جهت درهم شکستن درهای زندان

## و

# آزادی همه زندانیان سیاسی سازماندهی کنیم!

در اوضاع عینی دیگری، سی و پنج امین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی را برگزار می‌کنیم. اوضاعی که جامعه بویژه در نتیجه خیزش ژینا، دستخوش تحولات بزرگی شده است. در مرکز این تحولات، خواست انقلاب و سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی به خواستی فراگیر در میان مردم بدل شده است.

در شرایطی یاد جانباختگان دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ را گرامی می‌داریم که پرچم دادخواهی مادران خاوران با شعار «نمی‌بخشیم و فراموش نمی‌کنیم» در دست مادران خیزش ۸۸، خیزش دی ۹۶، خیزش آبان ۹۸ و خیزش ژینا برافراشته نگاه داشته شده است و به پیش می‌رود. مادران دادخواهی که از مبارزات عزیزان‌شان علیه رژیم جمهوری اسلامی و فدا کردن جان‌شان سرفرازند. مادران دادخواهی که در برابر سرکوب‌های وحشیانه رژیم عقب ننشسته‌اند و با پیام‌های نوید بخش‌شان، به روحیه مبارزاتی مردم علیه رژیم دمیده و هم چنان می‌دمند.

یکی از ویژگی‌ها و تغییرات دوره اخیر این است که موضوع دادخواهی دیگر موضوعی مربوط به مادران، خواهران، فرزندان و به طور کلی خانواده‌های جانباختگان نیست، بلکه موضوعی مربوط به همه مردم است. حضور وسیع مردم خشمگین در گورستان‌ها به وسعت جامعه برای گرامی داشت جانباختگان با شعارهای ضد رژیم و سرودهای انقلابی، گواه این حقیقت است. این آن شرایطی است که رژیم را بشدت به وحشت انداخته است. وحشتی که خود را بویژه با نزدیک شدن به سالگرد قتل ژینا امینی، با تهدید و فشار و یورش به خانه‌های مردم برای بازداشت خانواده‌های جانباختگان و فعالین زن و دیگر فعالین سیاسی نشان می‌دهد.

تغییر اوضاع عینی جامعه بویژه از دوران خیزش ژینا و حضور گسترده و پیشتاز زنان در آن با محوریت مبارزه علیه حجاب اجباری و آتش زدن آن، رژیم را بیش از پیش مستاصل کرده است؛ به همین دلیل تلاش می‌کند با دستگیری و زندانی کردن خیل وسیعی از زنان رعب و وحشت در جامعه ایجاد کند تا بتواند از ادامه مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و دمیدن به امر مبارزه جلوگیری کند.

اما برخورد و روحیه بالای زنان زندانی سیاسی حتی درون زندان و در شرایطی که با انواع شکنجه، تجاوز و تهدید خانواده‌های‌شان مواجه هستند، رژیم را مستاصل تر کرده است. زنان جسور زندانی سیاسی اولین لحظه پس از آزادی با وثیقه‌های کمر شکن، در مقابل دیوارهای بلند زندان، با شعرهایی هم چون «زن زندگی آزادی»، «خامنه‌ای ضحاک می‌کشیمت زیر خاک»، «حکومت ستمگر نابود باید گردد» ادامه مبارزه و نقش پیشتاز زنان در آن را آشکار می‌سازند.



بین این دسته از زنان مبارز و جسور با زنانی است که در خارج از کشور با ادعای دفاع از زنان و مبارزاتشان به درگاه امپریالیست‌ها دریوزه‌گی می‌کنند، درهای عمیق و پر نشدنی موجود است.

در همین دوره که مادران دادخواه و خیل عظیم مردم در خیابان و گورستان و مزار جانباختگان با صدای بلند فریاد می‌زنند که «نمی‌بخشند و فراموش نمی‌کنند»، سلطنت طلب‌ها به سرکردگی رضا پهلوی بخشیدن جنایتکاران و قاتلین بهترین و فداکارترین مبارزین و انقلابیون را مطرح کرده و یاسمین پهلوی، دادخواهی برای اعدام شدگان دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ که عمدتاً از مجاهدین و نیروهای چپ بودند را غیر ضروری می‌داند.

بی‌شک مخالفت رضا پهلوی با خواسته دادخواهان که «نمی‌بخشیم و فراموش نمی‌کنیم» و هم چنین مخالفت یاسمین پهلوی از دادخواهی برای قتل عام زندانیان سیاسی دهه شصت، به این علت است که این دارودسته از عملی شدن این دادخواهی یعنی محاکمه عاملین و آمرین جنایتکار که ربط مستقیم به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک دولت انقلابی دارد، هراس دارند. این داوردهسته بیش از هر چیز از انقلاب واقعی می‌ترسند. به همین دلیل هم در صددند با تمام توان مالی و حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های امپریالیستی غربی بویژه آمریکا، کل سیستم یعنی زندان و سازمان امنیت و دم و دستگاه سرکوبگر نظامی و سپاه پاسداران و به یک کلام کل نظام ستم و استثمار جمهوری اسلامی را حفظ کنند.

آن چه را که باید در نظر گرفت این است که در آن دوره یعنی سال‌های شصت، برای رژیمی که با توافق امپریالیست‌ها به قدرت رسیده بود، کاملاً روشن بود که بدون سرکوب خونین جنبش‌ها و مبارزین و انقلابیون نمی‌تواند خود را تثبیت کند. در عین حال در آن دوره، کل شرایط به خمینی و رژیم‌اش این اجازه را داد که بتواند در دهه ۶۰ و اوج آن تابستان ۶۷ هزاران نفر از بهترین و فداکارترین مبارزین در بند را اعدام کند و در گورهای دسته جمعی در گورستان‌هایی هم چون خاوران، به خاک بسپارند تا زندان‌ها را از زندانیان سیاسی خالی کنند. تا جوانان را از آشنایی با نسلی آگاه و آرمان خواه، نسلی که خواست تغییر و ساخت دنیایی متفاوت را در سر می‌پروراند و با این هدف رژیم سلطنتی را سرنگون کرده بود، محروم کنند. به همین دلیل هم کلیه امپریالیست‌ها از این خوش خدمتی رژیم با سکوت رضایت مندانه خود، استقبال کردند.

بدون هیچ شک و شبهه ای، شرایط عینی کنونی با سال‌های دهه ۶۰ تفاوت کیفی کرده است. تفاوت در این است که رژیم جمهوری اسلامی در میان اکثریت مردم بویژه اقشار و طبقات تهیدست شهر و روستا بی‌پایه است و از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی شکست خورده است. با انتشار هزاران تصویر و گزارش مردمی از سرکوب‌های وحشیانه رژیم از خیزش‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی، میلیون‌ها نفر در جریان این جنایات قرار گرفتند. نتایج وخیم سیاسی و اقتصادی یک رژیم سرتا پا مرتجع و وابسته تئوکراتیک را با گوشت و پوست خود در زندگی لمس کرده‌اند. زنان بویژه نسل جوان جنایت و قساوت دولت دینمدار را در همین دوره خیزش ژینا با کشتن ده‌ها زن جوان و زندانی کردن تعداد وسیعی‌ای از آنان به جرم مخالفت با حجاب اجباری، با چشم خود دیدند.

با در نظر گرفتن این تغییر و تحولات کیفی در جامعه، خواست بر حق «آزای زندانیان سیاسی» و یا تلاش‌های مثبت برای آزادی یکی یا تعدادی از زندانیان سیاسی، با در نظر گرفتن تضاد عمیق مردم با رژیم جمهوری اسلامی دیگر جوابگو نیست. در شرایط کنونی، شرایطی که جامعه در التهاب بسر می‌برد، شرایطی که فوران خشم و نفرت عمیق از رژیم عیان است و هر آن می‌تواند به خیزشی به مراتب گسترده‌تر از خیزش ژینا منتهی شود، وظیفه اصلی و تعیین کننده همه ما نیروهای مبارز و انقلابی این است که بتوانیم فعالیت‌های خود را در عرصه‌های گوناگون مبارزاتی در راستای درهم شکستن درهای زندان و آزادی همه زندانیان سیاسی که به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی گره خورده است، سازماندهی کنیم. فراگیر کردن خواست «درهای زندان برای آزادی همه زندانیان سیاسی شکسته باد» به مبارزات مردم در جهت انقلاب و سرنگونی رژیم ستم و سوی درست‌تر، تعرضی‌تر و هدفمندتری می‌دهد.

پیشبرد این شکل از مبارزه با این جهت گیری است که به طور واقعی یاد و راه جان باختگان دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ و همه جان باختگانی که جان عزیزشان را برای ساختن جامعه و آینده‌ای فدا کردند که در آن هیچ کس به خاطر عقایدش زندانی و اعدام نشود، گرامی داشته می‌شود.

۵ شهریور ۱۴۰۲/۲۷ اوت ۲۰۲۳

# دو سال مبارزه و مقاومت

## زنان پیشرو در مقابل طالبان زن ستیز!

طالب جنایت می‌کند، آمریکا حمایت می‌کند

مرگ بر ستمگر، چه طالب باشد، چه لابی‌گر

نه به حجاب اجباری

جاهل تویی، جانی تویی، متجاوز و مزدور تویی، زن آزاده منم

اسارت نمی‌پذیریم

نان، کار، آزادی

طالبان، طالبان، سرنگون، سرنگون

...و

این شعارهای زنان است که بطور جسورانه در خیابان‌هایی که توسط متحجرین طالب اشغال شده می‌پیچد و نوید ادامه مبارزه آگاهانه، انقلابی و گسترده را می‌دهد. این صدای زنان پیشروی افغانستان است که پر قدرت اعلام می‌کنند که به طالب، این نیروی بنیادگرای اسلامی تن نمی‌دهند و خوب می‌دانند که دولت آمریکا بطور علنی از جنایات طالبان حمایت می‌کند. این صدای زنان مبارزی است که مرزبندی قاطعانه خود را با کسانی که برای منافع حقیر خود، به گدایی از درگاه قدرت‌های امپریالیستی و لابی‌گری برای مشروعیت بخشیدن به طالبان توسل جسته‌اند، بطور روشن و صریح پیش گذاشته می‌شود.

طالبان با همیاری مرتجعین منطقوی و امپریالیست‌های آمریکایی و متحدین ش در ۲۴ اسد (مرداد) ۱۴۰۰ مطابق با ۱۵ اگست ۲۰۲۱ به قدرت رسانده شد. امپریالیست‌های آمریکایی طالبان را به قدرت رساندند تا منافع استراتژیک این دوره خود را تامین کنند. تاریخ همین بیست و دو سال گذشته نشان داد که چه آن موقع که دولت آمریکا و متحدین اروپایی ش «رهایی زنان» از دست طالبان را به عنوان بهانه برای اشغال خونین، پیش گذاشتند و چه از دو سال پیش که طالبان را تحت نام «تغییر» و به «روز» شدن‌شان به قدرت رساندند، نه تنها به دروغ و ریاکاری متوسل شدند، بلکه جنایتی آشکار علیه زنان و کل مردم افغانستان را برای منافع خود سازماندهی کردند. ما بارها و بارها بر این حقیقت انکار ناشدنی پای فشرديم که «هیچ امپریالیستی در هیچ جای جهان نمی‌تواند هیچ زنی را آزاد و رها کند». چرا که تولید و باز تولید ستم جنسیتی یکی از پایه‌های سیستم ستم و استثمار سرمایه داری حاکم بر جهان را تشکیل می‌دهد.

دوسال از به قدرت رساندن طالبان، این نیروی بنیادگرای اسلامی که تا مغز استخوان، زن ستیز و ضد مردمی است می‌گذرد. دو سالی که با جنگ طالبان در تمام ابعاد علیه زنان سازماندهی شده است. دو سالی که ستم جنسیتی بر زنان یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های امارت اسلامی طالبان را تشکیل داده است. دو سالی که طالبان با صدور فرمان‌های ضد زن و با حمله به زنان برای خانه‌نشین کردن آنان، افغانستان را به جهنمی برای زنان بدل کرده است. دو سالی که دانشجویان دختر از ادامه تحصیل محروم و بسیاری‌شان مجبور به ازدواج اجباری شده‌اند. دو سالی که زنان سرپرست خانواده، زنان زحمتکشی که با مشقت فراوان لقمه نانی را کسب می‌کردند با احکام ضد زن طالبان به زور از کار بیکار و تعدادی‌شان مجبور به فروش اعضای بدن و یا فروش اطفال خود شده‌اند. دو سالی که اکثر مردم بویژه زحمتکشان به نان شب خود محتاج‌اند. دو سالی که رها کردن کودکان در کوچه و خیابان، فروش کودکان بخصوص کودکان دختر به خاطر فقر، گسترش بی‌سابقه‌ای یافته است. دو سالی که خشونت خانگی و قتل زنان توسط مردان خانواده و حمایت آشکار امارت اسلامی افزایش یافته است. دو سالی که آمار خودکشی زنان و جوانان، به شدت بالا رفته است. دو سالی که ازدواج اجباری کودکان دختر برای تجاوز قانونی، رشد بی‌سابقه‌ای یافته است. دو سالی که شونیسیم پشتون قدرت بیشتری گرفته و ملیت‌های گوناگون بویژه هزاره‌ها تحت شدیدترین ستم تا حد نسل کشی قرار گرفته‌اند. دو سالی که میلیون‌ها نفر از مردم بخصوص جوانان مجبور به فرار از افغانستان و روی آوردن به ایران و ترکیه و... همان کشورهایی که حاکمان‌شان هیچ تفاوتی کیفی با طالبان ندارند، شده‌اند...

طالبان هم چون رژیم زن سیتز جمهوری اسلامی در ایران و دیگر حکومت‌های اسلامی، اسلامی بودن‌شان با ستم جنسیتی و به قهقرا بردن موقعیت زنان، رقم خورده است. برای امارت اسلامی طالبان درجه بالای اسلامی بودن‌شان با افزایش هر چه گسترده‌تر محدودیت‌ها و خشونت‌های سازمان یافته بر زنان، با هدف وادار کردن آنان به خانه نشینی معنی و مفهوم می‌یابد. به همین دلیل می‌بینیم که در دو سال گذشته وزارت «امر به معروف و نهی از منکر» که در حقیقت وزارتی برای سرکوب زنان است، فعال‌ترین وزارت خانه طالبان بوده است.

اما طالبان که تصور می‌کرد می‌تواند هم چون سال‌های ۹۰ میلادی با خشونت‌های وحشیانه و تعرض به زنان و صدور احکام اسلامی علیه آنان، شرایط تثبیت خود را هموار کند، اینبار با مبارزات گسترده زنان روبرو شده است. برای زن ستیزان طالب سخت است که دریابند که نه ابزار مذهب دیگر آن کارکرد گذشته را دارد و نه زنان بویژه زنان نسل جوان، همان زنان سال‌های ۹۰ (گرچه در همان دوران هم زنان پیشرو به اشکال متفاوت در برابر طالبان مقاومت می‌کردند) می‌باشند.

رشد فکری زنان افغانستان در فرآیند بیش از چهار دهه سلطه بنیادگرایی اسلامی و ستم جنسیتی و درد و رنج حاصل از آن بالا رفته است. زنان افغانستان به چشم خود دیده و می‌بینند که نتایج حکومت اسلامی در ایران چه بر سر زنان و آحاد جامعه آورده است؛ بویژه آن دسته از زنانی که به عنوان مهاجر در ایران کار و زندگی کردند و با گوشت و پوست خود زن ستیزی، فاشیسم و شونیسیتی عمل کردن حکومت اسلامی را لمس کرده‌اند.

آن چه که تا کنون مشخص شده این است که طالبان با صدور احکام ضد زن مبتنی بر شریعت اسلامی، با ایجاد رعب و وحشت، با گلوله و تجاوز، با سنگسار، با شکنجه و قتل‌های آشکار و پنهان، نمی‌تواند جلوی بلند کردن صدای اعتراض زنان پیشرو را بگیرد. ممکن است به ظاهر تعداد زنانی که به خیابان می‌آیند و شجاعانه مبارزه می‌کنند، کم باشند، اما واقعیت این است که هزاران هزار دختری که تشنه فرا گرفتن علم و دانش هستند و از تحصیل محروم شده‌اند، زنانی که از کار محروم شده‌اند و امید و آرزوهای‌شان بر سهم گرفتن در مسایل اجتماعی از آنان گرفته شده است، کارمندان ادارات سابق، هنرمندان، خبرنگاران و هزاران هزار نفر دیگر، مخالف سرسخت زن ستیزان طالب هستند و خواست سرنگونی این دارودسته متحجر را در سر می‌پروراند.

بدون شک ما زنان آگاه و مبارز در افغانستان، در همین دو سال گذشته نه تنها به طالبان ضد زن بلکه به امپریالیست‌های آمریکایی و اروپایی، نشان داده‌ایم که ذره‌ای سرسازش با طالبان و امارت اسلامی آنان نداریم. نشان داده‌ایم که ستم جنسیتی و ابعاد خشونت وحشیانه حاصله از آن را بر نمی‌تابیم. این را هم می‌دانیم که راه سختی در پیش داریم، اما هم تجارب مبارزاتی‌مان و هم تجارب مبارزاتی زنان در ایران و اقصی نقاط جهان این واقعیت را به میان می‌کشد که برای پیمودن درست راه مبارزه به فعالیت جمعی، متشکل و بر پایه درکی انقلابی نیاز داریم. رفع این نیاز مبرم به مبارزه ما و سایر ستمدیدگان در مسیر سرنگونی انقلابی طالبان و کوتاه کردن دست کلیه قدرت‌های امپریالیستی و منطوقی خدمت خواهد کرد. در این راه پر پیچ و خم و دشوار با اتکا به همبستگی و حمایت فعال همه رزمندگان زنان در سراسر جهان، پیش خواهیم رفت.

## سخنان نژاد پرستانه مسیح علی‌نژاد

سخنان مسیح علی‌نژاد: «همه کشورهای اروپایی بلند شدند، کجا بودند، ما باید این خلا را پر کنیم، چگونه؟ جهان رو تکون بدیم که به همین راحتی نمی‌تونید برای برنامه سیاسی خودتون بیایید تو خیابون ولی وقتی زن ایرانی کشته میشه شما ساکت باشید و یا حجاب سرتون بکنید برای چه می‌دونم هم دردی با مردم فلسطین و یا مردم مسلمان. ولی اون جنگی که همان اول حماس علیه مردم اسرائیل انجام داد، جنگ علیه دموکراسیه و...»

**هشت مارس:** اولاً کشورهای اروپایی که مسیح علی‌نژاد آگاهانه مردم این کشورها را با دولت‌های اروپایی مخدوش می‌کند به خیابان نیامدند. بلکه دولت‌های اروپایی تمام‌قد در کنار نسل‌کشی فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌ها ایستاده‌اند و این نسل‌کشی را آشکارا حمایت می‌کنند. در حقیقت این مردم کشورهای اروپایی و آمریکایی و اقصی نقاط جهان هستند که بر خلاف موضع‌گیری‌های بغایت فاشیستی دولت‌های شان علیه مردم فلسطین به خیابان آمدند.

دوما ناسیونالیسم ارتجاعی و تهوع آور را در همین چند جمله می‌توان دید. او می‌گوید چرا وقتی «زن ایرانی» کشته می‌شود به خیابان نمی‌آید؟ در حقیقت مسیح علی‌نژاد اعتراض دارد به این که مردم نسبت به نسل‌کشی فلسطینی‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند و این کشتار دسته‌جمعی را نمی‌پذیرند. علی‌نژاد از مردم جهان می‌خواهد که مثل خود او و همپالگی‌هایش چشم‌شان را به روی یکی از بزرگترین جنایات علیه بشریت را که در حال وقوع در فلسطین است ببندند.

سوماً مسیح علی‌نژاد واضح‌تر از این نمی‌توانست بیان کند که در کنار صهیونیست‌ها و دموکراسی آنان ایستاده است.

دموکراسی مورد علاقه علی‌نژاد و دارودسته‌اش تا کنون بیش از ۲۴۰۰۰ هزار تن بمب در عرض چند هفته روی زندان‌رو باز غزه و در میان دو میلیون فلسطینی انداخته و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر را کشته است. در میان این کشته‌شده‌ها بیش از ۴۰۰۰ کودک جان‌شان را از دست داده‌اند. آن‌هایی هم که هنوز کشته نشده‌اند بدون آب، نان، سرپناه و... زیر بمب باران بزرگترین دموکراسی خاورمیانه مورد علاقه علی‌نژاد قرار دارند.

همین سخنان کوتاه مسیح علی‌نژاد در مورد کشتار دسته‌جمعی مردم فلسطین توسط «بزرگترین دموکراسی» خاورمیانه یعنی اشغالگران فاشیست و نژاد پرست اسرائیل نشان می‌دهد که او و همپالگی‌هایش از دوییدن و گدایی کردن از درگاه قدرت‌های امپریالیستی غرب برای رژیم‌چنج در ایران، بدنبال چه نوع حکومتی هستند. حکومتی مدل صهیونیست‌ها در ایران.

آن‌چه را که باید تأکید کرد این است که تشکلات رادیکال و انقلابی زنان، زنان پیشرو و همه نیروهای مبارز، مبارزه علیه اشغالگران فاشیست اسرائیلی و در کنار مردم فلسطین ایستادن را بعنوان بخشی از مبارزه خود در مسیر رهایی مردم در ایران و جهان می‌دانند.

**در حقیقت اگر فلسطین آزاد و رها نباشد، هیچ‌کس نیست!**

# The fight against the violence on women is a common struggle of all women around the world!

## Afghanistan:

**A**s November 25<sup>th</sup> International Day for the Elimination of violence Against Women, approaches massive organized violence has been perpetrated and still continuing on Gaza killing over 12000 people aimed at the genocide of Palestinians people by Zionist forces with the support of Western imperialists and other reactionaries.

**A**t the same time, as November 25<sup>th</sup> the International Day for the Elimination of violence Against Women, approaches, the fascist regime of Turkey, led by Erdogan, cold-bloodedly launches military attacks against the Kurds in Rojava, northeastern Syria, and northern Iraq, resulting the death of hundreds of people.

**T**he main victim of these reactionary wars are women and children. The People and specially the women's share from these reactionary wars is only homelessness, poverty, hunger, oppression, sexual harassment and rape.

**A**s November 25<sup>th</sup>, the International Day for the Elimination of violence Against Women, approaches, it is evident that misogynistic governments, including the Taliban in Afghanistan and Islamic regime in Iran, are systematically perpetrating violence against women to deepen and consolidate evermore the male domination over women.

**I**n continuation of the misogynist policies of the Taliban in Afghanistan, the compulsory wearing of the hijab (burqa) has been imposed on women. Traveling without a close male relative, the presence of women in parks and many public places, and education in schools after primary level and in universities have been banned. The few remaining jobs that women had a chance to work in such as beauty salons and home sewing have been shut down. The medical treatment of women by men in such a situation has been banned that women have no opportunity to study or to be trained for the work in a healthcare or treatment center... all these are alongside the role that the patriarchal culture plays in the society, and the shocking number of honor killings, child marriage, and other forms of violence in the families and the society, that has caused a vast increase in the number of suicides committed by women. Meanwhile, the fascist Islamic regime of Taliban responds to any voice of protest from Afghan women with suppression, murder, torture and imprisonment.

**B**ut a plain and indisputable fact is that women in present day Afghanistan differ significantly from two decades ago when Taliban came to power in 90's. Despite the Taliban's relentless anti woman effort to eliminate women from the society, Women are the only group that have persistently resisted this oppressive regime since the Taliban were brought to power. Through their ongoing struggle against the Taliban and imperialist power, particularly the United States, which facilitated the ascent of these oppressors, as well lobbying groups seeking to legitimize the Taliban, women have exposed them by their demonstrations, sit ins, gatherings and by using virtual spaces and have shown that they will never retreat.

## Iran:

The Islamic regime of Iran, from the time it came to power, has shown its ideological nature to the world through violence and oppression against women. The compulsory hijab was one of the first forms of violence against women through which the possession and control of women's body and determining the orientation and purpose of their lives by men and the state was formalized. The Islamic regime made extensive efforts to deprive women from participation in many different sports, educations, and occupational fields. By banning abortion and other measures that is used to prevent pregnancy, women have formally been transferred to a child-bearing machine for their 'population increase' programs.

By allocating a large budget to cultural centers to produce anti-woman products, the Islamic states promoted a culture of misogyny in society and contributed to increase the statistics of various forms of domestic and social violence.

But in the last 44 years, women in Iran by their struggles against compulsory hijab and other forms of violence against women and also through their struggle in all social, economic, and political spheres, the women have made the ground for widespread movements throughout the country. They played a leading role in the recent Jina (Mahsa) uprising, sparked in response to the regime's murder of Jina (Mahsa) Amini, a young Kurdish woman. The role of women was such that the uprising is also known as "Woman Life Freedom". Even though the women's struggle was responded by threat, arrest, torture, rape and murder this state organized violence did not cause them to yield but their struggle continued and is still continuing.

In spite of a relative fall in street protests and despite security crackdowns by suppressive forces, brave and advanced women and youth persist in the struggle against compulsory hijab by appearing in public spaces without hijab, waging the most politically charged struggle against the regime. Armita Garawand was one of these courageous teenagers who was murdered in the fight against compulsory hijab by the regime's mercenaries.

Even among the women imprisoned, there is no surrender. They persist in their fight against compulsory hijab within the confines of prisons, courtrooms, and when are transferred to hospitals. Yes, Women through their struggles not only resisted regression but also are determined to throw the compulsory hijab and the entire anti-woman system of the Islamic regime to the graveyard of history.

**We, women through the long length of the borders of this world, stand at the forefront of the fight against violence on women, not only on November 25th but every day of the year, and move forward to change this patriarchal world of oppression and create a new world without violence on women by relying on our international fight.**

25 November 2023 ■

# گامی به پیش نهید!

شما می توانید:

حول نشریه «هشت مارس» محافل مطالعاتی سازمان دهید.

نظرات خود و دیگران را در مورد مطالب نشریه بفرستید.

هر کجای جهان که هستید، گزارشگر نشریه شوید.

اخبار و گزارشات مربوط به وضعیت و مبارزات را برای نشریه ارسال دارید.

رنجی که هر زنی از پدر/ مردسالاری برده را حکایت کنید.

با ارسال:

مقاله، ترجمه مطالب، شعر، نقد فیلم و کتاب، عکس، طرح و کاربکاتور

ما را در افشای کلیه اشکال ستم جنسیتی و ارتقا آگاهی زنان یاری دهید.

# HASHTHE MARS

Quarterly Journal NO 60, December 2023

مجمع عمومی سازمان زنان هشت مارس  
(ایران - افغانستان)

به رفیق  
ظاهره شمسی،  
زن مبارزی که برای  
آزادی و رهایی زنان  
در افغانستان و ایران  
و سراسر جهان در  
تمام دوران زندگیش  
مبارزه کرده است.



[www.8mars.com](http://www.8mars.com)

[zan\\_dem\\_iran@hotmail.com](mailto:zan_dem_iran@hotmail.com)

Youtube: 8marsorg

Facebook: 8marsorg

Telegram: @hashtemars

Instagram: @zanane8mars

Twitter: @HashtMars

WOMEN LIFE FREEDOM!

زندگی آزادی!

WOMAN REVOLUTION LIBERATION!

انقلاب رهایی!

Price: €5 - £5